



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

سیرت النبی ﷺ

صنف هشتم
(برای مدارس دینی)

سیرت النبی ﷺ — صنف هشتم (برای مدارس دینی)

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

سیرت النبی ﷺ

صنف هشتم

(برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش



مؤلف

- دكتور اسد الله حنيف

ايدیت علمی

- قیام الدین کشاف

- دكتور عبدالصبور فخری

ايدیت زبان

- سید محمود خلیق

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- دكتور فضل الہادی وزین

- رقیب الله ابراهیمی

إشراف

- دكتور شیر علی ظریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی.







سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه بان
دا هیواد به تل ځلېږي	لکه لمر پر شنه اسمان
په سینه کې د اسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وايو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه ورسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش تقدیم معلومات تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که باید مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود باشد نصاب تعلیمات اسلامی است، زیرا تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که بحیث نظام و قانون مکمل تمام ابعاد زندگی انسان ها را دربر گرفته و بحیث آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با ثوابت و طبیعت دین اسلام که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با تاریخ علمی درخشان، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد موج بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رخ می نمایند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کیفی و کمی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب تعلیمات اسلامی اقدامات قابل توجه نموده است.

این وزارت با دعوت از علماء، استادان و متخصصین فرهیخته و قابل اعتماد کشور به به سازی نصاب تعلیمی پرداخته و بدون کم و کاست در مضامین و کتابهای مقرر در نصاب تعلیمی رائج مدارس تعلیمات اسلامی، به منظور استفاده خوبتر و بیشتر، کتابهای مقرر را شکل درسی داده و با شرح و توضیح لازم متون و اضافه فعالیتها و ارزیابی و تمرین مناسب، به غنای متون درسی موجود پرداخت.

امیدوارم این خدمت ناچیز وزارت معارف و تلاشهای قابل تمجید علماء و دانشمندان و متخصصان کشور عزیز ما مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته و در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شود.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



مقدمه

استادان محترم و شاگردان عزیز!

علم سیرت که از زندگانی پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ بحث می کند در فهم قرآن کریم و سنت نقش عمده دارد، زیرا شأن نزول از آیات و شأن ورود بسیاری از احادیث از علم سیرت آموخته می شود، ازینرو آگاهی از سیرت برای فهم درست هدایات اسلام امریست مبرم و اساسی.

همچنان ما بحیث مسلمان، برای تطبیق عملی دین به تأسی و اقتداء به رسول الله ﷺ نیاز داریم، زیرا زنده گی ایشان تجسم عینی و تطبیق عملی دین اسلام می باشد.

با در نظر داشت اهمیت سیرت النبی ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان تدریس این علم را بحیث یک مضمون مستقل در دو صنف (۷-۸) دوره متوسطه مدارس تعلیمات اسلامی مقرر نموده و در تهیه مفردات مضمون مذکور اولویتهای مطالب، تسلسل موضوعات و مرحله عمری شاگردان را رعایت نموده است.

این کتب درسی با استفاده از شیوه های جدید تألیف کتابهای نصاب تعلیمی نوشته شده و در تهیه مطالب آن به روایات موثوق اکتفاء صورت گرفته است. امید داریم تا مورد قبول علماء و مدرسین قرار گیرد و شاگردان از مطالب آن در عرصه علم و عمل استفاده اعظمی نمایند.

والله الموفق



فهرست موضوعات

شماره	عنوان	صفحه
۱	هجرت پیامبر ﷺ به مدینه منوره (۱)	۱
۲	هجرت پیامبر ﷺ به مدینه (۲)	۵
۳	انصار در استقبال پیامبر ﷺ	۹
۴	پیامبر ﷺ و بنای جامعه نو	۱۵
۵	بنای مسجد نبوی ﷺ	۱۹
۶	پیمان مؤاخات (برادری)	۲۳
۷	پیمان مدینه	۲۷
۸	ویژگی های دولت مدینه	۳۱
۹	موضع گیری یهود در برابر دولت نوپای مدینه	۳۵
۱۰	مشروعیت جهاد	۳۹
۱۱	تشریع بعضی احکام	۴۳
۱۲	غزوة بدر	۴۷
۱۳	غزوة بدر	۵۱
۱۴	پی آمدهای غزوة بدر و توطئه ترور پیامبر ﷺ	۵۵
۱۵	مهمترین رویدادها در فاصله غزوة بدر و احد	۵۹
۱۶	غزوة أُحُد (۱)	۶۳
۱۷	غزوة أُحُد (۲)	۶۷
۱۸	غزوة أُحُد (۳)	۷۱

شماره	عنوان	صفحه
۱۹	غزوة اُحُد (۴)	۷۵
۲۰	نقش زنان مسلمان در غزوة احد	۷۹
۲۱	مهمترین رویدادها در فاصله غزوة احد و خندق (۱)	۸۳
۲۲	مهمترین رویدادها در فاصله غزوة احد و خندق (۲)	۸۷
۲۳	تلاش یهود بنی نضیر برای قتل پیامبر ﷺ:	۹۱
۲۴	غزوة ذات رقع	۹۵
۲۵	غزوة بنی مصطلق	۹۹
۲۶	غزوة احزاب (۱)	۱۰۳
۲۷	غزوة احزاب (۲)	۱۰۵
۲۸	یهود بنی قریظه و نقض عهد	۱۱۱
۲۹	مهمترین رویدادها در فاصله غزوه خندق و صلح حدیبیه	۱۱۵
۳۰	صلح حدیبیه (۱)	۱۱۹
۳۱	صلح حدیبیه (۲)	۱۲۳
۳۲	صلح حدیبیه (۳)	۱۲۷
۳۳	پیامبر ﷺ سران دول را به اسلام فرا می خواند	۱۳۱
۳۴	غزوة خیبر	۱۳۵
۳۵	عمره قضاء	۱۳۹
۳۶	سریه موته و ذات السلاسل	۱۴۱
۳۷	فتح مکه (۱)	۱۴۵

شماره	عنوان	صفحه
۳۸	فتح مکه (۲)	۱۴۷
۳۹	غزوه حنین و طائف	۱۵۱
۴۰	غزوة تبوك	۱۵۵
۴۱	نگرشی بر غزوه‌های پیامبر ﷺ	۱۵۹
۴۲	حجةالوداع	۱۶۳
۴۳	بیماری و رحلت پیامبر ﷺ	۱۶۵
۴۴	موقف صحابه در برابر رحلت پیامبر و انتخاب ابوبکر <small>رضی الله عنه</small>	۱۷۱
۴۵	خانواده پیامبر ﷺ	۱۷۳
۴۶	اوصاف و شمائل حضرت محمد ﷺ	۱۷۷

هجرت پیامبر ﷺ به مدینه منوره (۱)

۱ - ناکامی قریش و نجات پیامبر ﷺ

چنانکه در صنف هفتم دانستیم، کفار قریش بعد از اینکه نتوانستند با بکارگیری تهدید شکنجه و تعذیب و مقاطعه مسلمانان، جلو پیشرفت و انتشار دین مقدس اسلام را بگیرند یک اقدام ناجوانمردانه را طرح ریزی کردند که با اجرای آن می خواستند پیامبر اسلام را از بین ببرند؛ اما خداوند عزوجل اراده بر آن کرده بود که پیامبر خود را حفظ کند و حق را بر باطل غالب گرداند.

ناکامی پلان ترور آنحضرت ﷺ

همین که کفار قریش در جلوگیری از هجرت مسلمانان به مدینه ناکام شدند، متوجه عواقب وخیم این کار گردیده، منافع اقتصادی و جایگاه اجتماعی خویش را در میان قبائل عرب در خطر دیدند؛ بنابراین رهبران و بزرگان قریش در دار الندوه گرد آمدند تا برای یافتن طریقه مناسب از بین بردن رهبر دعوت اسلام، باهم مشورت نمایند. آنها بعد از تبادل نظر روی چند طریقه، در نهایت بالاتفاق تصمیم گرفتند که آنحضرت ﷺ را به قتل برسانند. پلان طوری طرح ریزی شده بود که گروهی از جوانان وابسته به همه قبائل قریش، یکجا اقدام به کشتن محمد ﷺ نمایند، تا خون وی در میان قبائل قریش پراکنده گردد و دراین صورت بنی هاشم نمی توانند با همه بجنگند و به اخذ دیت رضایت می دهند، و به این ترتیب موضوع خاتمه می یابد.

در این هنگام جبرئیل علیه السلام آمده و پیامبر ﷺ را از مکر شیطانی کفار آگاه ساخت جبرئیل علیه السلام به وی خبر داد که خداوند عزوجل اذن خروج از مکه را برایش داده است، زمان هجرت و نحوه دفع توطئه قریش را معین کرد و فرمود: "امشب در بستری که هر شب می خوابیدی، خواب". پیامبر ﷺ علی بن ابی طالب علیه السلام را امر کرد تا در بستر ایشان بخوابد و به وی اطمینان داد که از طرف دشمن ضرری به وی نخواهد رسید.

ترتیبات زیرکانه پیامبر ﷺ برای هجرت

عائشه - رضی الله عنها - روایت می کند: پیامبر ﷺ معمولاً صبح یا شام به خانه ابوبکر رضی الله عنه می آمد؛ اما روزی که اجازه هجرت یافت، در نیمه روز - ساعتی که معمول نبود - به خانه ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد. عائشه - رضی الله عنها - می گوید: وقتی رسول الله ﷺ آمد، در مجلس فقط من و خواهرم اسماء بودیم. رسول الله ﷺ به ابوبکر رضی الله عنه گفت: کسانی را که نزد تو

حاضر اند، بیرون بفرست! ابوبکر گفت: یا رسول الله، اینها دخترانم هستند؛ پدر و مادرم فدایت باد، چه شده است؟ پیامبر ﷺ گفت: به من اجازه خروج از مکه و هجرت به مدینه داده شده است. ابوبکر رضی الله عنه گفت: یا رسول الله آیا اجازه همراهی دارم؟ فرمود: بلی! عائشه - رضی الله عنها - می افزاید: سوگند به خداوند، من قبل از این هیچ کسی را ندیده بودم که از شادی گریه کند، اما ابوبکر را دیدم که از خوشی می گریست.

ابوبکر گفت: یا رسول الله، من این دو شتر را برای همین روز آماده ساخته ام. عبد الله بن اریقط را به خاطر رهنمایی کرایه کرد و آن دو شتر را به وی تسلیم داد که تا فرارسیدن وقت تعیین شده نزد او باشند.

همچنان ابوبکر رضی الله عنه و خانواده وی زاد سفر هجرت پیامبر ﷺ را تهیه نموده و اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها نطاق (پارچه که زنان در کمر خویش می بندند) خویش را قطع نموده و با آن دهن جوالی را که در آن غذا و زاد سفر قرار داشت بست. از همین رو اسماء رضی الله تعالی عنها به ذات النطاقین مشهور شد.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! قریش چرا بالاخره تصمیم گرفتند که پیامبر ﷺ را ترور نمایند؟ چرا برای اجرای ترور پیامبر ﷺ تعدادی از جوانان وابسته به قبائل مختلف را برگزیدند؟

محاصره خانه پیامبر ﷺ

بزرگان قریش در طول روز مخفیانه برای اجرای نقشه شوم خود، آمادگی گرفتند و یازده تن جوان نیرومند را از میان قبائل مختلف برگزیدند. در آن شب علی رضی الله عنه، به امر پیامبر ﷺ در بستر آنحضرت صلی الله علیه و آله خوابید. چون شب تاریک شد، کفار مخفیانه خانه پیامبر ﷺ را در محاصره خویش گرفته در انتظار فرارسیدن زمان اجرای توطئه نشستند. در همین زمان پیامبر ﷺ از خانه خود بیرون آمده و یک مشت خاک را گرفت و بر سر محاصره کنندگان بیفشاند و این آیت قرآنی را تلاوت نمود: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ [یس: ۹] که در اثر آن همه آنها به خواب رفتند و خود از میان آنها عبور کرد و به خانه ابوبکر رضی الله عنه رفت؛ سپس شب هنگام در مسیر یمن براه افتادند.

وقتی صبح شد، کفار دیدند که علی در بستر خوابیده است؛ از او در باره پیامبر ﷺ پرسیدند، فرمود: اطلاعی ندارم. کفار رد پای آنحضرت صلی الله علیه و آله را تعقیب کردند، تا به کوه

ثور رسیدند، در آنجا، رد پای آنها را گم کردند؛ بالاخره از کوه بالا رفتند و نزدیک غاری رسیدند، دیدند که در محل ورود غار جولا (عنکبوت) تار تنیده است، با همدیگر گفتند: اگر اینجا داخل می‌شد، عنکبوت در اینجا تاردوانی نمی‌کرد.

پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه امر کرده بود تا در مکه بماند و امانت‌هایی را که مردم نزد پیامبر ﷺ گذاشته بودند، به صاحبان آنها برگرداند.

کفار قریش با وجود عداوت شدید شان در برابر دین اسلام و شخص پیامبر ﷺ به صداقت و امانتداری رسول اکرم ﷺ اعتراف داشته و عملاً امانت‌های را که ترس ضایع شدن آنها می‌رفت در نزد ایشان می‌گذاشتند.

اگر این را از یک طرف دال بر صدق نبوت و عصمت پیامبر ﷺ است از جانب دیگر بیانگر تناقض شدید در موقف کفار قریش می‌باشد.

راستی و صداقت و امانتداری و برتری اخلاقی چیز است که حتی دشمن نیز چاره جز اعتراف و اذعان به آن ندارد.

هر مسلمان خصوصاً علماء و دعوتگران باید از برتری اخلاقی بر خوردار باشند در این امر مهم به سیرت و شخصیت پیامبر اکرم ﷺ اقتداء نمایند.

اظهار تأسف پیامبر ﷺ در فراق مکه

پیامبر ﷺ هنگامی که مکه را ترک می‌کرد، بر فراز تپه ایستاد و گفت: "ای مکه! سوگند به خدا، تو بهترین و محبوب‌ترین سرزمین‌ها به نزد خدا هستی، اگر مرا اهل تو اخراج نمی‌کردند، هرگز از تو بیرون نمی‌شدم."



فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! پیامبر ﷺ با چه تدبیری از چنگ کفار نجات یافت؟

آموختنی‌های درس

- - اقدام کفار قریش به ترور حضرت پیامبر ﷺ ناشی از عجز شان در برابر قوت منطق دین اسلام بود.
- - با وجودی که پیامبر ﷺ تأیید خداوند را داشت، به عالم اسباب و وسائل مادی نیز متوسل گردید.
- - تدبیر خداوند ﷻ بالاتر از همه تدبیرهاست، و وقتی خداوند ﷻ امری را اراده کند، مخالفت و ممانعت مخلوق مانع تحقق آن نمی‌گردد.
- - اعتراف قریش به صداقت و امانتداری پیامبر ﷺ دلیل به عصمت و صدق نبوت ایشان است.
- - پاک نفسی و صداقت و امانتداری و برتری اخلاقی سبب می‌شود تا کردار انسان دعوتگر حتی دشمنان دعوت را نیز تحت تأثیر قرار بدهد.
- - وطن دوستی یک غریزه فطری است، و حتی بهترین انسانها و در دشوارترین شرایط آنرا فراموش نمی‌کنند.
- - نقش مهم حضرت ابوبکر رضی الله عنه و خانواده ایشان در هجرت پیامبر ﷺ و اعتماد پیامبر بر ایشان در این لحظات بسیار سخت و دشوار.
- - سهمگیری زنان و دختران جوان در تهیه لوازم هجرت پیامبر ﷺ و مشارکت عایشه و اسماء رضی الله تعالی عنهما در این کار که بیانگر نقش مهم زن در دعوت و مبارزه اسلامی می‌باشد.



ارزیابی

- ۱ - مشرکین برای ترور حضرت محمد ﷺ چه پلانی طرح کرده بودند؟
- ۲ - وقتی کفار به غار ثور رسیدند، در دهن غار چه چیزی را مشاهده کردند که مانع داخل شدن آنها به داخل غار گردید؟
- ۳ - پیامبر ﷺ چرا علی رضی الله عنه را به هنگام هجرت با خود نبرد؟
- ۴ - چه کسی در سفر هجرت همراه پیامبر ﷺ بود؟
- ۵ - شخصیت یک دعوتگر و برتریهای اخلاقی او چه تأثیری در جامعه دارد؟



کارخانه‌گی

شاگردان چگونگی نجات پیامبر ﷺ از چنگ کفار را در کتابچه‌های خود بنویسند.

هجرت پیامبر ﷺ به مدینه (۲)

۲- پیامبر در غار ثور و عزیمت به سوی مدینه

در درس گذشته اطلاع حاصل کردیم که با وجود محاصره شدید خانه پیامبر از سوی مشرکین آنحضرت ﷺ با خواندن آیت قرآنی (یس: ۹) و افشاندن خاک بر سر مشرکین و به خواب رفتن آنها در اثر آن از خانه شبانگاه بیرون آمد و با حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در خارج از مکه وعده گذاشته و سپس با هم به کوه ثور، در جنوب شرقی مکه رسیدند و در غاری که بر فراز آن کوه قرار دارد، بسر بردند.

در غار ثور

رسول الله ﷺ و ابوبکر رضی الله عنه شب ۲۷ صفر سال ۱۴ بعثت مطابق ۱۲ و یا ۱۳ سپتامبر ۶۲۲ م به غار ثور رسیدند، و سه شب، یعنی شب‌های جمعه، شنبه و یکشنبه در آنجا ماندند. عبد الله بن ابوبکر - که نوجوان تیزهوشی بود - و هر مکر و تدبیری را که قریش علیه پیامبر ﷺ طرح می‌کردند، می‌شنید و به خاطر می‌سپرد و در آغاز شب خبر آن را به پیامبر ﷺ و همراهش یعنی حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه گزارش می‌داد و سحرگاه به شهر مکه می‌آمد و چنان می‌نمود که گویی تمام شب را در مکه و در میان قوم خود بوده است و عامر بن فهیره، غلام و چوپان ابوبکر رضی الله عنه، در این سه شب گوسفندان را بدانسو می‌برد، پیامبر ﷺ و ابوبکر رضی الله عنه به آرامی نزد او آمده و از شیر گوسفندانش می‌نوشیدند. وی همچنان بدنبال حرکت عبد الله بن ابوبکر به مکه، گوسفندان را می‌راند تا جای پای او را محو کنند.

در راه مدینه

همین که کفار موفق به قتل آنحضرت ﷺ نشدند، در کوهها، دره‌ها و هر مکان پست و بلندی به جستجو پرداختند و تا مدخل غار ثور رسیدند، ولی چون پیامبر ﷺ در پناه عنایت پروردگار قرار داشت، کفار در حالی که بیش از چند قدم با آنحضرت ﷺ فاصله نداشتند، دست خالی بر گشتند. وقتی که کفار قریش به مدخل رسیدند حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از ترس اینکه مبادا به پیامبر ﷺ از طرف کفار آسیبی برسد به گریه افتاد مگر پیامبر ﷺ وی را دلداری داده و چنانچه قرآن حکایت کرده و فرمودند: لا تحزن ان الله

معنا) سوره توبه آیت ۴۰، یعنی غمگین مباش خداوند ﷻ با ماست. چون کار جستجو برای دستگیری آنحضرت ﷺ متوقف شد و هیجان قریش پس از سه روز تعقیب جدی رو به آرامی نهاد، رسول خدا ﷺ و همسفرش ابوبکر رضی الله عنه برای عزیمت به مدینه آماده شدند.

عبد الله بن اریقظ لیشی را که بر آیین مشرکان بود اما راهنمای ماهر و کاملاً راه بلد بود، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از پیش اجیر کرده بود وی پس از خروج از غار، ابتداء ایشان را به سمت جنوب به سوی یمن راهنمایی کرد، و سپس به سمت غرب و به سوی ساحل دریای سرخ روی آورد تا به راهی رسید که برای مردم شناخته شده نبود و آنگاه از نزدیکی کرانه دریای سرخ (بحر احمر) به سوی شمال دور زد و راهی را در پیش گرفت که به ندرت کسی از آن راه به مدینه می رفت.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! از ترتیباتی که پیامبر ﷺ در کار هجرت برای غافلگیر کردن مشرکین اتخاذ کرد، چه برداشت می کنید؟

ظهور معجزه نبوت در اثنای سفر مدینه

پیامبر ﷺ و همراهانش روز دوم یا سوم به خیمه ام مَعْبَد خزاعی رسیدند که در ناحیه "قُدَید" (۱۳۰ کیلومتری مکه) واقع بود. ام مَعْبَد زنی پاکدامن و سخی بود، هر کسی که از کنار خیمه اش می گذشت، برایش خوراک و آب می داد. پیامبر ﷺ و همراهانش از او پرسیدند: چیزی برای خوردن داری؟ گفت: به خدا اگر چیزی می داشتم از شما دریغ نمی کردم، امسال خشکسالی است. رسول خدا ﷺ به گوسفندی که در کنار خیمه وی بود، نگرست و پرسید: این گوسفند را چرا اینجا نگهداشته ای؟ پاسخ داد: این گوسفند به خاطر ضعف و ناتوانی از رمه باز مانده است. رسول خدا ﷺ فرمود: آیا شیر دارد؟ گفت: نه؛ فرمود: اجازه می دهی آن را بدوشم؟ گفت: پدر و مادرم فدایت! اگر در آن شیری می بینی بدوش! پیامبر ﷺ - با نام خدا - پستان گوسفند را لمس کرده دعا نمود. در حال پستان گوسفند پر از شیر گردید. پیامبر ﷺ از وی ظرفی طلب کرد و در آن شیر گوسفند را دوشید، ظرف پر از شیر شد؛ از ام مَعْبَد خواست از آن شیر بنوشد، زن نوشید و سیر شد، همراهان پیامبر ﷺ نیز نوشیدند و سیر شدند و آنگاه خود پیامبر ﷺ نوشید. بار دیگر

پیامبر ﷺ گوسفند را دوشید چنانکه ظرف پر از شیر شد، و آن را نزد زن گذاشته و خود آنجا را ترک کردند.

چیزی نگذشته بود که شوهر زن، به خیمه بازگشت، چون شیر را دید تعجب کرده پرسید: این را از کجا آورده ای؟ ام معبد گفت: مرد مبارکی که چنین و چنان سخن و حالت داشت، از کنار خیمه ما گذشت و شیر را از آن گوسفند دوشید ابو معبد گفت: به خدا، گمان می کنم او همان یار قریش است که در جستجوی او هستند؛ این همان مرد قریش است که در باره او سخنها گفته اند، تصمیم داشتم همراه او باشم، و اگر بتوانم او را همراهی خواهم کرد.

سراقه بن مالک و جائزه دستگیری پیامبر ﷺ

قریش اعلان کرد: هر کسی محمد ﷺ را مرده و یا زنده بیاورد، صد شتر جائزه دارد. سراقه بن مالک برای حصول این جائزه سخت در تکاپو بود.

همین که سراقه اطلاع یافت چند نفر در ساحل دیده شده اند، نیزه خود را برداشته و سوار بر اسب، شتابان به سوی آنها حرکت کرد. وقتی نزدیک رسول الله ﷺ شد، اسپش به روی افتاد سراقه از پشت اسب به زمین خورد. سراقه دو بار با تیرهای خود فال گرفت و نتیجه دلخواه به دست نیاورد. بار دیگر اسب خود را راند تا اینکه به رسول الله ﷺ نزدیک شد، ناگاه پاهای اسپش تا به زانو در زمین فرو رفت و سراقه از پشت اسب به زمین افتاد؛ این بار فریاد زد و از رسول الله ﷺ امان خواست؛ رسول خدا ﷺ ایستاد. سراقه به رسول الله ﷺ گفت: قومت برای دستگیری تو جائزه تعیین کرده اند. وی را از قصدی که مردم نسبت به او دارند، آگاه ساخت؛ پیامبر ﷺ به سراقه توصیه کرد که از ایشان به قریش چیزی نگوید و در مخفی نگهداشتن آن برایش جایزه بزرگی وعده داد: دستبندهای خسرو ایران، که البته بعد از فتح ایران در زمان عمر بن خطاب رضی الله عنه آن را بدست آورد.

سراقه بازگشت و دید که مردم در جستجوی آنحضرت ﷺ برآمده اند؛ سراقه مردم را از جستجوی پیامبر ﷺ منصرف ساخت؛ به این ترتیب سراقه که در ابتدا برای دستگیری پیامبر ﷺ تلاش می کرد، در پایان روز به محافظ وی تبدیل شد.



پر شیر شدن پستان گوسفند ام معبد، و فرو رفتن پاهای اسب سراقه به چه چیز دلالت می کند؟

آموزشی‌های درس



- - پیامبر ﷺ از شروع هجرت تا رسیدن به مدینه، در پناه و حفاظت الله تعالی قرار داشت.
- - پیامبر ﷺ انسان با برکتی بود، معجزاتش در سفر هجرت فراوان و آشکار بود.
- - خداوند مقلب القلوب است، چگونه در مدت کوتاه دشمن لدود را به دوست صمیمی تبدیل می‌نماید؟
- - تدابیری که حضرت پیامبر ﷺ در اثنای هجرت گرفت دال بر آن است که یک رهبر باید در کنار توکل به خداوند جلّ و علا در امور دنیوی تدبیر سنجی نماید.
- - ثابت قدمی حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و جانفشانی برای حمایت پیامبر ﷺ و همراهی با ایشان در سفر هجرت به مقام والای این صحابی جلیل القدر دلالت می‌نماید.
- - تحقق وعده پیامبر ﷺ مبنی بر سپردن دست بند خسرو ایران پس از فتح ایران به دست مسلمانان در زمان خلافت حضرت عمر فاروق معجزه دیگری از معجزات پیامبر ﷺ و دلیل دیگری بر صدق نبوت آنحضرت ﷺ می‌باشد.

ارزیابی



- ۱ - پیامبر ﷺ چند شب در غار ثور مخفی بود؟
- ۲ - در منطقه قدید، چه حادثه‌ای روی داد؟
- ۳ - وقتی سراقه در تعقیب آنحضرت ﷺ بود، چه اتفاقی بر سر وی آمد؟
- ۴ - در سفر هجرت، پیامبر ﷺ را چند نفر همراهی می‌کردند؟



کارخانه‌گی

شاگردان معجزات نبوت آنحضرت ﷺ در جریان سفر هجرت را در کتابچه‌های خود یاد داشت نمایند.

انصار در استقبال پیامبر ﷺ

در درس گذشته خواندیم که پیامبر ﷺ بعد از سپری نمودن سه شب درغار ثور، شب سیم ماه صفر به صوب مدینه حرکت کرد و بعد از پیمودن تقریباً پنج صد کیلومتر راه صعب العبور، در هشتم ربیع الاول به منطقه قباء، یکی از حومه‌های شهر مدینه، رسیدند.

مردم در انتظار ناجی بشریت

در مدینه همین که مسلمانان خبر خروج رسول الله ﷺ از مکه را شنیدند، هر بامداد به منطقه حرّه رفته و در انتظار قدوم پیامبر ﷺ می‌نشستند تا اینکه گرمای چاشت آنان را از ادامه انتظار منصرف می‌ساخت. روزی، بعد از انتظار طولانی، که به خانه‌های خود برگشته بودند، ناگاه یک مرد یهودی از بالای برج قلعه خود، رسول الله ﷺ و یارانش را که لباسهای سفید به تن داشتند، دید که مانند سراب گاهی پیدا و گاهی پنهان می‌شدند؛ مرد یهودی فریاد کشید: ای عربها این است صاحب تان که شما انتظارش را دارید. مسلمانان از خانه‌ها بیرون شدند و رسول الله ﷺ را در آن سوی حرّه دیدند. مردم مدینه که برای استقبال پیامبر بزرگوار اسلام با بی صبری انتظار می‌کشیدند با دیدن حضرت پیامبر اکرم ﷺ از شادی در لباس نه گنجیدند و شادمانی می‌کردند اطفال مدینه ترانه مشهور «طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا * مِنْ نَبَاتِ الْوَدَاعِ» را به پیشواز ورود ناجی بزرگ بشریت به مدینه سروده و اظهار مسرت و خوشحالی می‌کردند.

پیامبر ﷺ بعد از ملاقات با استقبال کنندگان یکجا به منطقه بنی عمرو بن عوف فرود آمد. این روز دوشنبه، هشتم ماه ربیع الاول، سال چهاردهم بعثت، موافق با ۲۳ سپتامبر سال ۶۲۲ میلادی بود.

علی رضی الله عنه سه روز در مکه باقی ماند تا امانت‌های مردم را که نزد پیامبر ﷺ نهاده بودند، باز گرداند، سپس پای پیاده راهی مدینه شد و در قباء به پیامبر ﷺ پیوست. رسول خدا ﷺ چهار روز (دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه) در قباء مکث کرد

و اساس مسجد قباء را نهاد. این نخستین مسجدی بود که پس از بعثت پیامبر ﷺ بنیان گذاری شد.

در قباء همه انصار که تعداد شان به پنجصد نفر می رسید، به دیدن آنحضرت آمده بودند.



تصویر مسجد قباء

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! مشرکین چرا امانت‌های خود را به نزد پیامبر ﷺ می گذاشتند، در حالی که با وی دشمنی داشتند و حتی قصد قتل ایشان را نیز کردند؟

نخستین نماز جمعه

چون روز پنجم، یعنی روز جمعه فرا رسید، پیامبر ﷺ به امر خداوند ﷻ بر شتر خویش که قصواء نام داشت نشست و ابوبکر رضی الله عنه را در عقب خویش نشاند. و با معیت مردم بنی نجار به قصد (یثرب) حرکت کردند. هنگامی که به منطقه بنی سالم بن عوف رسید، وقت نماز جمعه فرا رسید، پیامبر ﷺ با صد نفر نماز جمعه را ادا کرد و پس از آن وارد یثرب شد که این شهر بعد از این تاریخ، نام مدینه الرسول، یعنی شهر پیامبر ﷺ را به خود گرفت.



پیامبر ﷺ در مدینه منوره:

روز ورود پیامبر ﷺ به مدینه، روزی ماندگار و درخشانی بود، صدای شکر و تسبیح حق تعالی از خانه‌ها و کوچه‌ها بلند بود، شادی و شغف بی سابقه‌ی سراسر شهر مدینه را فرا گرفته بود؛ مردم لباس نو در بر کرده بودند، ورود پیامبر به مدینه بی تردید روز عید بود. در این روز دختران انصار با نهایت شادی این ابیات را می‌خواندند:

طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا * مِنْ ثَنِيَّاتِ الْوُدَاعِ
وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا * مَا دَعَا لِلَّهِ دَاعِ
أَيُّهَا الْمَبْعُوثُ فِينَا * جِئْتَ بِالْأَمْرِ الْمُطَاعِ^(۱)

هر یک از انصار آرزو داشت که رسول الله ﷺ در خانه او فرود آید؛ آنحضرت ﷺ از مقابل هر خانه‌ی که می‌گذشت، مهار شترش را می‌گرفتند و می‌گفتند: بر ما مَنّت بگذار،

۱ - ترجمه: ماه تمام از گردنه وداع بر ما طلوع کرد * شکر و سپاس خدای تعالی بر ما واجب گردید، تا وقتی که دعوت کننده مردم را بسوی خداوند ﷻ دعوت کند. یعنی اینکه تا ابد بر ما شکر خداوند ﷻ لازم شد * ای آنکه در میان ما بر انگيخته شده‌ای، تو با خود امر واجب اطاعه آورده‌ای.

ما آماده خدمت هستیم؛ لیکن رسول الله ﷺ می فرمود: "راه شتر را باز بگذارید که او از سوی خدا ماموریت دارد". شتر همچنان رفت تا آنکه به محل کنونی مسجد نبوی رسید، و زانو خم کرد، اما رسول الله ﷺ فرود نیامد تا اینکه دو باره برخاست و به این سو و آن سو نگرست و سپس به جای نخستین بازگشت و زانو زد. در این هنگام پیامبر ﷺ از شتر فرود آمد. پیامبر ﷺ در خانه ابویوب اقامت گزین شد و شتر ایشان را اسعد بن زراره به خانه خود برد.

پس از چند روز، سوده بنت زمعه، همسر آنحضرت ﷺ با دو دخترش، یعنی فاطمه و ام کلثوم و نیز اسامه بن زید و ام ایمن به مدینه رسیدند؛ اما زینب، دختر دیگر پیامبر ﷺ امکان هجرت نیافت و با شوهرش، ابوالعاص در مکه باقی ماند تا آنکه بعد از جنگ بدر هجرت کرد.

عبد الله بن ابوبکر نیز خانواده ابوبکر رضی الله عنه، از جمله حضرت عائشه را با خود به مدینه آورد؛ و به این ترتیب هجرت پیامبر ﷺ و یارانش تکمیل شد.

هجرت پیامبر ﷺ یکی از حوادث مهم و سرنوشت ساز در تاریخ بشر است. با این کار عصر جدیدی در زنده گی انسانیت آغاز یافت و تحول بنیادی و عظیمی در جهان رخ داد. هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و تأسیس دولت و نظام اسلامی در مدینه روند انقلاب و تغیر همه جانبه را تسریع بخشید که با بعثت پیامبر ﷺ و نزول قرآن کریم آغاز شده بود. با هجرت پیامبر ﷺ و یاران او اساس و بنیاد تمدن بزرگی گذاشته شد که تاریخ بشریت را دگرگون ساخت.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! نماز جمعه در کدام سال و در کجا فرض گردید؟ و اولین مسجد در اسلام کدام است؟

آموزشی‌های درس

- هجرت پیامبر ﷺ یک سفر دشوار و طاقت فرسا بود، ولی آن را به خاطر رسیدن به هدف مقدس و اجرای تکلیف الهی تحمل کرد.
- انصار مردمان نهایت مخلص و صمیمی بودند، که خدمت پیامبر ﷺ و یاران مهاجرش را برای خود افتخار می‌دانستند.
- پیامبر ﷺ در هر حال خود را مکلف می‌دید تا امانت داری را مراعات نماید؛ لذا به علی رضی الله عنه دستور داد که در مکه بماند تا امانت‌های مردم را به صاحبان‌شان باز گرداند.
- بخاطر حفظ و پاسداری از رهبر لازم است که فداکاری صورت گیرد بویژه که او پیغمبر باشد؛ فداکاری علی رضی الله عنه بخاطر پیامبر ﷺ خود نمادی از این خود گذری در راه اهداف والا می‌باشد.
- با هجرت پیامبر ﷺ، آنحضرت صلی الله علیه و آله سنتی از سنت‌های انبیاء علیهم السلام را تکمیل نمودند، زیرا همه انبیاء علیهم السلام در راه خدا و بخاطر نشر دعوت و دین خداوندی هجرت کرده اند.
- هجرت پیامبر ﷺ و یاران ایشان نقطه عطفی در تاریخ بشریت بشمار می‌رود زیرا اساس امت و تمدن و نظام جدیدی گذاشته شد که زنده گی بشر را دگرگون و متغیر ساخت.
- وقایع هجرت ثابت می‌سازد که در کنار توکل به خداوند تنظیم امور و بکارگیری اسباب مادی و معنوی نیز در تحقق اهداف بسیار مهم است و مسلمان باید تمام توان و سعی را در جهت بکارگیری اسباب مادی بخرج داده و سپس نتایج را به خداوند متعال سپرده و به ذات بزرگ و کبریایی توکل نماید.
- در سفر هجرت معجزاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرزد (قصه تار دوانی عنکبوت در مدخل غار ثور، قصه سراقه بن مالک، قصه ام معبد خزاعی وغیره) ایمان به این معجزات که همه حسی اند دال بر صدق نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و ایمان به آن بر مسلمان لازم است.

- - توجه به نقش زن در دعوت اسلامی و جهاد و مبارزه به خاطر اسلام، چنانچه در واقعه هجرت نقش بارز صحابیاتی چون ام المؤمنین عائشه و اسماء بنت ابی بکر رضی الله تعالی عنهم بسیار واضح و روشن می باشد.
- زنان از ابتدای بعثت در مراحل مختلف نشر دعوت اسلامی در کنار پیامبر ﷺ ایستاده و ایشان را در نشر اسلام و حمایت از آن یاری کرده اند.
- - هجرت نقطه عطف و چرخش بزرگی در تاریخ بشریت است با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه منوره صفحه زرین و جدیدی در زنده گی بشریت باز شد و اساس امت و تمدن و نظام نوین برای سعادت بشر گذاشته شد
- - هجرت بخاطر حفاظت عقیده و ایمان و نشر دین سنت انبیاء علیهم السلام بوده و یکی از وجایب دینی مسلمانان است.



ارزیابی

- ۱ - چه کسی مسلمانان را از آمدن پیامبر ﷺ به مدینه آگاه ساخت؟
- ۲ - با ورود پیامبر ﷺ به مدینه، چه حالتی در آنجا رخ داد؟
- ۳ - پیامبر ﷺ چند روز در قباء مکث کرد، و در آنجا چه کار عمده یی انجام داد؟
- ۴ - هجرت پیامبر ﷺ از مکه تا مدینه چند روز را در بر گرفت؟



کارخانه گی

شاگردان راجع به استقبال گرم انصار از قدوم پیامبر ﷺ در کتابچه های خود یک مقاله بنویسند.

پیامبر ﷺ و بنای جامعه نو

با استقرار پیامبر ﷺ در مدینه، دوران جدیدی در تاریخ زندگی پربار رسول اکرم ﷺ و مسلمانان آغاز شد. این دوره را می توان به سه مرحله تقسیم بندی کرد:

۱ - مرحله تأسیس جامعه اسلامی، که با عقد صلح حدیبیه در سال ششم هجری پایان می یابد.

۲ - مرحله مصالحه با دشمن اصلی (قریش)، که این مرحله با فتح مکه پایان می پذیرد.

۳ - مرحله پذیرش نمایندگان و دخول گروهی مردم در دین اسلام، که این مرحله با رحلت پیامبر ﷺ در سال یازدهم هجری خاتمه می یابد.

بنیان گذاری جامعه اسلامی

در جامعه مدینه با وجودی که سر رشته امور در دست رسول الله ﷺ قرار داشت، اما این جامعه یکدست نبود، بلکه در آن سه دسته مردم زندگی داشتند؛ این گروه ها عبارت بودند از: صحابه رضی الله عنهم، مشرکانی که از اصل قبائل مدینه بودند و یهود.

الف - اصحاب: از جمله دشواری هایی که پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان در مدینه بدان مواجه شدند، تفاوت کامل شرائط زندگی و موقعیت آنان در مدینه با وضعیتی بود که در مکه داشتند. در مکه اگرچه مسلمانان از وحدت کلمه و یگانگی هدف برخوردار بودند، ولی پراکنده می زیستند، و مستضعف بودند، در نتیجه آن مسلمانان نمی توانستند جامعه دلخواه و مبتنی بر مبانی و اصول دینی و اعتقادی خویش را ایجاد نمایند. اما در مدینه از همان ابتداء، مسلمین صاحب اختیار بودند، دشمن بر آنان تسلط نداشت، یعنی زمان آن فرا رسیده بود که مسلمانان جامعه اسلامی تشکیل دهند که در تمامی ابعاد زنده گی نه تنها با جامعه جاهلی تفاوت داشت، بلکه بر هر جامعه یی که در طول تاریخ بشریت به میان آمده بود، ممتاز و برتر بود.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! جامعه مدینه با جامعه مکه چه تفاوت هایی داشت؟ ابراز نظر نمایید.

در جامعه نو بنیاد مدینه، دشواری‌ها و چالش‌های فراوانی وجود داشت که راه حل‌های سریع و حکیمانه می‌طلبید؛ مهمترین این مسائل، تشکل مسلمین از دو گروه اصلی زیر بود:

۱ - گروهی که در سرزمین و خانه و بالای املاک خود بسر می‌بردند، اینان همان گروه انصار بودند که از گذشته‌های دور قبل از اسلام میان شان خصومتی پایدار و کینه دیرینه وجود داشت.

۲ - گروه دیگر، کسانی بودند که همه چیز را از دست داده و فقط خود را به مدینه رسانده بودند. اینان همان گروه مهاجرین بودند که فاقد سرپناه، شغل و مال بودند. تعداد این پناهندگان روز به روز افزایش می‌یافت.

ب - مشرکین مدینه: دسته دوم، مشرکان قبائل مدینه بودند که بر مسلمین تسلط نداشتند و برخی از آنان در ترک دین نیاکان خود متردد بودند، اما عداوتی با مسلمین نداشتند. این دسته مدت زیادی نگذشت که اسلام آوردند.

در میان این گروه، کسانی بودند که در دل خود نسبت به رسول الله ﷺ و مسلمین کینه و عداوتی شدید داشتند، اما نمی‌توانستند عملاً دشمنی خود را اعلان و اعمال کنند، بلکه با توجه به شرائط، ناگزیر بودند به محبت و یکرنگی با مسلمانان تظاهر نمایند.

در پیشاپیش این دسته "عبد الله بن اُبی بن سلول" سردسته منافقین قرار داشت. این شخص از دسیسه و توطئه علیه پیامبر ﷺ و مسلمانان دریغ نمی‌کرد.

ج - یهود: دسته سوم یهودان بودند. یهودها توسط آشوریان عراق و رومی‌ها از مناطق خود رانده شده و به جانب حجاز روی آوردند و در چند منطقه استقرار یافتند؛ از جمله در یثرب (مدینه) که در آن سه قبیله مشهور یهودی زندگی می‌کردند:

- ۱ - بنی قینقاع، که همپیمان قبیله عربی خزرج بودند و در حومه مدینه می‌زیستند.
 - ۲ - بنی نضیر، که آنها نیز همپیمان قبیله "خزرج" بودند و در حومه مدینه زندگی می‌کردند.
 - ۳ - بنی قریظه، که همپیمان قبیله عربی "اوس" بودند و در حومه مدینه بسر می‌بردند.
- البته همین قبائل یهودی بودند که از گذشته‌های دور، آتش جنگ را در میان دو قبیله عربی اوس و خزرج می‌افروختند.

یهودان از زمانی که دریافتند پیامبر ﷺ در تلاش است تا در یثرب استقرار و استحکام یابد، نگران آشتی و اتحاد دو قبیله اوس و خزرج بودند، و همچنان از ممنوع قرار گرفتن

ربا (سود) که ستون فقرات معاملات اقتصادی یهودان را تشکیل می‌داد، تشویش داشتند؛ از این رو از هنگامی که پیامبر ﷺ وارد مدینه شد، دشمنی و کینه شدیدی را علیه اسلام و رسول خدا ﷺ به دل گرفتند، هرچند تا مدتی، جسارت اظهار آن را نیافتند. باید گفت: در میان یهودان، مردمانی هم بودند مانند عبد الله بن سلام رضی الله عنه که به مجرد ثبوت حقانیت نبوت محمد ﷺ، بی درنگ ایمان آوردند و در مقابل افتراءات و دروغ پردازی‌های قوم خود از اسلام و پیامبر ﷺ دفاع کردند.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! به نظر شما چرا یهود با پیامبر ﷺ بدینی و دشمنی داشتند؟ و اکنون موقف یهود در برابر اسلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از سوی دیگر، مدینه در محاصره کسانی قرار داشت که بر آیین قریش بودند. قریش هم به عنوان ساکنان حرم و مجاوران بیت الله، امتیاز رهبری دنیوی و زعامت دینی عرب را در دست داشتند، این موقعیت بلند از آنها دشمنان سرسخت و اصلی اسلام ساخته بود. رسول الله ﷺ به توفیق و تأیید خداوند جل جلاله، بر این همه مشکلات غالب شد، و ضمن اقدام به ترکیه نفس، تربیت مردم و تعلیم کتاب و حکمت، با هریک از این اقوام با مهربانی و حکمت، یا شدت که شایسته آنها بود، رفتار نمود، تا اینکه طی چند سال مسلمین قدرت یافتند و کارها برو فوق مراد پیش آمد.

آموختنی‌های درس

- رهبر باید واقعیت‌های جامعه خود را در نظر گرفته و برای حل مشکلات آن راه حل مناسب و حکیمانه بیابد.
- یهود از آوان ظهور دین مقدس اسلام، نسبت به دین اسلام، پیامبر ﷺ و مسلمین کینه دیرینه داشته‌اند، و همیشه در صدد توطئه علیه اسلام بوده‌اند.
- پیامبر ﷺ برای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی، در گام نخست مشکلات ذات البینی مسلمانان را حل و فصل نمود.



۱ - دوره مدنی اسلام، به چند مرحله تقسیم شده است؟ ابتدا و ختم هر دوره را بیان دارید.

۲ - جامعه مدینه از چند گروه قومی و دینی تشکیل یافته بود؟ هر کدام را بیان کنید.

۳ - یهود از چه زمانی در یثرب (مدینه) استقرار یافته بودند؟

۴ - آیا همه یهودان از ایمان آوردن به پیامبر ﷺ خود داری کردند؟



شاگردان اسمای طوایف یهود مدینه و هم پیمانان عرب ایشان را در کتابچه‌های خود بنویسند.

بنای مسجد نبوی ﷺ



پیش از این گفته شد که رسول اکرم ﷺ روز جمعه ۱۲ ربیع الاول سال اول هجری مطابق ۲۷ سپتامبر ۶۲۲م وارد مدینه منوره شد و در محله "بنی نجار" در زمینی مقابل خانه ابو ایوب انصاری رضی الله عنه فرود آمد و فرمود: "اگر خدا بخواهد اینجا منزل و جایگاه من است"؛ سپس موقتاً در خانه ابو ایوب رحل اقامت افکند.

نخستین اقدامات پیامبر ﷺ در مدینه

هجرت رسول الله ﷺ به مدینه، به معنای ایجاد نخستین دار اسلام و اعلام ظهور اولین دولت اسلامی به رهبری مؤسس آن، حضرت محمد ﷺ در روی زمین بود. نخستین اقداماتی که پیامبر ﷺ در مدینه برای تحکیم پایه‌های این دولت نو بنیاد برداشت، سه کار عمده بود:

۱ - بنای مسجد

۲ - عقد پیمان برادری بین عموم مسلمانان، خصوصاً بین مهاجرین و انصار.

۳ - نوشتن دستوری که نظام زندگی داخلی مسلمانان را تعیین نموده و روابط آنان با غیر مسلمین، به ویژه یهود را واضح می ساخت.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! پیامبر ﷺ بعد از ورود و استقرار در مدینه منوره، برای تحکیم پایه های دولت اسلامی، کدام اولویت ها را مد نظر گرفت؟

بنای مسجد نبوی

رسول اکرم ﷺ زمین مسجد را از دو پسر یتیم که مالک آن زمین بودند، به ده دینار خریداری کرد و خود نیز در ساختن مسجد سهیم شد و خشت و سنگ حمل می کرد، و این کار پیامبر ﷺ در نشاط و فعالیت صحابه در کار بنای مسجد می افزود.

وصف ساختمان مسجد نبوی

دیوارهای مسجد نبوی از خشت و گل، و سقف آن از شاخه های بی برگ خرما، و ستون های آن از تنه درخت خرما ساخته شد؛ کف مسجد از ریگ نرم و درشت پوشیده بود.

برای مسجد سه دروازه گذاشته شده و قبله آن به سوی بیت المقدس بود. طول مسجد از قبله تا انتها صد ذراع (حدود پنجاه متر) و عرض آن نیز به همین اندازه و یا اندکی کوتاهتر بود، و بنیاد آن تقریباً سه ذراع ارتفاع داشت.

در کنار مسجد، خانه های (حجره ها) برای همسران پیامبر ﷺ از سنگ و خشت ساخته شد که سقف آنها با شاخه و تنه درخت خرما پوشیده شده بود. آنحضرت ﷺ بعد از تکمیل کار حجره ها، از خانه ابو ایوب رضی الله عنه به آنجا نقل مکان فرمودند.

مسجد رسول الله ﷺ به همین شکل، تا زمان خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بدون تغییر باقی ماند، سپس در زمان خلافت عمر بن خطاب رضی الله عنه در آن زیادت به عمل آمد، و عثمان بن عفان رضی الله عنه مساحت آن را خیلی افزایش داد، و دیوارهایش را از سنگهای منقوش و گچ بنا کرد.

نقش و جایگاه مسجد در زمان پیامبر ﷺ

مسجد نبوی صرفاً محلی برای ادای نماز نبود، بلکه پوهنتونی بود که مسلمانان در آن تعلیم دین مقدس اسلام را فرامی گرفتند، مسجد پایگاهی بود برای اداره کارها و گسترش فعالیتها، و مجلسی بود برای جلسات مشورتی و اجرایی، و علاوه بر اینها سرپناهی بود برای شمار بسیاری از فقرای مهاجرین و پناه گزینانی که در این سرزمین خانه، مال و خانواده نداشتند.

مشروعیت آذان

در اوائل هجرت، آذان مشروعیت یافت؛ همان نغمه روح پرور و گلبانگ دل انگیزی که در آفاق طنین می اندازد و هر روز پنج بار اعلام می دارد که: "لا اله الا الله «محمد رسول الله» (هیچ معبود بر حق جز الله نیست و محمد فرستاده خداست)".

بانگی که در عالم وجود، بزرگی و کبریایی را به استثنای خداوند جل جلاله، از هر موجودی دیگر نفی می کند و هر آیینی را، جز دینی که بنده و پیامبر خدا محمد صلی الله علیه و آله آورده است، کنار می نهد. چگونگی آذان را یکی از صحابه کرام به نام "عبد الله بن زید بن عبد ربه" رضی الله عنه در خواب دید و رویای او با خوابی که عمر بن خطاب رضی الله عنه دیده بود، موافق آمد و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله نیز خواب آن دو صحابی بزرگوار را تأیید کرد.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله به بنای مسجد، و سهمگیری خود شان در کار اعمار آن به چه چیز دلالت دارد؟

آموختنی‌های درس

- بنای مسجد، نخستین و مهمترین کار در ایجاد جامعه اسلامی می‌باشد، که پیامبر ﷺ در اولین اقدام به آن مبادرت کرد.
- جواز خریداری محل بنای مسجد.
- یک زمامدار، به خاطر اینکه بتواند به پیروان خود بیشتر نشاط و فعالیت بخشد، باید در کارهای همگانی سهم برابر با دیگران داشته باشد.
- مسجد جای عبادت نشر علوم و دانش، تربیتگاه و مرکز اجتماعی است که از همان ابتدای هجرت پیامبر ﷺ به مدینه منوره در گسترش دعوت اسلامی نقش بسیار مهم دارد.
- باید مسلمانان جایگاه مسجد را دوباره احیاء نمایند.

ارزیابی

- ۱- پیامبر ﷺ بعد از استقرار در مدینه، در گام نخست به کدام کارها اقدام کرد؟
- ۲- محل بنای مسجد نبوی چگونه انتخاب شد؟ و این زمین ملکیت چه کسی بود؟
- ۳- در زمان حضرت رسول ﷺ در چه کارهایی از مسجد استفاده می‌شد؟
- ۴- الفاظ و کلمات اذان چگونه انتخاب شد؟
- ۵- مسجد در زنده گی فردی و اجتماعی مسلمانان چه اهمیت دارد؟

کارخانه گی

شاگردان راجع به اهمیت و کاربرد مسجد در عصر مبارک پیامبر اسلام ﷺ، و همچنان وصف ساختمان مسجد نبوی را در کتابچه‌های خود بنویسند.

پیمان مؤاخات (برادری)

چنانکه گفته شد، پیامبر ﷺ بعد از استقرار در مدینه منوره، سه کار اساسی را برای محکم ساختن پایه‌های دولت اسلامی انجام داد: بنای مسجد، عقد پیمان برادری میان مهاجرین و انصار و نوشتن دستور و قرارداد شهروندی میان ساکنان مدینه.

برادران دینی از یکدیگر میراث می‌برند

پیمان برادری میان عموم مسلمانان، از عالی‌ترین اموری است که تاریخ بشریت آن را ثبت کرده است. این نظام در ایجاد پیوند میان افراد امت اسلامی سهم مهم داشت که اساس آنرا برادری کامل تشکیل می‌داد و در موجودیت آن تمام تعصبات جاهلی ذوب گردیده بود.

رسول خدا ﷺ در خانه انس بن مالک رضی الله عنه میان نود تن از مسلمانان، که نیم آنها مهاجرین و نیم دیگر انصار بودند، پیمان برادری بست تا یکدیگر را یاری دهند و پس از مرگ از یکدیگر میراث برند. این حکم تا غزوۀ بدر (سال دوم هجرت) ادامه یافت، تا اینکه آیه شریفه: ﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ﴾ سوره انفال، آیه ۷۵ "خویشاوندان به یکدیگر سزاوارتر اند" نازل شد و حق میراث خویشاوندان تثبیت گردید و میراث بردن به سبب عقد اخوت منسوخ شد.

عقد پیمان اخوت به معنای آن بود که تعصبات جاهلی نابود شود و امتیازات ناشی از نسب، رنگ و وطن فرو ریزد و پیوند و همبستگی جز بر اساس دین اسلام نباشد. در نتیجه این پیمان اخوت، احساسات و عواطف فداکارانه، الفت و نیکوکاری مسلمانان با هم آمیخت و جامعه نوین اسلامی با والاترین و شگفت‌انگیزترین نمونه‌ها استحکام بیشتر یافت.

برادران دینی

از جمله کسانی که پیامبر ﷺ میان آنها پیمان برادری بست صحابه ذیل را می‌توان نام برد ابوبکر صدیق و خارجه بن زهیر، عمر بن خطاب و عتب بن مالک، ابوعبیده بن جراح و

سعد بن معاذ، عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ربیع، زبیر بن عوام و سلامه بن وقش، طلحه بن عبید الله و کعب بن مالک، سعید بن زید و ابی بن کعب، مصعب بن عمیر و ابویوب (خالد بن زید)، ابو حذیفه (عتبه بن ربیع) و عبّاد بن بشر بن وقش، عمّار بن یاسر و حذیفه بن یمان، ابوذر غفاری و منذر بن عمرو، حاطب بن ابی بلتعه و عویم بن ساعده، سلمان فارسی و ابودرداء، بلال حبشی و ابورویعه عبد الله بن عبد الرحمن - رضوان الله علیهم اجمعین. خود پیامبر ﷺ با حضرت علی رضی الله عنه دست برادری داد.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! پیامبر ﷺ چه ضرورتی احساس کرد که پیمان برادری را میان مهاجرین و انصار بست؟ و این پیمان برای دولت اسلامی مدینه چه نتایجی به بار آورد؟ درین مورد باهم مباحثه کنید.

نمونه عالی اخوت اسلامی

پیمان برادری، نمونه‌های عالی ایثار و فداکاری را در میان مسلمانان به نمایش گذاشت، طور مثال: سعد بن ربیع به عبد الرحمن بن عوف گفت: من غنی ترین شخص در میان انصار هستم، دارایی ام را دو تقسیم می‌کنم. دو همسر دارم، بنگر هر کدام آنها در نظرت پسندیده تر می‌آید، نام او را بگیر تا من طلاقش دهم، و تو او را به نکاح خویش در آور! عبد الرحمن پاسخ داد: خداوند در خانواده و مالت برکت اندازد، بازارتان کجاست؟ او را به بازار بنی قینقاع رهنمایی کردند؛ وقتی عبد الرحمن از بازار برگشت، مقداری قروت و روغن با خود داشت و فردا همچنان کرد تا زمانی رسید که چون به حضور رسول الله ﷺ آمد اثر زعفران - که نشانه ثروتمندی و رفاهیت بود - در روی وی دیده شد. پیامبر ﷺ از وی پرسید: چه حال داری؟ عبد الرحمن گفت: ازدواج کرده‌ام. رسول خدا ﷺ فرمود: چقدر مهر دادی؟ گفت: یک هسته طلا.

نمونه دیگر این ایثار و فداکاری را به روایت ابوهریره رضی الله عنه چنین می‌خوانیم: انصار به پیامبر ﷺ پیشنهاد کردند که نخلستان (باغ خرما) را میان ما و برادران مهاجر ما تقسیم کن! حضرت رسول ﷺ فرمود: این کار را نمی‌کنم؛ به مهاجرین گفتند: پس در نگهداری آن

با ما همکاری کنید تا شما را در میوه آن شریک سازیم. مهاجرین گفتند: درست است این کار را می‌کنیم.

این واقعه نمونه گویای محبت و صمیمیت فراوانی بود که انصار نسبت به برادران مهاجر خویش نشان می‌دادند، و مثالی بود از احساس فداکاری، ایثار، محبت، صفا و یک رنگی که در دل‌هایشان موج می‌زد؛ و از سوی دیگر قدر شناسی مهاجرین نسبت به این ایثارگری انصار را نشان می‌دهد، که از آن سوء استفاده نکرده و بجز به قدر ضرورت از مال انصار بهره نگرفتند.

بی تردید، پیمان برادری در میان مؤمنان - چنانکه پیش از این نیز گفته شد - پیمانی بی نظیر، سیاستی درست و حکیمانه و راه حلی سنجیده برای حل مشکلات مسلمانان در مدینه بود.

فعالیت (۲)



شاگردان عزیز! عبد الرحمن بن عوف چرا پیشنهاد سعد بن ربیع را نپذیرفت؟ و از این واقعه چه چیز فهمیده می‌شود؟

آموختنی‌های درس



• هیچ دولتی نمی‌تواند به پای خود بایستد، مگر بر اساس وحدت و همبستگی مردم آن؛ وحدت و همبستگی یک ملت نمی‌تواند بدون عامل برادری و دوستی متقابل صورت گیرد.

• پیوند برادری از مهمترین کارهایی است که وحدت جامعه اسلامی را تقویه و تحکیم می‌بخشد.

• عقد برادری بین مسلمانان یک شعار میان تهی نبود که در الفاظ خلاصه شود، بلکه حقیقت عملی بود که با واقعیت زندگی و روابط میان انصار و مهاجرین پیوند داشت، که نمونه آن پیشنهاد سعد بن ربیع به عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنهما می‌باشد.

• از نظر اسلام عقیده و ایمان اساس وحدت مسلمانان بوده و اخوت و برادری دینی مبنای ارتباط بین افراد جامعه اسلامی را می‌سازد.

اختلاف زبان، رنگ، قوم، نژاد، موقف اجتماعی، ثروت و غیره در میزان اسلام هیچ ارزش نداشته و هر نوع تعصب بر اساس آنها حرام می باشد.



- ۱- حکم میراث میان برادران دینی، با نزول کدام آیت منسوخ گردید؟
- ۲- شش نفر از اصحاب کرام را نام ببرید که پیامبر ﷺ میان آنها پیمان برادری بست
- ۳- حکمت پیامبر ﷺ از عقد پیمان مؤاخات (برادری) چه بود؟
- ۴- وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی بر کدام اساس استوار است و موقف مسلمانان در برابر تعصبات قومی، نژادی، زبانی و سمتی چگونه باید باشد؟



شاگردان، راجع به حکمت و فلسفه عقد پیمان برادری میان مهاجرین و انصار و نتایج عملی آن در کتابچه های خود یک صفحه بنویسند.

پیمان مدینه

پیامبر ﷺ بعد از بنای مسجد و بستن پیمان برادری میان مسلمانان، برای تحکیم دولت و تأمین جامعه نو بنیاد مدینه، سومین گام را برداشت، و آن عقد دو پیمان جداگانه با ساکنان مدینه به هدف توضیح التزامات اطراف مختلف در داخل مدینه و تعیین حقوق و واجبات هریک بود، که در اصطلاح امروز "قانون اساسی" نامیده می شود.

پیمان مدینه

پیامبر ﷺ علاوه بر بستن پیمان اخوت میان عموم مسلمانان، معاهده دیگری را نیز منعقد ساخت که به وسیله آن کینه توزیهای موروثی دوران جاهلیت را از میان برداشت و توانست وحدت اسلامی فراگیر را ایجاد نماید.

مهمترین مواد این معاهده چنین بود:

- ۱- مسلمانان امت واحد، و مستقل از غیر مسلمین به شمار می روند.
- ۲- هیچ مؤمن، مؤمنی را به عوض کافری نمی کشد، و هیچ کافری را در برابر مؤمنی یاری نمی رساند.
- ۳- یهودانی که با ما (مسلمانان) هستند، یاری و کمک شان بر ما لازم است، نه بر آنان ستمی می شود و نه بر ضد ایشان با کسی همکاری صورت می گیرد.
- ۴- صلح مسلمین یکی است، هیچ مسلمانی در جهاد فی سبیل الله، نمی تواند بدون نظر مسلمان دیگر صلح نماید، مگر بر اساس برابری و عدالت.
- ۵- برای مؤمن جائز نیست که شخص بدعت گذار و گناهکاری را یاری رساند و پناه دهد.
- ۶- در هر چه اختلاف کنید، مرجع حل و فصل آن به خدا و به محمد رسول الله ﷺ بر می گردد.

شاگردان در مورد هدف پیامبر ﷺ از بستن پیمان مدینه باهم مباحثه نمایند.

پیامبر ﷺ با اتخاذ این شیوه حکیمانه و دوراندیشی، پایه‌های جامعه نوین را استوار ساخت، هم صحبتی با پیامبر ﷺ مدرسه‌ای بود که صحابه کرام دائم در آن می‌آموختند، تربیه و تزکیه می‌شدند. تعلیم و احادیث آنحضرت ﷺ مملو از سفارش‌هایی است که مؤمنان را به همبستگی، دوستی، از خود گذری و تعاون توصیه می‌نماید؛ از جمله به این حدیث مبارک توجه کنید، که می‌فرماید: "ای بندگان خدا! با یکدیگر کینه توزی نکنید، حسد نورزید، به همدیگر پشت نکنید و باهم برادر باشید، روا نیست که مسلمان بیش از سه روز برادر مسلمانش را ترک کند".

رسول اکرم ﷺ با چنین روش حکیمانه، و با گفتار و کردار عاقبت اندیشه خود توانست جامعه نوینی را در مدینه به وجود آورد که والاترین جامعه در تاریخ انسانی شمرده می‌شود.

پیمان با یهود

پس از آنکه رسول خدا ﷺ با ایجاد وحدت همه جانبه میان مسلمین، بنیانهای جامعه نوین و امت نوپای اسلامی را تحکیم بخشید، در صدد آن شد تا روابط خویش را با غیر مسلمین تنظیم کند؛ بنابر آن به هدف تأمین امنیت و استقرار صلح در جامعه و تحقق سعادت همه بشریت، سعی کرد تا مردم را بر محوری واحد و قابل قبول همگان گرد آورد.

چنانکه قبلاً گفته شد، نزدیک ترین همسایگان غیر مسلمان مدینه، یهودان بودند، آنان اگرچه در خفا با مسلمانان دشمنی داشتند، ولی تا آن وقت هیچگونه مقاومت و یا خصومتی در مقابل مسلمانان نشان نمی‌دادند؛ برای تحقق اهداف فوق، پیامبر ﷺ وثیقه‌ای را با یهودان مدینه امضاء کرد که مهمترین مواد آن قرار زیر بود:

۱ - یهودیان بنی عوف، با مسلمین امت واحدی را تشکیل می‌دهند؛ یهودیان بر آیین خود و مؤمنین بر دین خویش اند؛ این حکم در مورد یهودیان غیر بنی عوف نیز قابل اجراست.

۲- میان این دو گروه خیر اندیشی، خیرخواهی و نیکوکاری حکم فرماست، نه گناه و نافرمانی.

۳- هر دو گروه باید به مظلوم یاری رسانند.

۴- برای پذیرندگان این عهد نامه، داخل یثرب (مدینه)، منطقه حرام به شمار می رود، و نزاع در آن ممنوع است.

۵- هرگاه میان پذیرندگان این پیمان، حادثه یی رخ دهد و یا نزاعی صورت گیرد که احتمال بروز فساد و فتنه یی از آن رود، مرجع حل اختلاف خداوند ﷻ و محمد رسول خداست.

۶- هر دو گروه نباید فردی از قریش و متحدین آن را پناه دهند.

۷- هنگام یورش دشمن به یثرب، هر دو گروه باید با هم همکاری نمایند و هر یک وظیفه دارد به دفاع از بخش خود پردازد و آن را حفظ نماید.

۸- این پیمان مانع مجازات فرد ستمکار و گنهکار نخواهد بود.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! پیمان با یهودیان روی کدام محورهای اساسی می چرخید؟ نام بگیرید.

آموختنی های درس

• تعیین مفهوم امت (ملت): مطابق وثیقه، مسلمانان اعم از مهاجرین و انصار و پیروان آنها، امت واحد شمرده می شوند این در تاریخ سیاسی جزیره العرب یک پدیده جدید بود.

• وثیقه مدینه، یهود را بخشی از شهروندان دولت اسلامی، و یکی از عناصر آن می شمارد. به این ترتیب اسلام اهل کتاب (یهود و نصاری) را که در قلمرو دولت اسلامی زندگی می کنند، شهروندان آن دولت می شمارد که با مسلمانان یک ملت را تشکیل می دهند.

• در موارد اختلافی، مرجع حل و فصل آن وسلطه حاکم، قرآن کریم و سنت رسول ﷺ است.

- تعیین حدود قلمرو دولت اسلامی، یعنی یثرب (مدینه منوره).
- تأمین آزادی عقیده و عبادت، حق امنیت شهروندان و حقوق بشر، از محورها و مفاد این وثیقه است، که برای یهود آزادی عقیده و عبادت را تضمین می کند؛ همچنانکه تحقق عدالت و مساوات از محورهای اساسی آن می باشد.



- ۱ - پیامبر ﷺ با کدام قبیله یهود پیمان بست؟
- ۲ - شهروندان مدینه را کدام گروه ها تشکیل می دادند؟
- ۳ - آیا در دولت اسلامی، غیر مسلمانان می توانند آزادانه مراسم عبادت خود را انجام دهند؟
- ۴ - کدام مواد این قرارداد به آزادی عقیده و عبادت دلالت می نماید؟



محورهای اساسی پیمان با یهودیان را از عهدنامه بیرون آورده و در کتابچه های خود بنویسید.

ویژگی‌های دولت مدینه

با استقرار پیامبر ﷺ در مدینه، سه رکن دولت (سرزمین، ملت و حاکمیت) تکمیل شد و برای تحکیم پایه‌های آن و تأمین صلح و امنیت و ایجاد زندگی مسالمت آمیز میان ساکنان مدینه، گام‌های عمده‌ی برداشته شد، از جمله امضای وثیقه‌ی شهنشاهی که شامل محورهای زیر بود:

۱ - تعیین مفهوم ملت

وثیقه مدینه، متضمن یک سلسله مبادی و قواعد عمومی بود که فعلاً در قوانین اساسی دولت‌های عصر حاضر گنجانیده می‌شود. در صدر این مبادی تعیین مفهوم امت (ملت) قرار داشت که بر آن مسلمانان اعم از مهاجرین و انصار و پیروان آنها، امت واحد شمرده می‌شوند، که این کار در تاریخ سیاسی جزیره‌ی العرب یک پدیده‌ی جدید بود؛ زیرا پیامبر ﷺ با این ابتکار مهم، قوم خود را از دایره‌ی تنگ وابستگی و تعصب به قبیله رها کرده به سوی ملت‌سازی رهنمائی کرد و آنان را در زیر لوای توحید و دولت اسلامی گرد آورد.

پروژه ملت‌سازی مدینه

در جریان ملت‌سازی که رسول الله ﷺ در مدینه آغاز کرد، نخست دو قبیله‌ی اوس و خزرج شامل گروه انصار شدند، سپس مهاجرین و انصار شامل جماعت مسلمانان گردیدند این دو گروه امت واحدی را تشکیل دادند که توسط عقیده باهم پیوند داشتند، نه بر اساس خون و تبار.

وثیقه مدینه، در کنار جماعت مسلمین (مهاجرین و انصار) یهودیان را نیز بخشی از شهروندان دولت اسلامی و یکی از عناصر آن می‌داند.

به این ترتیب می‌بینیم که دین اسلام آن‌عه اهل کتاب را که در قلمرو دولت اسلامی زندگی می‌نمایند، با مسلمانان ملت واحد می‌خواند، مشروط بر اینکه آنان به تعهدات و مسئولیتهای خود پابند باشند.

۲- قرآن کریم و سنت رسول اکرم، دو مرجع حل و فصل منازعات

این ماده وثیقه مدینه که می گوید: "اگر در چیزی اختلاف کردید، مرجع حل و فصل آن خدا و پیامبر است"، تأکید بر حکومت دین اسلام است که در مدینه وجود داشت. اینکه وثیقه در موارد اختلافی، حل و فصل آن را به خدا و رسول وامی گذارد، به خاطر آن است تا از بروز بی نظمی و اضطرابات در جامعه که به سبب آن تعدد حاکمیت به وجود می آید، جلوگیری شود. در این ماده به ریاست آنحضرت ﷺ بر دولت مدینه مورد تأکید قرار گرفته، زیرا ایشان در رأس دولت قرار داشتند و سعی می کردند تا احکام خداوند ﷻ را به وسیله دولت تطبیق نمایند.

در وثیقه مدینه، به موجودیت و مرجعیت قضای اسلامی اعتراف شده، که همه ساکنان مدینه به شمول یهود باید به آن مراجعه نمایند، مگر یهودان ملزم نشده اند تا در همه قضایا، به محکمه اسلامی رجوع نمایند، بلکه فقط در مواردی ملزم شده اند که یک طرف دعوا مسلمان باشد.

به این ترتیب رسول الله ﷺ در رأس دولت مدینه قرار گرفت، که در عین حال قوه قضائیه، قوه قانونگذاری و قوه اجرائیه نیز در دست آنحضرت ﷺ - به حیث پیامبر مکلف به تبلیغ دین و مفسر کلام الله - قرار داشت.

فعالیت (۱)

تشکیل یک دولت اسلامی به چه چیزهایی ضرورت دارد؟ شاگردان درین مورد باهم مباحثه نمایند.

۳- قلمرو دولت اسلامی

نخستین اقلیم و قلمرو دولت اسلامی و نقطه آغاز آن، مدینه (یثرب) بود. پیامبر ﷺ به یاران خود وظیفه داد تا در تمام مرزهای مدینه علامت‌های مرزی نصب کنند. حدود دولت مدینه با پیشرفت و گسترش فتوحات اسلامی و دخول مردمان ممالک مفتوحه در دین مقدس اسلام، توسعه و گسترش بیشتر یافت رفته رفته قلمرو اسلام در غرب تا اقیانوس اطلس و مناطق وسیعی در غرب و جنوب اروپا، و در شرق و جنوب آسیا تا چین گسترش پیدا کرد.

۴- مصونیت آزادی‌ها و حقوق بشر

در وثیقه مدینه، اصول و مبادی گنج‌انیده شد که عدالت مطلق و مساوات کلی را در میان انسانها به اجرا در می‌آورد، و انسانها با وجود اختلاف در رنگ، زبان و دین از حقوق و آزادی‌ها برخوردار می‌باشند.

وثیقه مدینه همچنان به صراحت اعلام می‌دارد که حق آزادی محفوظ است، مانند حق آزادی عقیده و آزادی عبادت و حق امنیت ... پس همانگونه که وثیقه مدینه آزادی را برای مسلمانان تضمین نموده، برای یهودیان ساکن در قلمرو دولت اسلامی نیز تعهد کرده است.

همچنان دین مقدس اسلام، اقامه عدل در میان مردم را - بدون توجه به زبان، وطن و حالت اجتماعی آنها - بر زمامداران مسلمان واجب گردانیده است.

در وثیقه، اصل مساوات به صراحت ذکر گردیده است؛ پس مساوات یکی از اصول عمومی به حساب می‌آید که دین مبین اسلام آن را مورد تأیید قرار داده است، و مبدأ مساوات از اصولی شمرده می‌شود که در بنای جامعه اسلامی سهم قابل توجه دارد.

فعالیت (۲)



شاگردان عزیز، در باره حقوق بشر و حق آزادی در اسلام چه می‌دانند؟ نظر خواهی شود.

آموختنی‌های درس



- دعوت اصلاحی و تطبیق شریعت، به داشتن سرزمین و قلمرو مستقل ضرورت دارد.
- وضع و تطبیق قوانین برای حل و فصل منازعات و تأمین عدالت و مساوات در یک جامعه، امر ضروری می‌باشد.
- اختلاف دین، زبان، نژاد ... مانع شهروندی یک شخص در یک دولت اسلامی نمی‌شود.
- دین اسلام قبل از همه ادیان و مکاتب دیگر به حقوق بشر و تأمین آزادی‌های فردی توجه کرده است.
- وجود نظام و حکومت جزء برنامه‌های اسلام برای یک زنده گی سعادت‌مند برای بشر می‌باشد.



- ۱ - یک دولت چند رکن دارد؟ آیا همه ارکان آن در دولت مدینه وجود داشت؟ نام بگیرید.
- ۲ - پیامبر ﷺ در دولت مدینه چه مقامی داشت؟
- ۳ - پیامبر ﷺ در مدینه پروسه ملت سازی را چگونه آغاز کرد؟
- ۴ - آیا غیر مسلمانان می توانند شهروند یک دولت اسلامی باشند؟
- ۵ - وجود نظام و حکومت جزء برنامه های اسلام برای یک زنده گی سعادت مند برای بشر می باشد.



شاگردان راجع به حقوق بشر در اسلام در کتابچه های خود مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

موضع گیری یهود در برابر دولت نوپای مدینه

چنانکه گفته شد، پیامبر ﷺ به منظور ایجاد زندگی مسالمت آمیز، تعیین حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و تأمین آزادی عقیده و عبادت، با یهود مدینه پیمان بست، و یهودیان در ابتدا در برابر اسلام کدام مقاومت و یا خصومتی آشکار نداشتند، ولی با مرور زمان وضع تغییر کرد.

موقف یهود در مدینه

نزد یهودیان دلائل قاطع و براهین واضحی دال بر نبوت حضرت محمد ﷺ وجود داشت، با آنهم عناد، دشمنی، خود بزرگ بینی، کینه و حسد ایشان نسبت به پیامبر ﷺ و مسلمانان روز به روز بیشتر می‌شد. از ابتدای ورود پیامبر ﷺ به مدینه - که یهود با هجرت پیامبر ﷺ غافلگیر شده بودند - در خفاء کینه و دشمنی وجود داشت، یهودیان حملات تبلیغاتی وسیعی را علیه پیامبر ﷺ و مسلمین و دین مقدس اسلام براه انداختند؛ زیرا یهود به خوبی از خطر این دین توحیدی بر منافع و عقاید انحرافی خود - که دیگر اقوام و مردم را تحقیر می‌کردند - آگاه بودند؛ از این رو قرارداد و وثیقه مدینه را زیر پا کردند و به تشکیک در نبوت محمد ﷺ آغاز نمودند و برای در حرج قرار دادن آنحضرت ﷺ، سوالات زیادی طرح می‌کردند و به فریب مسلمانان می‌پرداختند.

اقدامات خصمانه یهود علیه پیامبر ﷺ و مسلمین ۱ - سعی برای فروپاشی جبهه داخلی اسلام

از شیوه‌هایی که یهود در جنگ علیه دین اسلام و برای پارچه کردن صف اسلامی براه انداختند، بر انگیزختن فتنه‌های داخلی، و سر دادن شعارهای جاهلی و تعصبات قومی و قبیله‌ای در میان انصار بود که از برکت اسلام با هم محبت و برادری داشته و گلیم تعصبات ناجائز را جمع کرده بودند.

به عنوان مثال روزی یکی از بزرگان یهود، مردمانی از دو قبیله اوس و خزرج را دید که با هم نشسته و صحبت می‌نمایند. یهودان که سالیان متمادی از اختلاف این دو قبیله به نفع

خود بهره می بردند، با دیدن چنین صحنه ها به خشم آمدند؛ زیرا قبیله های اوس و خزرج در گذشته باهم دشمنی شدید داشتند، مگر اسلام آنها را الفت بخشیده بود از این رو آن مرد، یک جوان یهودی را دستور داد تا در میان آنها برود و از جنگ "بعث" که قبل از اسلام میان قبیله اوس و خزرج روی داده و چهل سال دوام کرده بود، یاد آوری کند. جوان یهودی به دستور عمل کرد، و در نتیجه میان افراد اوس و خزرج بگو مگو شروع شد و هر کدام از افتخارات خود در جنگهای مذکور یاد آوری کردند، تا اینکه افراد آن دو قبیله با هم درگیر شدند، و قرار شد به سلاح دست ببرند. رسول الله ﷺ از موضوع آگاهی یافت؛ بلا فاصله با یک تعداد مهاجرین نزد آنان تشریف فرما شد و فرمود: "ای مسلمانان! از خدا بترسید، از خدا بترسید! آیا تعصبات جاهلی را براه می اندازید - در حالی که من در میان شما قرار دارم - بعد از اینکه خداوند ﷻ شما را به دین اسلام هدایت کرد و به شما کرامت بخشید، و به واسطه اسلام شما را از جاهلیت دور ساخت، و از کفر رهایی بخشید و دلهایتان را با هم الفت داد!"

اینجا بود که افراد هر دو قبیله متوجه وسوسه شیطان و فریب دشمن گردیده، به گریه افتادند و یکدیگر را در آغوش کشیدند، سپس به حضور رسول خدا رفتند، و خداوند ﷻ آیاتی را در مذمت دسیسه سازان نازل کرد و به مسلمانان از پیروی یهودان توطئه گر هشدار داد.

فعالیت (۱)

یهودیان چرا در ابتدا با پیامبر ﷺ خصومت نداشتند، ولی بعدا دشمنی آشکار پیش گرفتند؟

۲ - گستاخی در برابر پیامبر ﷺ

یهودیان با رسول الله ﷺ در حضورشان و در جریان سخنرانی آنحضرت ﷺ گستاخی می کردند، و با اشاره چشم و ابرو به ایشان اذیت رسانیده و با به کار بردن کلمات مرموز، کینه و دشمنی خود را آشکار می ساختند.

۳- اسلام آوردن بعضی از یهودان

عبد الله بن سلام یکی از بزرگان و دانشمندان یهود بود، وی هنگامی که از آمدن رسول الله ﷺ به مدینه اطلاع یافت، به حضور ایشان آمد و گفت: من از تو سه سوال دارم که پاسخ آنها را بجز پیامبر نمی داند؛ پیامبر ﷺ بعد از اینکه به همه سوالات عبد الله بن سلام پاسخ داد، عبد الله بن سلام گفت: " گواهی می دهم که تو پیامبر خدا هستی ". سپس گفت: ای پیامبر خدا، یهود قومی تهمتگر هستند، اگر از ایشان پرسی و از اسلام من خبر شوند، بهتان می بندند. یهودیان نزد پیامبر ﷺ آمدند و عبد الله بن سلام داخل خانه همجوار شد؛ رسول الله ﷺ از یهودیان پرسید: عبد الله بن سلام در میان شما چگونه شخصی است؟ گفتند: داناترین ماست و پسر داناترین ما، بهترین ماست و پسر بهترین ما؛ رسول الله ﷺ فرمود: اگر عبد الله اسلام بیاورد، چه می گوئید؟ گفتند: خداوند او را از این کار نگاه دارد؛ عبد الله بن سلام رحمه الله عنه بیرون آمد و گفت: " أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا رسول الله " یهودان گفتند: بدترین ما و پسر بدترین ماست، پس از آن بر وی حمله کردند.

۴- موضع گیری یهود در مورد تحویل قبله

حادثه تحویل قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام (کعبه مشرفه)، پایان جنگ کلامی یهود با مسلمانان و آغاز درگیری از جانب یهودیان به هدف بی ثبات سازی دولت اسلامی شمرده می شود. وقتی پیامبر ﷺ به مدینه تشریف آورد شانزده یا هفده ماه به طرف بیت المقدس نماز می گزارد، با آنها رسول الله ﷺ بسیار اشتیاق داشت که به سوی کعبه مشرفه، قبله ابراهیم علیه السلام، نماز بگزارد. یهودیان از اینکه پیامبر ﷺ به سوی بیت المقدس نماز می گزارد، خیلی خوش بودند. اما بعد از اینکه رسول الله ﷺ در نماز عصر مأمور شد که به سوی کعبه نماز بگزارد، یهودان ناخشنود شده، و علیه مسلمانان تبلیغات سوء براه انداختند که در رد باور آنها و تأیید موقف پیامبر ﷺ آیاتی در سوره بقره نازل شد.

فعالیت (۲)

شاگردان به رهنمایی استاد محترم مضمون در مورد اهمیت جایگاه بیت المقدس با هم مباحثه نمایند ؟

آموختنی‌های درس

- - دشمنی یهود با اسلام و مسلمین در تاریخ ریشه دارد.
- - اطاعت امر خداوند عبادت است، و مسلمانان در مورد قبله تابع امر خداوند ﷻ می‌باشند.
- - در میان یهود کسانی بودند که با آشکار شدن حق، رغبت قوم خود را نادیده گرفته ایمان آوردند.
- - تحویل قبله یک امتحان الهی بود که رسول اکرم ﷺ و مسلمانان در آن کامیاب شدند.
- - بیت المقدس بحیث اولین قبله در نزد امت اسلامی از اهمیت و جایگاه شامخی بر خوردار بوده و وظیفه هر مسلمان است تا برای حراست و دفاع از آن آماده باشد.

ارزیابی

- ۱ - عبد الله بن سلام رضی الله عنه چه کسی بود؟
- ۲ - پیامبر ﷺ چند ماه به طرف بیت المقدس نماز می‌گزارد؟
- ۳ - در برابر تحویل قبله از بیت المقدس به کعبه مسلمانان و یهود چه موقفی داشتند؟
- ۴ - کدام موضوع باعث جنگال میان دو قبیله اوس و خزرج شد، و قضیه چگونه مهار گردید؟

کارخانه‌گی

راجع به موقف یهود در برابر اسلام مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

مشروعیت جهاد

بعد از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه - که اکثریت ساکنان آن مسلمان بودند - دولت اسلامی تشکیل شد. این دولت با وجود عقد پیمان‌های همزیستی و همکاری با غیر مسلمین، با تهدیدات و چالش‌هایی از جانب مشرکین قریش، مشرکین و یهود ساکن مدینه مواجه بود، که دولت اسلامی را ناگزیر می‌ساخت تا برای دفع آن آمادگی‌های لازم داشته باشد.

جهاد چه وقت مشروعیت یافت؟

جهاد در اوائل سال دوم هجری، با نزول آیه شریفه ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ سورة حج ۳۹ "به کسانی که با ایشان جنگ می‌شود، به خطری که ستم دیده‌اند، اجازه جهاد داده شد، و خداوند بر یاری دادن آنان تواناست" مشروعیت یافت و با نزول این آیه، تحرکات نظامی مسلمانان عملاً آغاز شد.

مسلمانان در سال اول مصروف تنظیم اوضاع خود، چون بنای مسجد و عقد پیمان برادری در میان خویش و تنظیم روابط با غیر مسلمانان ساکن مدینه بودند.

قریش، با وجود آنکه پیامبر ﷺ مکه را ترک گفته و به مدینه آمده بود، انصار رسول الله ﷺ در مدینه را تهدید نموده و با آنها علم جنگ بلند کردند، و علیه دولت مدینه حالت جنگی اعلان نمودند؛ بنابراین پیامبر ﷺ به غرض ابراز آمادگی و ترساندن قریش و سائر دشمنان، یک تعداد سریه‌ها را به خارج مدینه فرستاد.

سریه و غزوه

غزوه: غالباً بر تحرک گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود که در معیت پیامبر ﷺ به غرض مقابله با دشمن حرکت کرده باشند؛ چه در جریان آن جنگ واقع شده باشد و چه نه.

اما سریه: به گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود که پیامبر ﷺ آنان را برای حمله بر دشمن

فرستاده باشد؛ به صرف نظر ازینکه در جریان آن جنگ واقع شده باشد یا نه. احیاناً سریّه برای اطلاع یابی از اخبار دشمن نیز فرستاده می‌شد. پیامبر ﷺ در خلال ده سال زندگی پر فیض خویش در مدینه، شخصا (۲۷) بیست و هفت غزوه را فرماندهی نمود، و حدود (۳۸) سی و هشت سریه را فرستاد.

نفوس شماری مدینه

در سال اول هجرت، بعد از عقد پیمان برادری، بلا فاصله پیامبر ﷺ فرمان داد تا سکان مدینه نفوس شماری شوند، بعد از این احصائیه و نفوس شماری بود که حرکت سریّه‌ها و غزوات آغاز شد.

فعالیت (۱)

چرا در مکه به جهاد اجازه داده نشد، و در مدینه جایز گردید؟ شاگردان به رهنمایی استاد محترم مضمون درین مورد باهم مباحثه نمایند.

پیامبر ﷺ در پهلوی ارسال سرایا، از بستن پیمان عدم تعرض و یاری رسانی به بعضی قبائل عرب ساکن اطراف مدینه، مانند بنی ضمیره و قبیله جهینه غافل نبود. هدف از عقد این گونه پیمان‌ها کسب بی طرفی آنها به هنگام بروز جنگ با اهل مکه بود، و هکذا هم پیمانی در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و بازرگانی. البته این هم پیمانی‌ها بنا بر قاعده دفع ضرر و جلب مصلحت مشترک دو طرف پیمان صورت می‌گرفت. در تاریخ اعزام سرایا، سریّه عبیده بن حارث رضی الله عنه، نخستین سریّه‌ی بی بود که در آن مسلمانان با مشرکین در یک رویارویی نظامی مقابل همدیگر قرار گرفتند، و درین سریّه سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه اولین کسی بود که در راه خدا تیر اندازی کرد.

اهداف ارسال سریّه‌ها

اگر ما اهداف حرکت سریّه‌ها و غزوات را به دقت بررسی نماییم، می‌بینیم تمامی سریّه‌هایی که قبل از غزوه بدر فرستاده شده‌اند، افراد آن همه مهاجرین بوده، و در میان

آنها یک نفر انصاری وجود ندارد؛ این یک امر کاملاً سنجیده شده بود، و پیامبر ﷺ می‌خواست از یک طرف قضیه مهاجرین را اولاً در میان خود شان و سپس در سطح خارج زنده نگهدارد، از سوی دیگر اقتصاد قریش را زیر ضربه قرار دهد، تا توان نظامی آنان ضعیف گردد، و همچنان مسلمانان به فنون و مهارت‌های جنگی آموزش و تمرین ببینند، حرکات قریش تحت مراقبت مسلمانان قرار گیرد و بالاخره دشمنان اسلام در داخل و اطراف مدینه به ترس انداخته شوند.

فعالیت (۲)

شاگردان در مورد اهداف صلح و جنگ در مرحله مدنی دعوت اسلامی فکر نموده و نتیجه را بشکل گروهی با هم در میان بگذارند.

آموختنی‌های درس

- - جهاد یک عمل تعرضی نه، بلکه یک واکنش دفاعی مسلمانان در برابر ستم کفار است.
- - جهاد در صورتی بر مسلمانان فرض می‌گردد که مورد تجاوز و ستم قرار گیرند، و در عین حال توانایی جنگ و دفاع را داشته باشند.
- - جهاد یکی از فرایض مهم دین اسلام بوده و در میان شعائر اسلامی از اهمیت بزرگی برخوردار است و تا روز قیامت ادامه دارد.
- - جهاد مانند سائر شعائر اسلامی از خود احکام و اصول و قواعدی دارد که بنام (فقه الجهاد) یاد می‌شود.
- - عقد پیمان عدم تعرض با کفار جائز است، در صورتی که در آن دفع ضرر و جلب منفعت اسلام باشد. همچنان صلح با دشمنان اسلام جواز دارد، در صورتی که مصلحت ایجاب کند.
- - فرستادن سرایا، مسلمانان را در مقابله با دشمن آماده ساخته و توان نظامی آنان را در غزوات بعدی بالا می‌برد.

- هدف از جهاد فی سبیل الله تجاوز و کشور گشائی نیست. بلکه حمایت از مستضعفین و ستمدیده گان و برچیدن ظلم و تجاوز و تحقق عدل آرمان و هدف جهاد می باشد.



- ۱- اجازه جهاد چه وقت به مسلمانان داده شد، و علت آن چه بود؟
- ۲- سریّه و غزوه از هم چه فرق دارند؟ و پیامبر ﷺ در چند غزوه اشتراک فرمود؟
- ۳- پیامبر ﷺ با کدام قبائل عرب پیمان صلح و عدم تعرض بست؟ نام بگیرید.



شاگردان در مورد اهداف پیمان پیامبر ﷺ با قبائل عرب و آثار آن مقاله بنویسند که از ده نظر کم نباشد.

تشریع بعضی احکام

خداوند جل جلاله در دو سال اول هجرت، یک سلسله احکام تشریعی و شعائر تعبدی را فرض گردانید، مانند فرضیت زکات، روزه و غیره.

۱- فرضیت روزه

در ماه شعبان سال دوم هجرت، خداوند جل جلاله روزه ماه مبارک رمضان را فرض گردانید و آن را رکنی از ارکان پنجگانه اسلام قرار داد. روزه قبل از اسلام نیز بر امتهای گذشته فرض بود.

فعالیت (۱)

شاگردان به کمک استاد مضمون در مورد تشریع برخی از احکام در مدینه منوره باهم مباحثه و گفتگو نمایند.

۲- مشروعیت صدقه فطر

در رمضان همان سال، صدقه فطر واجب شد که ادای آن از طرف هر انسان آزاد و بنده، مرد و زن، خورد و بزرگ واجب می باشد.

حکمت الهی در وجوب صدقه فطر و وادار نمودن مسلمانان به پرداخت آن، ظاهر و آشکار است. چنانکه در حدیث شریف آمده است: "خداوند جل جلاله زکات (صدقه) فطر را برای پاکیزه ساختن شخص روزه دار از سخنان لغو و فحش و همچنان برای اطعام مساکین واجب گردانیده است، پس کسی که صدقه فطر را قبل از ادای نماز عید ادا کند، صدقه مورد نظر خداوند جل جلاله است و اگر آن را بعد از نماز عید ادا کند، صدقه یی از صدقات می باشد.

۳- نماز عید فطر

در همین سال، پیامبر ﷺ نماز عید فطر را ادا کردند؛ این نخستین باری بود که پیامبر ﷺ با عموم مردم تهلیل و تکبیر گویان به سوی عیدگاه رفتند و نماز عید فطر را به عنوان شکر گزاری نعمت‌های همیشگی خداوند، ادا کردند.

۴- مشروعیت زکات

همچنان در سال دوم هجری، خداوند ﷻ پرداختن زکات دارایی را فرض گردانید و آن را رکنی از ارکان پنجگانه اسلام قرار داد. فرضیت زکات بعد از فرضیت روزه ماه رمضان صورت گرفت.

۵- ازدواج با ام المؤمنین عائشه رضی الله تعالی عنها

از رویدادهای عمده سال اول هجرت، ازدواج رسول الله ﷺ با عائشه بنت ابوبکر صدیق رضی الله عنهما بود. این عقد قبل از هجرت در مکه صورت گرفت و سپس در ماه شوال سال اول هجری در مدینه عائشه به خانه پیامبر ﷺ رفت.

هر صاحب‌نظر می‌تواند به آسانی به حکمت نهفته الهی در ازدواج رسول الله ﷺ با عائشه پی ببرد؛ این ازدواج پر میمنت در ابتدای زندگی مدینه و با آغاز مرحله تشریعی حیات آنحضرت ﷺ، انجام یافت. بدون شک هر انسان بخش بزرگی از حیات خود را در خانه و با خانواده خود سپری می‌کند، از این لحاظ لازم بود رفتار آنحضرت ﷺ در زندگی خانواده گوی ایشان به اطلاع مردم و امت اسلامی می‌رسید، تا مسلمانان بتوانند به آن اقتدا نمایند، این وظیفه را امهات المؤمنین رضی الله عنهن (همسران پیامبر ﷺ) خصوصاً بی‌بی عائشه صدیقه رضی الله عنها به وجه احسن انجام داده‌اند.

حضرت عائشه صدیقه توانست به برکت تیزهوشی و فهم عمیقی که خداوند ﷻ برایش ارزانی فرموده بود، نقش صدیقه خود را به بهترین وجه اداء نماید. عائشه رضی الله عنها را در انجام این نقش مهم، چیز دیگری نیز کمک کرد، و آن اینکه خداوند ﷻ برایش عمر طولانی نصیب فرموده بود که تقریباً پنجاه سال بعد از رحلت آنحضرت ﷺ حیات داشت و این مدت به وی کمک کرد تا آنچه را که از جناب رسول الله ﷺ شنیده بود و به خاطر داشت، به دیگران برساند. خداوند ﷻ از وی و همه امهات المؤمنین راضی و خشنود باشد.



شاگردان به کمک استاد محترم مضمون در مورد نقش بارز ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها در نقل احادیث پیامبر ﷺ با هم مباحثه نمایند.

آموختنی‌های درس



- - روزه قبل از اسلام نیز بر امتهای گذشته فرض بود.
- - در سال دوم هجری صدقه فطر بر هر مسلمان آزاد و بنده، مرد و زن، خورد و بزرگ واجب گردیده و پیامبر ﷺ در همان سال به عنوان شکر نعمت‌های همیشگی خداوند نماز عید فطر را ادا کرد.
- - پرداختن زکات یکی از ارکان پنجگانه اسلام می باشد.
- - پیامبر ﷺ شانزده یا هفده ماه بعد از هجرت به مدینه منوره در نماز عصر مأمور شد که به سوی کعبه مشرفه نماز بگزارند.
- - بخش بزرگی از احکام شرعی بوسیله امهات المؤمنین، خصوصاً به وسیله عائشه رضی الله عنها به ما رسیده است. این به مقام و جایگاه بزرگ عائشه رضی الله عنها دلالت می کند.
- - زکات و سائر واجبات مالی در اسلام در زدودن فقر از جامعه اسلامی و رشد و انکشاف اقتصادی جامعه نقش مهم و بزرگ دارد.
- هدف اساسی احکام و ارزشهای اقتصادی در دین اسلام از جمله زکات، مبارزه با فقر در جامعه اسلامی می باشد.



- ۱- روزه در کدام سال بر مسلمانان فرض شد؟
- ۲- صدقه فطر در کدام سال بر مسلمانان واجب شده؟
- ۳- نبی اکرم ﷺ نماز عید فطر را در کدام سال ادا نمود؟
- ۴- آیا اداء کردن زکات از ارکان اسلام به شمار می رود؟



راجع به اهمیت صدقه فطر و زکات یک مقاله در کتابچه خود بنویسید.

غزوه بدر

غزوه بدر، نخستین نبرد سرنوشت ساز در تاریخ اسلام است. کفار قریش که از هیچ گونه ستم و آزار پیامبر ﷺ و مسلمانان دریغ نکرده بودند، بعد از هجرت آنحضرت ﷺ و یارانش به مدینه، بیشتر خشمگین گردیده، به شکنجه مسلمانان و مصادره اموال ایشان همچنان ادامه دادند.

۱- پیش زمینه‌های بدر

چنانکه قبلاً گفته شد، پیامبر ﷺ بعد از نزول حکم اجازه جهاد، تحرکات نظامی را آغاز نمود. این تحرکات بیشتر به فرستادن گزوه نظامی برای کسب اطلاعات شباهت داشت، که به غرض تحقق اهداف ذیل صورت می گرفت:

- ۱- آشنایی با راه‌های اطراف مدینه و شناخت مسیرهای منتهی به مکه.
- ۲- عقد قرارداد با قبایلی که در نزدیکی این مسیرها زندگی داشتند.
- ۳- تفهیم یهودیان مدینه، مشرکان و بادیه نشینان بر این واقعیت که دوران ضعف مسلمانان سپری شده و اکنون آنها در وضعیت نیرومندی قرار دارند.
- ۴- هشدار به قریش تا از دشمنی با مسلمانان دست بردار شوند و به صلح متمایل گردند؛ زیرا ادامه این سیاست، اقتصاد، تجارت و وسائل امرار معاش آنها را با خطر مواجه خواهد ساخت.

در تمامی سرایایی که پیامبر ﷺ برای دستیابی به اهداف فوق فرستاد، در هیچ کدام آنها قتل و مصادره اموال صورت نگرفت، تا اینکه مشرکین به فرماندهی "کرز بن جابر فهری" در ماه ربیع الاول سال دوم هجری در "سفوان" در ناحیه بدر اقدام به غارت مواشی مسلمانان مدینه نمودند، بنابراین آغازگر غارت اموال مسلمین نیز مشرکین بودند.

سبب اساسی جنگ

یک کاروان تجارتي قریش به سرپرستی ابوسفیان بن حرب، که هزار شتر، در حدود

پنجاه هزار دینار طلا، و مقدار هنگفتی از ثروت بزرگان و زعمای مکه را حمل می کرد، با چهل نفر پاسداران در حال بازگشت از شام به مکه بود. دستیابی به این کاروان برای مسلمانان یک فرصت طلایی بود تا ضربه اقتصادی محکمی بر اهل مکه وارد سازند؛ از این رو رسول اکرم ﷺ به مسلمانان دستور داد که به سوی آن کاروان بشتابند، شاید خداوند جلّ و علا آن را برایشان ارزانی فرماید.

پیامبر ﷺ فکر نمی کرد در این سفر به جای کاروان تجارتی مکه، با لشکر مکه درگیر نبود خواهد شد، بنابراین کسی را برای خروج امر نکرد، و بسیاری صحابه در مدینه باقی ماندند.

فعالیت (۱)

شاگردان در مورد این پرسش باهم مباحثه نمایند که آیا لشکرکشی پیامبر ﷺ در جنگ بدر، یک عمل دفاعی بود و یا جنگ تعرضی؟

تعداد ارتش اسلام و تقسیم فرماندهی

پیامبر ﷺ روز ۱۷ رمضان سال دوم هجری با حدود سه صد و سیزده نفر، یک یا دو اسب و هفتاد شتر از مدینه بیرون آمد. پیامبر ﷺ پرچم سفید فرماندهی عمومی سپاه را به "مُصعب بن عُمیر" رضی الله عنه سپرد، و سپاه را به دو بخش تقسیم کرد: مهاجرین و انصار. پرچم مهاجرین در دست علی رضی الله عنه و بیرق انصار در دست سعد بن معاذ رضی الله عنه قرار داشت هر دو پرچم رنگ سیاه داشتند. پیامبر ﷺ قبل از حرکت از مدینه، دو نفر را به بدر فرستاد تا از کاروان قریش اطلاع بیاورد.

درخواست کمک از مکه

ابوسفیان فرمانده کاروان، بسیار محتاطانه حرکت می کرد، چون می دانست راه مکه از دو طرف در خطر است؛ گماشتگانش خبر آوردند که محمد ﷺ اصحاب خود را آورده تا بر کاروان یورش برد. ابوسفیان بی درنگ شخصی را به نام "ضمضم بن عمرو غفاری" به مکه فرستاد تا هر چه زودتر مردم را برای نجات کاروان به حرکت در بیاورد.

ابوسفیان که در راه اصلی شام به مکه راه می‌پیمود، بعد از اینکه اطلاع یافت دو سوار در مسیر راه ایشان آمده‌اند، و گمان کرد که اینها اهل مدینه هستند، به عجله به کاروان برگشت و مسیر بدر را رها کرده، و در امتداد ساحل دریای سرخ به راه خود ادامه داد؛ به این ترتیب کاروان را از چنگ سپاه مسلمانان نجات داد. ضمضم شتابان خود را به مکه رساند و در میانه وادی مکه، در حالی که بر پشت شترش ایستاده و بینی آن را بریده و پیراهن خود را چاک کرده بود، فریاد برآورد: ای قریشیان! شتران و اموال قیمتی خود را که با ابوسفیان است، دریابید. محمد و یارانش بدان یورش برده‌اند .. کمک .. !! کمک ... !!

آماده شدن اهل مکه برای جنگ

همه اشراف و بزرگان مکه - بجز ابولهب - گرد آمدند و با عجله آماده جنگ شدند. سپاه مکه در آغاز حرکت، عبارت از هزار و سه صد جنگجو، با صد اسب، ششصد زره و شتران بی شمار بود. فرمانده عمومی سپاه ابوجهل و بقیه بزرگان قریش وظیفه تأمین غذای لشکر را به دوش داشتند. در ناحیه جحفه نامه ابوسفیان برایشان رسید که نوشته بود کاروان نجات یافت، برگردید.

دو دستگی در سپاه مکه

چون نامه ابوسفیان به سپاه مکه رسید، تصمیم به بازگشت گرفتند؛ اما ابوجهل با غرور و گستاخی جاهلانه گفت: "به خدا سوگند! باز نمی‌گردیم مگر آنکه وارد بدر شویم و سه روز در آنجا بمانیم و شترها بکشیم، باده بنوشیم و مطربان برای ما بنوازند و عرب از جمع شدن ما با خبر شوند و تا ابد از ما بترسند". بنی زهره که تعدادشان به سه صد نفر می‌رسید، برگشتند و هزار جنگجوی باقیمانده عازم بدر گردیدند.



شاگردان عزیز! سپاه مکه در حالی که کاروان نجات یافته بود، چرا برای جنگ آماده شد؟

آموختنی‌های درس

- - فرستادن سرایا از طرف پیامبر ﷺ یک اقدام اطلاعاتی و دفاعی بود.
- - هدف پیامبر ﷺ از رفتن به بدر تهدید اقتصادی مشرکان بود تا دست از آزار مسلمین بردارند.
- - قریش با تمام توان مالی و نظامی خود برای جنگ با مسلمانان برآمده بود.
- - وقوع جنگ بدر از جانب خداوند ﷻ مقدر بود.

ارزیابی

- ۱- سربیه‌ها برای چه منظوری فرستاده می‌شدند؟
- ۲- سبب آغاز جنگ بدر چه بود؟ در این جنگ سپاه اسلام به چند بخش تقسیم شده بود؟
- ۳- وقتی که ابو سفیان از دو سوار مدینه اطلاع یافت، به چه اقداماتی دست زد؟
- ۴- تعداد لشکر مسلمانان و کفار، و همچنان نامهای فرماندهان هر دو لشکر را بیان دارید.

کارخانه‌گی

راجع به اهداف سرایا و اهمیت جنگ بدر یک مقاله در کتابچه‌های خود بنویسید.

غزوه بدر

۲- جریان جنگ و نتائج آن

چنانکه گفته شد، پیامبر ﷺ صرفاً به هدف تهدید کاروان قریش - که از شام راهی مکه بود - با ۳۱۳ نفر از مدینه بیرون آمد، اما در نزدیکی ناحیه بدر اطلاع یافت که سپاه مکه برای جنگ آماده می‌شود، بنا بر آن ناگزیر شد تا برای یک رویارویی سرنوشت ساز آمادگی بگیرد.

وضعیت لشکر اسلام

نیروهای تجسسی سپاه مدینه در حالی خبر نجات کاروان و عزیمت سپاه مکه را به پیامبر ﷺ آوردند که آنحضرت ﷺ در نزدیکی بدر بود. پیامبر ﷺ بعد از تأمل فراوان، به این نتیجه رسید که برای اجتناب از درگیری راهی وجود ندارد، بنابراین باید با کمال دلیری و شهامت برای آن آماده بود.

با توجه به این تغییر خطرناک و ناگهانی، رسول خدا ﷺ مجلس اعلای نظامی خویش را برای مشوره تشکیل داد و با یاران خود به تبادل نظر پرداخت. برخی از حضار مجلس از رویارویی با دشمن قوی ابراز خوف نمودند، اما بزرگان و فرماندهان لشکر اسلام، همچون ابوبکر و عمر رضی الله عنهما صحبت‌های خوب کردند، سپس مقداد بن عمرو گفت: "ای رسول خدا! برای پیاده کردن فرمان خداوند ﷻ حرکت کن، ما نیز همراه تو هستیم. به خدا قسم به تو سخنی نمی‌گوییم که بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند که **«اذهب انت و ربک فقاتلا انا ههنا قاعدون»**: {سوره مائده، آیه ۲۴}؛ تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما همین جا می‌نشینیم" بلکه می‌گوییم: تو و پروردگارت بروید و بجنگید ما نیز همراهت خواهیم بود تا بدانجا برسی".

رسول خدا ﷺ با شنیدن این حرفها بسیار شادمان شد و در حق مقداد رضی الله عنه دعای خیر کرد. رسول الله ﷺ انتظار داشت که حرفهای اطمینان بخشی از انصار بشنود؛ زیرا اکثریت انصار بودند و بار سنگین جنگ هم به دوش آنها بود. سعد بن معاذ - پرچمدار انصار این نکته را دریافت - خطاب به پیامبر ﷺ گفت: "شاید بیم داری که انصار جز در

مدینه تو را یاری نکنند، من به نمایندگی از انصار پاسخ می‌دهم: هر جا می‌خواهی برو، با هر کسی می‌خواهی پیوند گیر، از هر کسی خواهی پیوند بگسل، هر چه خواهی از اموال ما بگیر و هر چه می‌خواهی به ما عطا کن، که آنچه از ما برگیری برای ما خوشتر است از آنچه بر جای بگذاری، هر امری که فرمایی، کار ما پیروی از فرمان توست. به خدا اگر با ما این دریا را بیمائی و در آن فرو روی، همگی با تو در آن فرو رویم."

رسول ﷺ از سخنان سعد بن معاذ بسیار شادمان شد و فرمود: "بروید و امیدوار باشید؛ زیرا خداوند متعال یکی از این دو چیز (کاروان و یا پیروزی در جنگ) را به من وعده داده است.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! از حرفهای مقداد رضی الله عنه و سعد بن معاذ رضی الله عنه چه چیز را می‌توان استنباط کرد؟

آغاز کارزار

در شبی که فردای آن جنگ صورت می‌گرفت، خداوند عزوجل باران نازل کرد، که در جانب مشرکین شدید بود و مانع پیشروی آنها شد، اما در منطقه مسلمانان همچون شبنمی بود که فقط زمین را هموار و ریگها را به هم فشرده کرد و گامهای مسلمانان را استوار داشت. این شب، شب جمعه هفدهم رمضان سال دوم هجری بود.

رسول خدا ﷺ سپاه خود را حرکت داد تا قبل از رسیدن مشرکین، به آبهای بدر برسد. سعد بن معاذ رضی الله عنه پیشنهاد کرد که برای آنحضرت ﷺ سایبانی به حیث مقرر فرماندهی ایجاد گردد.

همینکه مشرکان از پشت تپه‌های ریگی سر بر آوردند، دو سپاه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. پیامبر ﷺ صفوف مسلمانان را منظم ساخت و دستور داد: تا من نگفته‌ام جنگ را آغاز نکنید. بعد از آن رهنمایی‌هایی لازم به سپاه خود داد. رسول خدا ﷺ بعد از اینکه از تنظیم صفوف مجاهدین فارغ شد، دست دعا بلند کرد و از خداوند عزوجل یاری و پیروزی طلبید.

آغاز جنگ تن به تن

نخستین جرقه جنگ راز از جانب مشرکین قریش اسود بن عبد الأسد مخزومی برافروخت که مردی تندخو و بدخلق بود. چون به حوض آب رسید، حضرت حمزه رضی الله عنه بروی حمله کرد و او را به هلاکت رسانید.

بعد از آن سه تن از سواران قریش، که همه از یک خاندان بودند، یعنی عتبه و شیبه پسران ربیع و ولید پسر عتبه به میدان آمدند و از مسلمانان مبارز طلبیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به سه تن از اقارب خود، یعنی عم خود حمزه، عبیده بن حارث و علی بن ابی طالب پسران کاکایش فرمان داد تا در مقابل آن سه نفر به میدان برآیند. عبیده با عتبه، حمزه با شیبه و علی با ولید در آویختند و هر سه نفر را در میدان جنگ به قتل رساندند. تنها عبیده مجروح گردید که بعداً در اثنای بازگشت به مدینه شهید شد. بعد از کشته شدن این سه تن، مشرکان سخت به خشم آمدند و همگی بر مسلمین یورش بردند و دو لشکر درهم آویختند. خداوند جل جلاله به فرشتگان امر فرمود که به کمک مسلمانان بشتابند، پیامبر صلی الله علیه و آله سر برآورد و جبرئیل علیه السلام را سوار بر اسب دید که با هزار فرشته برای کمک مسلمانان فرود آمده است.

مسلمانان در این جنگ رشادت فوق العاده‌ی نشان دادند و در اثر آن دسته‌هایی از مشرکین رو به فرار نهادند و با پریشانی عقب نشستند، و بالاخره جنگ با شکست قطعی مشرکین و پیروزی آشکار مسلمانان پایان یافت.

در این نبرد چهارده تن از مسلمین (شش تن از مهاجرین و هشت تن از انصار) به شهادت رسیدند. اما از مشرکین هفتاد تن، به شمول ابو جهل، فرمانده جنگ کشته و هفتاد تن دیگر به اسارت در آمدند. در ختم جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد تا اجساد کشتگان در چاهی انداخته شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از پیروزی در جنگ، سه شب در بدر مکث کرد، سپس به سوی مدینه برگشت.

فعالیت (۲)



با وجود کثرت تعداد سپاه مشرکین، چه چیز باعث پیروزی مسلمانان گردید؟

آموزش‌های درس



- - پیروزی از جانب خداست، زیادی افراد و سلاح نمی‌تواند پیروزی را تضمین نماید.
- - در کنار اتخاذ تدابیر جنگی، توکل به خداوند و دعا و التجا به او تعالی ضروری است.
- - نزول ملائکه در جنگ بدر برای کمک به مسلمانان.
- - فداکاری پیامبر ﷺ در راه اسلام، که سه نفر از اقارب نزدیک خود را قبل از همه به میدان جنگ کشید.

ارزیابی



- ۱ - جنگ بدر در کدام تاریخ واقع شد؟
- ۲ - تعداد شهدای مسلمانان و کشته شده گان کفار درین جنگ چند بود؟
- ۳ - اولین کسانی که در جنگ بدر با هم آویختند کی‌ها بودند؟ نام بگیرید.



کارخانه‌گی

وقتی که پیامبر ﷺ اطلاع یافت سپاه مکه تصمیم جنگ دارند، چه اقداماتی را روی دست گرفت؟ جواب این سوال را در کتابچه‌های خود بنویسید.

پی آمدهای غزوه بدر و توطئه ترور پیامبر ﷺ

غزوه بدر با پیروزی قاطع مسلمانان به پایان رسید. در این جنگ هفتاد تن از مشرکین مکه به شمول فرمانده مشرکین، ابوجهل و سائر رهبران قریش کشته شدند و هفتاد تن دیگر به اسارت در آمدند. تعداد شهدای مسلمین فقط چهارده تن بود.

چگونگی معامله با اسیران جنگی

هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه رسید، با صحابه در مورد نحوه معامله با اسیران به مشورت پرداخت؛ ابوبکر رضی الله عنه گفت: "یا رسول الله، اینان از عشیره ما و عموزادگان ما و برادران ما هستند، رأی من این است که از آنان فدیة گرفته شود؛ زیرا اموالی که از ایشان می گیریم ما را در برابر کفار نیرو می بخشد و امید است خداوند جل جلاله ایشان را هدایت فرماید و در آینده مددگار ما شوند."

پیامبر ﷺ رو به سوی عمر رضی الله عنه کرده فرمود: "ای پسر خطاب، رأی تو چیست؟ گفت: به خدا من با ابوبکر هم نظر نیستم؛ نظرم آنست که فلان، فلان و فلان را در اختیار خویشاوندان مسلمان شان بسپاری که گردنهای آنها را بزنند، تا خداوند جل جلاله بداند در دلهای ما هیچگونه جانبداری از مشرکین جا ندارد.

اما رسول الله صلی الله علیه و آله پیشنهاد ابوبکر رضی الله عنه را پسندید و از اسیران فدیة گرفت. اینجا بود که عتاب شدید الله جل جلاله به پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد که چرا اسیران را در برابر فدیة رها کرده است.

رهائی از قید اسارت در بدل تعلیم اطفال

برخی از مردم مکه نوشتن را می دانستند، ولی مردم مدینه از نعمت سواد محروم بودند. بنا بر این از جمله اسیران کسی که نمی توانست فدیة مالی بپردازد، ده تن از پسران مدینه را به او می سپردند تا به آنها خط و کتابت بیاموزد، و چون در خواندن و نوشتن ماهر می شدند، همان تعلیم فدیة او محسوب می گردید. علاوه بر آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله برخی اسیران را بدون اخذ فدیة رها کرد، مشروط بر این که دیگر به جنگ مسلمانان نیایند.

شاگردان عزیز! پیامبر ﷺ به عوض کارهای دیگر، چرا تعلیم اطفال را فدیۀ رهایی اسیران گذاشت؟ به نظر شما فراگیری خواندن و نوشتن در اسلام چه اهمیتی دارد؟

نتایج غزوۀ بدر جنگ بدر برای جوانب مختلف، نتایج بخصوص خود را داشت، از جمله:

۱- مسلمانان: شوکت مسلمانان بعد از جنگ بدر، تقویت یافت و آنعده غیر مسلمانان که در مدینه و مناطق پیرامون آن زندگی می کردند، از قدرت مسلمانان به خوف افتادند، و دیگر قصد حمله بر مدینه، برای آنان کار آسانی نبود. قدرت یافتن مسلمانان، باعث ظهور پدیدۀ نفاق در مدینه گردید که یک تعداد مشرکین در ظاهر با مسلمانان، اما در باطن با کفار بودند.

از نتایج جنگ بدر افزایش اعتماد مسلمین به الله تعالی و پیامبر او ﷺ و بالا رفتن روحیۀ ایشان بود. برعلاوۀ آن مهارت های جنگی و تاکتیک های جدید نظامی مسلمانان بالا رفت.

۲- قریش: نتایج جنگ بدر برای قریشیان فاجعه بار بود؛ زیرا برعلاوۀ هلاک تعداد زیادی از رهبران ایشان که خسارۀ نظامی بزرگی بود، متحمل خسارۀ معنوی نیز شدند که در اثر آن تجارت، آقایی و نفوذ ایشان در سراسر حجاز شدیداً صدمه دید.

۳- یهودان: یهودیان از پیروزی مسلمانان در بدر به وحشت افتادند؛ زیرا آنها نمی خواستند اسلام قوت گیرد و غلبه یابد؛ چون در این صورت دین آنها مغلوب قرار می گرفت و در مدینه پیامبر اسلام ﷺ جایگاه و مقام بالایی می یافت، از این رو تصمیم گرفتند پیمانی را که با پیامبر ﷺ بعد از ورود به مدینه بسته بودند، نقض نمایند، و کینه های نهفته در سینه های خود را آشکار سازند بناء علناً به دشمنی و مخالفت با اسلام و توطئه علیه پیامبر ﷺ پرداختند.

توطئه قتل پیامبر ﷺ

مشرکین به دنبال شکست در غزوۀ بدر، در آتش خشم می سوختند و مکه در مجموع بر ضد پیامبر ﷺ در جوش و خروش بود، و آشکارا به بسیج عمومی اقدام کرده و تهدید می کرد که ضربتی کوبنده بر مسلمین وارد ساخته و انتقام خون کشتگان خویش را خواهد

گرفت؛ تا آنکه دو نفر از مشرکان مکه توطئه ای را طراحی کردند تا پیامبر ﷺ را نابود سازند. عمیر بن وهب جمحی که از شیاطین قریش بود، با صفوان بن امیه در حجر (ساحه نیم دائروی پهلوی کعبه) با هم نشسته و از کشتگان بدر یاد کردند. صفوان گفت: به خدا سوگند زندگی بعد از ایشان، ارزشی ندارد. عمیر گفت: به خدا راست می گویی، اگر قرضدار نمی بودم، و خانواده نمی داشتم که از تباهی آنان بیمناکم، نزد محمد می رفتم تا او را بکشم. من بهانه ای هم دارم، پسر من نزد آنها اسیر است و برای رهایی او می روم. صفوان فرصت را غنیمت شمرده گفت: پرداخت قرضت به دوش من، من آن را می پردازم و خانواده ات را با خانواده خود همراه می کنم، تا وقتی که زننده باشند به امور شان رسیدگی می نمایم. عمیر گفت: این توافق را پنهان دار.

عمیر شمشیرش را تیز و زهر آلود ساخته به سوی مدینه به راه افتاد. وقتی به مدینه رسید، شترش را در مقابل دروازه مسجد نبوی خواباند، عمر رضی الله عنه او را دید و گفت: این دشمن خدا عمیر است که جز به قصد سوء نیامده است! عمر رضی الله عنه نزد پیامبر ﷺ رفته و از آمدن عمیر به ایشان اطلاع داد؛ پیامبر ﷺ فرمود: او را نزد من بیاور؛ عمیر به حضور پیامبر ﷺ آورده شد، پیامبر ﷺ از وی سوال کرد: چه چیز باعث شد که نزد ما بیایی؟ گفت: به خاطر اسیری که نزد شماست آمده ام. پیامبر ﷺ فرمود: به من راست بگو، برای چه آمده ای؟ گفت: برای آنچه که گفتم. پیامبر ﷺ گفت: دروغ می گویی، بلکه تو و صفوان در حجر نشستید و کشتگان چاه بدر را یاد کردید... الی آخر داستان؛ اینجا بود که عمیر کلمه شهادت به زبان آورد و مسلمان شد، سپس گفت: این خبر را خداوند جل جلاله به تو رسانده است؛ زیرا در حجر بجز من و صفوان کسی دیگر نبود. بدین ترتیب، پلان توطئه قتل پیامبر ﷺ به کمک خداوند جل جلاله ناکام ماند.

فعالیت (۲)

یهودیان در حالی که اهل کتاب بودند، چرا با پیامبر ﷺ مخالفت می کردند؟ شاگردان به رهنمایی استاد محترم مضمون باهم مباحثه کنند.

آموختنی‌های درس



- - جنگ بدر برای مسلمانان و کفار مکه، یک جنگ سرنوشت ساز بود. در نتیجه این جنگ که به پیروزی واضح مسلمانان انجامید برای نخستین بار طلسم ظلم و ستم مشرکین مکه شکست و با کشته شدن عده از طواغیت قریش دین اسلام و مسلمانان از قوت و شوکت چشمگیری برخوردار شدند.
- - ثبوت حقد و کینه تاریخی یهود بر علیه اسلام و پیامبر ﷺ.
- - خداوند ﷻ پیامبر ﷺ را از توطئه و شر دشمنان نگه می داشت و به او اطلاع می داد.
- - پیروزی مسلمانان در غزوه بدر یکبار دیگر غلبه حق بر باطل و عدالت بر ستم را ثابت ساخت.

ارزیابی



- ۱ - در باره معامله با اسیران بدر، ابوبکر و عمر رضی الله عنهما چه نظر داشتند، و پیامبر ﷺ نظر کدام آنها را تأیید کرد؟
- ۲ - در مورد اسیران بدر آیات قرآن نظر کدام صحابی را تأیید کرد؟
- ۳ - جنگ بدر برای مسلمانان، کفار مکه و یهودیان چه نتایج داشت؟
- ۴ - چه کسی پیامبر ﷺ را از توطئه قتل آن حضرت ﷺ آگاه ساخت؟



کارخانه گی

نتایج غزوه بدر را به طور خلاصه در کتابچه‌های خود بنویسید.

مهمترین رویدادها در فاصله غزوه بدر و احد

چنانکه گفته شد، بعد از غزوه بدر هیبت و شوکت مسلمانان در مجموع جزیره العرب بالا گرفت، کفار ضعیف النفس، احساس خطر نمودند و تعداد علاقه مندان به اسلام بیشتر شد.

غزوات دیگر

پیامبر ﷺ از فرصتی که این پیروزی به بار آورده بود در مقابله با دشمنان اسلام استفاده اعظمی نمود و به اقدامات ذیل دست زد:

۱ - غزوه ماء الکدر: هفت روز بعد از بازگشت به مدینه، پیامبر ﷺ به ماء الکدر، از مربوطات بنی سلیم لشکر کشید، اما دشمنان فرار کردند و جنگ واقع نشد. سبب لشکر کشی مسلمانان، تجمع بنی سلیم به قصد تجاوز بر مدینه بود، که با حمله پیشگیرانه مسلمانان روبه رو شدند.

۲ - غزوه سویق: ابوسفیان با دوصد سوار از مکه به مدینه آمد و به کمک یهودیان بر یک ناحیه مدینه منوره هجوم آورد ولی بعداً فرار کرد. رسول الله ﷺ او را دنبال کرد، آنها از شدت خوف مسلمانان توشه‌های خود "سویق" را به جا گذاشته گریختند.

۳ - غزوه ذی امر: به پیامبر ﷺ اطلاع رسید که دو قبیله ثعلبه و محارب در ناحیه "ذی امر" اجتماع کرده و قصد حمله بر مدینه را دارند. برای دفع این حمله، پیامبر ﷺ با چهارصد و پنجاه نفر به مقابل آنها بر آمد، ولی آنان جنگ ناکرده فرار کردند.

۴ - غزوه بحران: بحران ناحیه ایست در میان مکه و مدینه که پیامبر ﷺ برای مقابله و جنگ با بنی سلیم به آن ناحیه حرکت کرد، ولی جنگ واقع نشد. علاوه بر غزوات فوق الذکر، پیامبر ﷺ زید بن حارثه را در رأس یک سریه به منطقه "قرده" مربوط "نجد" بر سر راه کاروان تجارتی ابوسفیان فرستاد.

فعالیت (۱)



پیروزی آنحضرت ﷺ در بدر چه فرصتهایی را برای مسلمانان فراهم کرد؟ شاگردان درین مورد به صورت گروهی باهم مباحثه نمایند.

۵- غزوهٔ بنی قینقاع

مهمترین رویداد بعد از جنگ بدر، غزوهٔ بنی قینقاع، بود. یهود به معاهدهٔ ایکه با رسول الله ﷺ بسته بودند، پایدار نماندند و بر ضد اسلام و پیامبر ﷺ موقف خصمانه اتخاذ نمودند. پیامبر ﷺ آنها را جمع کرد و نصیحت نمود و به اسلام دعوت کرد، و در عین حال از حالتی که به قریش در بدر پیش آمده بود، بر حذر داشت. مگر یهودان با پیامبر ﷺ از راه تهدید و مقابله پیش آمدند و گفتند: ای محمد! اینکه بر چند نفر قریش - که به مهارت‌های جنگی آشنایی نداشتند - پیروز شده‌ای، ترا مغرور نسازد، اگر با ما بجنگی می‌بینی که ما کیستیم!

بحران در روابط مسلمانان و یهود از همینجا آغاز شد؛ اما سبب مستقیم این غزوه چنین بود: روزی یک زن مسلمان متاعی را جهت فروش به بازار بنی قینقاع برد و آن را بفروخت، سپس به نزد زرگری رفت. از وی تقاضا شد که چهرهٔ خود را برهنه سازد، زن ابا ورزید؛ زرگر یهودی گوشهٔ چادر وی را در پشت سرش بست؛ وقتی که زن از جا برخاست، عورتش نمایان شد، و همه خنده کردند و زن فریاد زد. در این وقت یک نفر مسلمان بر زرگر یهودی حمله برد و او را به قتل رسانید. در مقابل یهودیان بالای آن شخص ریختند و او را به شهادت رسانیدند. اقارب آن مسلمان بر مسلمانان صدا زدند؛ مسلمانان به خشم آمده و میان آنها و بنی قینقاع منازعهٔ شدیدی روی داد؛ وقتی رسول الله ﷺ از ماجرا اطلاع یافت، لشکری متشکل از مهاجرین و انصار را آماده ساخته و بر آنها هجوم برد. آن روز نیمهٔ ماه شوال سال دوم هجری بود.

محاصرهٔ بنی قینقاع

وقتی یهودیان از لشکر کشی پیامبر ﷺ اطلاع یافتند، به قلعه‌های خود پناه بردند، پانزده روز رسول الله ﷺ آنان را در محاصره گرفت. با ادامه یافتن محاصره، یهودیان از مقاومت مأیوس شده و مجبور گردیدند که به امر پیامبر ﷺ از قلعه‌های خود فرود آیند. رسول الله ﷺ در ابتدا دستور داد آنها را ببندند، سپس آنان را رها ساخته و به تبعیدشان از مدینه امر نمود. عبد الله بن اُبی، رهبر منافقان تلاش کرد با رسول الله ﷺ در مورد بنی قینقاع که همپیمان وی بودند، سخن بگوید تا از اخراج آنها منصرف شود، ولی پذیرفته نشد. زمانی

که موضوع کوچ دادن بنی قینقاع حتمی شد، رسول الله ﷺ به عبادۀ بن صامت رضی الله عنه فرمود که آنها را اخراج نماید.

بنی قینقاع بیشترین، دلاورترین، جنگاورترین و مسلح ترین یهودیان مدینه بودند، و به دنبال اخراج آنها بقیه یهودیان از بیم مسلمانان خاموشی و آرامش اختیار کردند.

قتل کعب بن اشرف

از رویدادهای مهم این سال، قتل کعب بن اشرف یهودی، از دشمنان سرسخت اسلام بود. وی به مکه رفت و قریش را به انتقام گیری از کشتگان جنگ بدر، تحریک نمود. علاوه بر آن با سرودن اشعار هجو آمیز به آنحضرت ﷺ نهایت گستاخی می کرد، که هر کدام این جنایات نقض عهد و خیانت بزرگ شمرده می شود جزای آن قتل است.

از این لحاظ پیامبر ﷺ به یاران خود صدا زد: کیست که برای قتل کعب بن اشرف برود؟ چون خدا و رسولش را اذیت می کند؟ محمد بن مسلمه و ابونائله رضی الله عنهما - که برادران رضاعی کعب بود حاضر شدند این کار را انجام دهند. این دو نفر مهارت زیادی به خرج دادند تا اینکه کعب بیرون آمد و در دهن دروازه خانه اش او را کشتند.

خبر کشته شدن کعب بن اشرف به سرعت انتشار یافت و همه بزرگان یهود در خوف افتادند.

فعالیت (۲)



شاگردان در مورد اخراج بنی قینقاع از مدینه بصورت گروهی مباحثه نمایند.

نگاهی به ازدواج پیامبر ﷺ با حفصه و ازدواج علی رضی الله عنه با فاطمه رضی الله عنهما

۱- در همین سال رسول الله ﷺ با حفصه بنت عمر رضی الله عنهما ازدواج کرد؛ حفصه قبلاً در نکاح خنیس بن حذافه رضی الله عنه بود، که در مدینه وفات کرد.

۲- همچنان در همین سال فاطمه با علی رضی الله عنهما ازدواج نمود علی رضی الله عنه روایت می کند: من به قصد خواستگاری فاطمه به خانه رسول خدا ﷺ رفتم، وقتی در پیش روی ایشان نشستم، سخت زیر تأثیر قرار گرفتم، سوگند به خدا جل جلاله نتوانستم از هیبت رسول الله ﷺ حرفی به زبان آورم؛ پرسید: برای چه آمدی؟ آیا حاجتی داری؟ سکوت کردم. فرمود: شاید به خواستگاری فاطمه آمده باشی؟ گفتم: بلی. پیامبر ﷺ فرمود: چیزی برای

مهر داری؟ گفتم: نه یا رسول الله. فرمود: زره خود را چه کردی؟ - علی رضی الله عنه می گوید: قسم به خدا این زره شکسته بود که بیش از چهار درهم قیمت نداشت - گفتم: نزد من هست. فرمود: فاطمه را به توبه نکاح دادم، کسی را بفرست تا آن زره را بیاورد، که مهر فاطمه باشد! رسول الله صلی الله علیه و آله برای جهیز فاطمه یک قطیفه، یک مشک و یک بالشت چرمی آماده ساخته بود.

آموزنی های درس

- - شکست بدر برای قریش بسیار آزار دهنده بود، از این رو همواره در فکر انتقام جویی بودند.
- - زندگی بی تکلف حضرت رسول صلی الله علیه و آله در امور عروسی و مهریه و غیره.
- - سیرت پیامبر صلی الله علیه و آله نمونه از آسانی در امور دینی می باشد و آسان گیری پیامبر صلی الله علیه و آله در امر ازدواج فاطمه با علی رضی الله عنهما یکی از مثالهای آسانی و یسر در زنده گی پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ارزیابی

- ۱ - بین غزوه بدر و احد، چند غزوه دیگر واقع شد، و مهمترین آنها کدام غزوه بود؟
- ۲ - رسول الله صلی الله علیه و آله چرا به اخراج یهود بنی قینقاع امر کرد؟
- ۳ - محاصره بنی قینقاع چه مدت دوام کرد؟
- ۴ - ازدواج فاطمه و علی رضی الله عنهما چگونه صورت گرفت؟

کارخانه گی

قصه خواستگاری و عروسی علی رضی الله عنه با فاطمه رضی الله تعالی عنها را در کتابچه خود نوشته و از نتیجه آن عملاً در زنده گی استفاده نمایید.

غزوهٔ احد (۱)

۱- انگیزه‌های غزوه

غزوهٔ احد، در واقع عکس العمل انتقام جویانهٔ قریش درمقابل شکست فاحش آنها در برابر سپاه اسلام در غزوهٔ بدر بود، و در کنار آن اسباب متعدد دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز قرار داشت که ذیلاً یاد آوری می‌گردد:

۱- سبب دینی: مشرکین قریش اموال خود را برای ایجاد مشکلات در راه نشر دعوت اسلام و ممانعت از اسلام آوردن مردم و از بین بردن مسلمین و دولت نوپای مدینه صرف می‌کردند؛ زیرا با انتشار اسلام در مکه، کیش بت پرستی قریش رونق خود را از دست می‌داد.

۲- سبب اجتماعی: شکست هولناک قریش در جنگ بدر، و کشته شدن بزرگان و رهبران آنان، داغ ننگینی بر جبین قریش بود، و آنان از این بابت احساس ذلت و سرافکندگی می‌کردند، بنابراین آن به مجرد بازگشت به مکه، برای جنگ مجدد با رسول الله ﷺ، به جمع آوری اموال آغاز کردند، تا حیثیت برباد رفته خود را اعاده نمایند. ابوسفیان کاروانی را که با خود سالم به مکه آورده بود - طبق معمول - در پیشروی دارالندوه توقف داد، و قریشیان تصمیم گرفتند که اموال آنرا برای آماده ساختن سپاهی برای جنگ با رسول الله ﷺ به مصرف برسانند.

۳- سبب اقتصادی: تحرکات سریه‌های مسلمانان در اطراف مدینه، بر اقتصاد قریش تأثیر منفی گذاشته، و قریش را در محاصرهٔ اقتصادی جدی قرار داد؛ زیرا اقتصاد قریش بر حرکت کاروان‌هایشان در مواسم زمستان و تابستان در میان یمن و بلاد شام، استوار بود که بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر همه در معرض خطر قرار گرفته بودند.

۴- سبب سیاسی: جایگاه و نقش رهبری کنندهٔ قریش در میان قبائل عرب، بعد از جنگ بدر زیر سوال رفته و رو به نابودی نهاده بود، بنابراین قریش باید زعامت و جایگاه پیشتازانهٔ خود را دوباره به دست می‌آورد.

اینها مهمترین عواملی بودند که قریش وادار شد تا از تمام نیرو و توان خود برای یک رویارویی نظامی با دولت جدید مدینه کار گیرد.

حرکت قریش از مکه به سوی مدینه

قریش تحت فرماندهی ابوسفیان بن حرب، با زنان و بردگان خود و همراه با قبائل عربی همجوار مکه و قبیله کنانه و اهل تهامه از مکه حرکت کردند. عباس کاکای پیامبر ﷺ که - به دستور ایشان - در مکه همه حرکات قریش را تحت نظر داشت، به آنحضرت ﷺ نامه فرستاد و در آن نوشت که سپاه قریش متشکل از سه هزار نفر جنگجو، دو صد اسب، هفت صد زره و سه هزار شتر و اسلحه بی شمار به قصد جنگ با شما حرکت کرده است. پیامبر ﷺ از حرکت قریش به کسی چیزی نگفت، و به کسانی که اطلاع داشتند، توصیه فرمود که این مطلب را مخفی نگهدارند. و بعد از اینکه معلومات خود را در باره سپاه قریش تکمیل کرد، یاران خود را جمع نموده و با آنها در این مورد مشورت کرد که آیا در مدینه تحصن گزیند و یا با آنها در خارج مدینه رو به رو شود؟

پیامبر ﷺ شخصا باقی ماندن در مدینه را با دلایل قناعت بخش ترجیح می داد، که این رأی اکثریت بود، ولی یک تعداد از جوانان صحابه، به ویژه آنهایی که در جنگ بدر اشتراک نداشتند، اصرار کردند که با کفار باید در خارج مدینه مقابله شود. در نهایت به نظر دوم عمل شد و رسول الله ﷺ داخل خانه گردیده و لباس جنگ به تن کرد. اینجا بود که مردم یکدیگر خود را ملامت کردند که چرا خلاف نظر آنحضرت ﷺ نظر دادند؛ حضرت حمزه رضی الله عنه را فرستادند تا به پیامبر ﷺ اطمینان دهد که هر آنچه می فرماید، اطاعت می شود، ولی رسول الله ﷺ در جواب فرمود: "هیچ پیامبری را سزاوار نیست که چون زره بر تن کند، آن را فرو نهد تا آنکه خداوند میان او و دشمنش فیصله کند."

رسول الله ﷺ بعد از آنکه تصمیم خروج از مدینه را اتخاذ کرد، در مدینه حالت فوق العاده عمومی را اعلان نمود، که همه برای جنگ آماده شدند صحابه کرام در تمام حالات، حتی در نماز و وقت خواب مسلح بودند، و برای پنجاه نفر از دلیران فرمان داد تا شبانه در مدینه گزرمه نمایند.

پلان پیامبر ﷺ برای رویارویی

برای رویارویی با مشرکین قریش، رسول الله ﷺ پلان محکم و دقیقی را طرح کرد. وی بعد از انتخاب موقعیت مناسب جنگی، پنجاه تیر انداز را تعیین کرد و به آنها سفارشهای شخصی صادر نمود؛ سپس سپاه خود را سه تقسیم کرد:

- ۱- قطعه مهاجرین که پرچم آن را به دست مصعب بن عمیر رضی الله عنه داد.
 - ۲- قطعه اوس، (انصار) که پرچم آن را به دست أسید بن حضیر رضی الله عنه سپرد.
 - ۳- قطعه خزرج (انصار) که پرچم آن را به دست حُباب بن منذر رضی الله عنه سپرد.
- این سپاه متشکل از هزار نفر بود که فقط صد تن از ایشان زره به تن داشتند و هیچ سواری در میان شان نبود.
- چون پیامبر ﷺ به منطقه شیخان رسید، سپاه خود را معاینه کرد و چهارده نفر نوجوانانی را که صلاحیت جنگیدن را نداشتند، باز گردانید.

رویارویی دو سپاه

پیامبر ﷺ نماز بامداد را در منطقه " شوط " که به دشمن بسیار نزدیک بود و دو لشکر یکدیگر خود را می دیدند، اداء نمود. در همین جا عبد الله بن ابی نافرمانی از دستور پیامبر ﷺ را آغاز کرد و با سه صد نفر پیروان خود به بهانه اینکه پیامبر به نظر من - که بقا در مدینه بود - عمل نکرد، به مدینه بازگشت. این یک بهانه بود و هدف اصلی این منافق تضعیف روحیه سپاه اسلام و تقویه مورال سپاه قریش بود. پیامبر ﷺ با هفتصد تن از مسیر " حرّه " راه خود را به طرف احد گشود و از جانب شرقی اردوگاه مشرکین در دره احد برکناره بیابان فرود آمد.



پیامبر ﷺ چرا بقا در مدینه را بر رویارویی در خارج مدینه ترجیح می داد؟ نظر بدهید.

آموختنی‌های درس

- - شکست قریش در جنگ بدر، اثر ناگواری بر زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی قریش بجا گذاشت آنان همواره در صدد اعاده حیثیت و هیبت از دست رفته خود بودند.
- - پیامبر ﷺ بر اهمیت اطلاعات دقیق از دشمن واقف بود، و در این مورد کسانی را گماشته بودند.
- - اهمیت شورا در اسلام، و اصل احترام به فیصله اهل مجلس.
- - علاقه مندی اطفال مسلمان برای جهاد، و شفقت آنحضرت ﷺ بر خرد سالان.
- - شورا یکی از اصول نظام خانواده گی، اجتماعی و سیاسی اسلام است و سیرت پیامبر ﷺ نمونه عملی تطبیق شورا در زنده گی مسلمانان است. عمل کردن به شورا راه را برای استبداد و خود کامه گی می بندد.

ارزیابی

- ۱ - انگیزه‌های جنگ احد را به طور مختصر بیان دارید؟
- ۲ - تعداد سپاه مسلمانان و مشرکان از نظر افراد و سلاح چگونه بود؟
- ۳ - در شورایی که پیامبر ﷺ با صحابه در باره نحوه مقابله با دشمن داشتند، چه فیصله شد؟
- ۴ - پیامبر ﷺ سپاه اسلام را چند تقسیم کرد؟ نام ببرید.



کارخانه گی

آیا سپاه اسلام و قریش از نظر افراد و اسلحه باهم برابر بودند؟ توضیح این سوال را در کتابچه خود بنویسید.

غزوه أُحُد (۲)

۲- پیامبر ﷺ در میدان معرکه

پیامبر ﷺ بعد از اینکه سپاه خود را در منطقه شیخان معاینه کرد، نوجوانانی را که صلاحیت جنگیدن را نداشتند، بازگردانید، و سپس سپاه خود را به سه دسته تقسیم نمود، شب را سپری نموده و اندکی قبل از طلوع سپیده دم به سوی احد حرکت کرد.



کوه أُحُد

نقشه دفاع و وضع الجیش سپاه اسلام

در احد رسول الله ﷺ سپاه را آماده ساخت و پنجاه تن از زبده ترین تیراندازان را برگزیده و تحت فرماندهی عبدالله بن جُبیر رضی الله عنه قرار داد و دستور صادر کرد که بالای کوهی که بعدها به نام "جبل الرُّمّة" شهرت یافت، مستقر شوند.

هدف از استقرار این گروه، دفاع عقبی از سپاه اسلام در مقابل نیروی سواره دشمن بود تا از عقب بر مسلمانان هجوم نبرند. رسول اکرم ﷺ به آنها تأکید فرموده بود که: "اگر دیدید ما کشته می شویم، ما را یاری نکنید، و اگر دیدید غنیمت می گیریم، به همکاری ما نیایید، و اگر دیدید پرندگان ما را می ربایند، جایگاه تان را ترک نکنید، اگر دیدید سپاه آنان را شکست دادیم و پایمال کردیم، جایگاه تان را رها نکنید تا آنکه کسی را به نزد شما بفرستم".

پیامبر ﷺ مُنذر بن عَمرو را به فرماندهی جناح راست، زبیر بن عوام را به فرماندهی

جناح چپ تعیین فرمود. زیر وظیفه داشت در برابر سواران خالد بن ولید - که در آن زمان مشرک بود - پایداری کند و در پیشاپیش صفوف سپاه نیز گروهی از دلیرمردان مسلمان را که در دلاوری و جنگ آوری شهرهٔ زمان خود بودند، توظیف نموده بود. سپس پیامبر ﷺ در حالی که دو زره به تن کرده بود، یاران خود را به کارزار تشویق فرمود و به پایداری ترغیب نمود.

سازماندهی لشکر مکه

مشرکین لشکر خویش را مطابق نظام معمول، آراستند، فرمانده عمومی سپاه ابوسفیان، صخر بن حرب بود که در قلب سپاه قرار داشت، فرماندهی جناح راست را خالد بن ولید و فرماندهی جناح چپ را عکرمه بن ابی جهل و فرماندهی سربازان پیاده را صفوان بن امیه به دوش داشتند. ابوسفیان از مصیبتی که در جنگ بدر بر اهل مکه واقع شده بود، یاد آوری نمود و آنان را به پایداری تشویق کرد. شماری از زنان قریش به رهبری "هند بنت عتبّه" همسر ابوسفیان دف زنان در میان صفوف سپاه قریش می گشتند و غیرت مردان را بر می انگیزتند.



شاگردان عزیز! هدف پیامبر ﷺ از تأکیدات مکرر به گروپ جبل الرماة چه بود؟ این موضوع را باهم مناقشه کنید.

نخستین شرارهٔ جنگ

دو لشکر به یکدیگر نزدیک شدند و اولین برافروختهٔ آتش جنگ، پرچمدار مشرکین طلحه بن ابی طلحه بود که دلیرترین سواران قریش به شمار می رفت. وی سوار بر شتر به میدان آمد و مبارز طلبید. زیر بن عوام رضی الله عنه - پسر عمهٔ پیامبر ﷺ - به سویش شتافت و مانند شیر بر شترش جهید و او را سرنگون بر زمین افکند و با شمشیر سرش را از تن جدا کرد.

آتش جنگ شعله ور گردید و نبرد در سراسر میدان جنگ میان دو سپاه به شدت آغاز شد. ده تن از دلاوران قریش که پرچم سپاه مکه را یکی پی دیگری به دوش می کشیدند، همه کشته شدند. شش تن آنان از یک خانواده (خانوادهٔ ابو طلحه بن عبدالله بن عثمان) بودند. بعد از هلاکت این ده تن، دیگر کسی از این خانواده باقی نماند تا پرچم را به دوش

بکشد، از این رو صواب، غلام حبشی آنها پرچم را برداشت و بیشتر از آقایانش شجاعانه جنگید تا اینکه دستانش قطع گردید، اما نگذاشت پرچم به زمین بیفتد، پرچم را به سینه و گردن گرفت تا که کشته شد.

دلیرمردان مسلمان در هر جای معرکه، سپاه شرک را درهم شکستند؛ و حضرت حمزه رضی الله عنه مانند شیر خشمگین با شجاعت و بی باکی بی نظیر بر قلب مشرکین می تاخت.

شهادت شیر خدا، حمزه رضی الله عنه

طُعیمه بن عدی، کاکای جُبیر بن مطعم یکی از کشتگان جنگ بدر بود، جُبیر به وحشی بن حرب، غلام حبشی خود - که در نیزه اندازی مهارت کامل داشت - گفت: اگر در مقابل کاکایم حمزه را بکشی آزاد هستی. وحشی به دنبال حمزه رفت و خود را در پشت درخت یا سنگی پنهان کرد تا اینکه حمزه رضی الله عنه نزدیک شد. وحشی به شدت تمام، نیزه را به جانب وی پرتاب کرد، نیزه به زیر ناف حمزه رضی الله عنه اصابت نمود و از میان پاهایش بیرون آمد و لحظاتی بعد جان به حق سپرد. با وجود شهادت حمزه رضی الله عنه که یک ضاعه بزرگ برای مسلمانان بود، سپاه اسلام در همه عرصه ها غلبه داشتند و دلاوران اسلام مردانه جنگیدند و اراده مشرکین را درهم شکستند و نیروی شان را از هم گسیختند.

سواران سپاه مکه به فرماندهی خالد بن ولید، سه بار کوشیدند که به جناح چپ سپاه اسلام هجوم ببرند، ولی دسته تیراندازان جبل الرماة جلوی آنها را گرفته و آنان مجبور به عقب نشینی نمودند.

سپاه مشرکین که از نظر تعداد و تجهیزات به مراتب بیشتر از سپاه اسلام بود، در برابر ایمان راستین و روحیه فداکاری مسلمانان شکست خورد و از میدان جنگ عقب نشینی و فرار نمود. در این وقت مسلمانان شمشیرها را غلاف کرده و به جمع آوری غنیمت پرداختند.

اشتباه فاجعه بار تیر اندازان

در لحظاتی که سپاه کوچک اسلام پیروزی قاطع به دست آورده بود، اکثریت دسته تیر اندازان خطای هولناکی را مرتکب شدند، که وضعیت جنگ را کاملاً دگرگون ساخت، و زیانهای سنگینی بر مسلمانان وارد گردید.

تیراندازان - علی رغم توصیه های مؤکد و مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله - همین که دیدند دشمن فرار کرد و مسلمین به جمع آوری غنائم پرداختند، به گمان اینکه مسلمانان پیروز شده و جنگ

پایان یافته است محل خود را ترک کردند؛ عبد الله بن جُبیر فرمانده تیر اندازان، اوامر پیامبر ﷺ را به یاد شان آورد و گفت فرموده رسول خدا را از یاد نبرید؛ ولی اکثریت قاطع آنان اعتنایی نکردند و عبد الله بن جبیر فقط با نه نفر در محل باقی ماندند و تصمیم گرفتند بدون اجازه پیامبر ﷺ و تا سرحد شهادت جایگاه خود را رها نکنند.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! با وجود تأکید پیامبر ﷺ مبنی بر پایداری در جبل الرماة، تیراندازان چرا محل خود را رها کردند؟

آموختنی‌های درس

- - پیامبر ﷺ از بزرگترین طراحان نقشه جنگ بود که سپاه خود را در جنگ احد طوری آرایش داده بود که مجرب‌ترین فرمانده نظامی نمی‌تواند در آن شرایط بهتر از آن را انجام دهد.
- - مسلمانان مکلف به اطاعت از امیر اند، نافرمانی از اوامر رهبر و فرمانده فاجعه بار می‌آورد، و عواقب ناگوار آن را نه تنها دامنگیر افراد، بلکه همه امت می‌شود.

ارزیابی

- ۱ - هدف پیامبر ﷺ از جابجایی مجاهدین در جبل الرماة چه بود؟
- ۲ - فرمانده سپاه قریش و فرمانده قوای سواره آن چه نام داشتند؟
- ۳ - اشتباه فاجعه بار مسلمانان در جنگ احد چه بود؟
- ۴ - حضرت حمزه رضی الله عنه را چه کسی شهید کرد؟



کارخانه گی

راجع به اهمیت اطاعت از اوامر و فرمان رهبر، یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

غزوة اُحد (۳)

۳ - تحوّل یک پیروزی به شکست

بعد از اینکه مسلمانان شمشیرها را غلاف کرده و به جمع آوری غنائم آغاز نمودند، و از سوی دیگر اکثریت تیراندازان فرمان رسول الله ﷺ را نادیده گرفته و جایگاه خود را رها کردند، وضعیّت جنگ کاملاً دگرگون شد.

حملة خالد بن ولید

خالد بن ولید این فرصت طلایی را غنیمت شمرده و برق آسا به جبل الرماة یورش برد، و بعد از به شهادت رساندن عبد الله بن جبیر و همراهانش، به عقب سپاه اسلام دور زد. سپاه شکست خورده مکّه، با دیدن این تحوّل، جان تازه ای یافت و به سوی مسلمانان برگشت و مسلمانان از دوطرف در محاصره مشرکین قرار گرفتند. پیامبر ﷺ که در قلب سپاه خود قرار داشت، با آواز بلند مسلمانان را به سوی خویش خواند.

چون مسلمین در محاصره افتادند، گروهی از آنها کاملاً روحیه خود را باخته بودند و برای حفظ جان خود، پای به فرار نهادند و تا مدینه رسیدند و یا به بالای کوه پناه بردند، گروهی دیگر با مشرکین در آویختند. مسلمین دچار بی نظمی فراگیر شدند، حیران و سرگردان مانده نمی دانستند به کدام طرف بروند. در این هنگام ابلیس لعین فریاد کشید: "محمد کشته شد!"

با شنیدن این صدا، بعضی از مسلمانان روحیه خود را باختند، ولی دلیرمردانی بودند که نور ایمان شان دل تاریکی ها را شکافت و زندگی بعد از پیامبر ﷺ را هیچ و بی ارزش پنداشتند و تا پای جان رزمیدند و روحیه از دست رفته مسلمانان را اعاده کردند.

همین که ثابت شد شائعه مرگ پیامبر ﷺ دروغ بوده است، روح تازه ای در مسلمانان به وجود آمد و توانستند خود را از حلقه محاصره دشمن برهانند.

گروه سوم سپاه اسلام، کسانی بودند که جز به سلامت پیامبر ﷺ نمی اندیشیدند. این گروه در آغاز محاصره نزد رسول الله ﷺ بازگشتند که در پیشاپیش آنها علی بن ابی

طالب، ابوبکر، عمر بن خطاب، طلحه بن عبید الله و سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنهم - قرار داشتند.

تمرکز جنگ پیرامون پیامبر ﷺ

زمانی که سپاه اسلام در محاصره قرار داشت، جنگ در نزدیکی آنحضرت ﷺ شدت گرفت در این هنگام با پیامبر ﷺ به جز نه نفر نبود، و چون آنحضرت ﷺ مسلمانان را فراخواند، مشرکان صدای ایشان را شناختند و پیش از اینکه از سپاه اسلام کسی خود را به پیامبر ﷺ برساند، مشرکین با تمام قوا به سوی ایشان حمله ور شدند و میان این گروه نه نفری و مشرکین جنگ سختی در گرفت و صحابه پیامبر نمونه‌های کم نظیری از محبت با پیامبر خدا و فداکاری و قهرمانی به نمایش گذاشتند.



شاگردان در مورد پیروزی مسلمانان در احد، و اینکه چرا به شکست مبدل شد باهم مباحثه نمایند.

لحظات دشوار در زنده‌گی پیامبر ﷺ

هفت تن از همراهان انصاری آنحضرت ﷺ در جلو روی ایشان به شهادت رسیدند، و فقط دو یار قریشی (طلحه بن عبید الله و سعد بن ابی وقاص) با ایشان باقی ماندند. این دشوارترین ساعات زندگی آنحضرت و برای مشرکین یک فرصت طلایی بود که از آن استفاده اعظمی نمودند؛ عتبه بن ابی وقاص سنگی به سوی پیامبر ﷺ پرتاب کرد که دندان رُباعی راست تحتانی آن مبارک شکست و لب زیرین ایشان را مجروح ساخت. عبد الله بن شهاب زهری روی مبارک آنحضرت را مجروح کرد و عبدالله بن قَمِئَه با شمشیر ضربتی بر شانه آنحضرت وارد کرد، اما چون دو زره بر تن داشت، شمشیر نتوانست آن دو زره را بشکافد، سپس بر رخسار ایشان ضربت شدید زد، چنانکه دو حلقه از حلقه‌های کلاه زرهی (خُود) به رخساره مبارک ایشان فرو رفت.

در این شکی نیست که هدف قریش از بین بردن پیامبر ﷺ بود، ولی آن دو دلیر مرد قریشی - سعد و طلحه رضی الله عنهما - قهرمانی کم نظیری از خود نشان دادند و با دلاوری

بی نظیری جنگیدند و با اینکه دو تن بیش نبودند، اما نگذاشتند مشرکین به هدف شوم خود برسند.

در این لحظات خطرناک، خداوند جَلَّالَهُ برای حفاظت آنحضرت صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو فرشته مقرب خود (جبرئیل و میکائیل) را فرستاد که از پیامبر صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دفاع کردند. رحمت عالمیان صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این لحظات رنج آور، به جای طلب آفت و مصیبت، به دشمنان سنگدل خویش دعای خیر کرده فرمود: "خداوندا! قوم را بیمارز، زیرا آنها نمی دانند؛ خدایا! قوم را هدایت فرما، زیرا آنها نمی دانند."

جمع شدن صحابه پیرامون رسول اکرم صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

یاران برگزیده آنحضرت که در جنگ در پیشاپیش صفوف مسلمانان قرار داشتند، با شنیدن فراخوان آنحضرت صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شتابان خود را به وی رسانیده و دیدند که پیامبر صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زخم برداشته است و هفت تن از انصار شهید شده اند. نخستین کسی که به پیامبر صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید، ابوبکر صدیق و ابو عبیده بن جراح - رضی الله عنهما - بودند.

دسته یی از قهرمانان مسلمان، از جمله: علی بن ابی طالب، ابو دُجانه، مُصعب بن عُمیر، سهل بن حُنَیف، مالک بن سِنان، اُم عَمَّاره (نُسیبه بنت کعب) قتاده بن نعمان، عمر بن خطاب، حاطب بن ابی بلتعه و ابوطلحه - رضی الله عنهم - پیرامون آنحضرت صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرد آمدند. ابو دجانه و ابوطلحه همچون دیوار جلو روی آنحضرت صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایستاده و سینه خود را در برابر حملات دشمن سپر کرده بودند تا پیامبر صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از اصابت تیرها محافظت نمایند.

آموختنی های درس

- - جنگ احد یک آزمون بزرگ پروردگار برای مسلمانان بود.
- - وجوب اطاعت امیر در چیزیکه معصیت نباشد
- - ثبوت فضیلت آن عده یاران پیامبر صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در میدان جنگ مقاومت کردند.
- - پیامبر صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شجاعت خود بی نظیر بود، در لحظاتی که همه دچار خوف شده بودند، او چون کوه استوار و مقاوم باقی ماند.



- ۱- چرا پیروزی لشکر اسلام در اُحد به شکست مبدل شد؟
- ۲- اشاریکه بر آنحضرت ﷺ حمله ور شدند، چه نام داشتند، و چه اعمال ناروایی انجام دادند؟
- ۳- نخستین کسی که از جمله صحابه به آنحضرت ﷺ در میدان جنگ رسید، کی بود؟
- ۴- آن دو صحابی قریشی که با هفت تن انصاری از آنحضرت دفاع می کردند، چه نام داشتند؟



کارخانه گی

در مورد درس ها و اندرزه های غزوه احد مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

غزوه اُحد (۴)

۴ - شکستادن محاصره

مُصعب بن عمیر رضی الله عنه بیرق دار سپاه اسلام، بعد از مقاومت بی نظیر به شهادت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرق را به علی بن ابی طالب رضی الله عنه داد که او هم با مردانگی زیاد جنگید و بقیه اصحاب که در آنجا حضور داشتند، نیز با دلاوری کم نظیری به جنگ و دفاع پرداختند؛ بدین ترتیب پیامبر صلی الله علیه و آله توانست با سپاه خویش از حلقه محاصره خود را نجات دهند.

مثله کردن شهیدان

مشرکین از وضع پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاعی نداشتند و تقریباً به این یقین بودند که وی به قتل رسیده است، لذا به قرارگاه خویش برگشتند و آماده بازگشت به مکه شدند. عده‌یی از مردان و زنان مشرکین به اجساد شهدای مسلمین رو آورده و آنان را با قطع کردن گوش و بینی و دیگر اعضای بدن مثله کردند. هند بنت عتبّه، جگر حضرت حمزه رضی الله عنه را بیرون کشید و با دندان جوید، و زنان دیگر از گوش و بینی شهداء، برای خویش پای زیب و گردن بند ساختند!

چون مشرکان کاملاً آماده بازگشت شدند، ابوسفیان در تعقیب مومنان بر کوه برآمد و فریاد کشید: آیا محمد در میان شما است؟ مسلمانان پاسخ ندادند؛ گفت: آیا پسر ابوقحافه (ابوبکر صدیق رضی الله عنه) در میان شما است؟ باز هم سکوت کردند. باز گفت: آیا عمر بن خطاب در میان شما است؟ باز هم پاسخی نیافت؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را از پاسخگویی منع کرده بود. اما عمر که نتوانست خویشتن داری کند، گفت: ای دشمن خدا، آنانی را که نام بردی، همه زنده اند، خداوند جل جلاله آنچه را که دوست نمی داری، پایدار داشت. ابوسفیان بعد از تبادل چند سوال و پاسخ با مسلمانان، با سپاه خود راه بازگشت در پیش گرفتند، و وعده رویارویی در سال آینده را در بدر گذاشتند.

مراسم به خاکسپاری شهداء

رسول خدا صلی الله علیه و آله خود بر جنازه شهداء حضور یافت، و به آن دسته از صحابه که شهدای خود را برای دفن کردن به مدینه برده بودند، دستور داد تا آنان را به احد بازگردانند و

شهداء را با لباسهای شان بدون غسل، در محلی که به شهادت رسیده بودند، به خاک سپرد.

آنحضرت ﷺ دو یا سه تن را در یک قبر می‌نهاد و گاهی دو مرد را در یک جامه می‌پچانید.

پیامبر ﷺ با دیدن پیکر سید الشهداء حمزه رضی الله عنه - که کاکا و برادر رضاعی ایشان بود - بسیار اندوهگین شد و گریست و امر فرمود که وی را با عبد الله بن جحش - که خواهر زاده و برادر رضاعی حمزه - رضی الله عنهما بود - یکجا دفن کنند.

بازگشت به مدینه

چون رسول خدا ﷺ از دفن شهداء فارغ شد، به سوی مدینه بازگشت. شامگاه همان روز که هفتم شوال سال سوم هجری بود وارد مدینه گردید.

تلفات جنگ اُحد برای مسلمانان بسیار سنگین بود، هفتاد تن به شهادت رسیدند که اکثریت قاطع آنها (۶۵ نفر) از انصار بودند؛ اما کشتگان مشرکین سی و هفت تن ذکر شده است.

مسلمانان پس از بازگشت از غزوۀ اُحد، شب را با وجود خستگی به حالت آماده باش سپری کردند، و از راه‌های ورودی مدینه، و از فرمانده اعلاّی لشکر اسلام (پیامبر ﷺ) شدیداً مراقبت و پاسداری کردند.

غزوۀ حمراء الاسد

رسول خدا ﷺ شب را در اندیشهٔ جنگ به سر برد و متوجه بود که مبادا مشرکین ملتفت شوند که از پیروزی به دست آمده در میدان جنگ استفادهٔ درست نکرده اند و ناگزیر برای جنگ، بار دیگر برگردند، از این رو پیامبر ﷺ تصمیم گرفت لشکر مکه را تعقیب کند. فردای آن پیامبر ﷺ مردم را برای برخورد مجدد با دشمن فراخواند و فرمود: جز آنانی که در جنگ اُحد حضور داشته اند، با ما بیرون نیایند. پیامبر ﷺ با مسلمانانی که با ایشان بودند، از مدینه حرکت کرد و به منطقهٔ حمراء الاسد رسید که در هشت میلی (تقریباً ۱۵ کیلومتری) مدینه واقع است و در آنجا توقف کرد. پیامبر ﷺ در یک جنگ روانی، معبد بن ابی معبد خزاعی را - که تازه مسلمان شده بود - فرستاد تا ابوسفیان را از

ادامه جنگ منصرف سازد.

نگرانی پیامبر ﷺ از بازگشت سپاه قریش کاملاً بجا بود؛ زیرا آنان هنگامیکه در منطقه روءاء فرود آمدند، یکدیگر را سرزنش کردند و تصمیم گرفتند تا بر مدینه هجوم ببرند اما پیش از آنکه ابوسفیان سپاهش را از قرارگاه حرکت بدهد، معبد - که ابوسفیان از اسلام آوردنش بی خبر بود - به ایشان رسید؛ ابوسفیان پرسید از جایی که آمدی چه خبر داری؟ معبد گفت: محمد با یارانش از مدینه بیرون آمده و سپاه عظیمی در تعقیب شماست، و پیش از آنکه قرارگاهت را ترک کنی، پیش قراولان لشکر او به تو خواهند رسید. ابوسفیان گفت: به خدا تصمیم داریم که بازگردیم و آنان را ریشه کن سازیم. معبد گفت: چنین ممکن که من خیرخواه تو هستم. عزم سپاه مکه سست شد، تشویش و هراس بر ایشان مستولی گردید و بازگشت به مکه را ترجیح دادند.

رسول خدا ﷺ سه روز در آنجا اقامت گزید و سپس به مدینه بازگشت.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! برداشت شما از عوامل مثله کردن شهدا از طرف مشرکین و لشکر کشی پیامبر ﷺ به حمراء الاسد چیست؟

آموختنی‌های درس

در واقعه احد و آزمایشهای که دامنگیر مسلمانان شد، حکمتهایی موجود است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- - آشنا ساختن مسلمانان به بد فرجامی نافرمانی از اوامر رسول ﷺ، زیرا تیراندازان محل خود را که پیامبر ﷺ فرمان داده بود، ترک کردند.
- - پیامبران - علیهم السلام - و پیروان ایشان همیشه مورد آزمون خداوند ﷻ قرار گرفته اند. حکمت الهی چنین است که اگر آنان همواره پیروز شوند، کافران نیز به جمع مؤمنین می‌پیوندند و کسانی که در ایمان خویش صادق اند، از سایرین شناخته نمی‌شوند. همچنان اگر انبیاء علیهم السلام پیوسته شکست بخورند، هدف بعثت آنان برآورده نمی‌گردد؛ از این رو حکمت الهی اقتضاء دارد که در کار پیامبران شکست و پیروزی هر دو وجود داشته

باشد.

● - چهره منافقان قبل از جنگ اُحد، پنهان بود، اما هنگامی که این ماجرا رخ داد، منافقان گفتار و کردار خویش را به صراحت آشکار ساختند، و مسلمانان دریافتند که در خانه خود دشمنان کینه توزی دارند، و باید از ایشان اجتناب کنند و برای مقابله با آنان آماده باشند.

● - در برخی موارد تأخیر در نصرت و مدد الهی، سبب نوعی مبارزه با خواهش‌های نفس و شکستن کبر و غرور است. از این رو هنگامی که مسلمین مورد ابتلای خداوند ﷻ قرار گرفتند، صبر و پایداری اختیار کردند؛ اما منافقان ناشکیبایی پیش گرفتند.

● - اراده خداوند ﷻ بر آن رفته بود که دشمنان خود را هلاک سازد، از این رو شرایطی را فراهم آورد که سرکشی دشمنان خدا ﷻ در برابر اولیایش منجر به نابودی آنان گردد.

● - رشادت و پایداری اصحاب کرام در دفاع از اسلام و حمایت از پیامبر ﷺ دلیل دیگری بر عظمت و بزرگی صحابه کرام و نقش آنان در نشر اسلام و دعوت توحید می باشد.



ارزیابی

- ۱ - پیامبر ﷺ چگونه توانست از حلقه محاصره کفار رهایی یابد و به یاران خود برسد؟
- ۲ - شهدای اُحد چگونه دفن شدند؟
- ۳ - تلفات انسانی دو طرف جنگ اُحد چند نفر بود؟
- ۴ - حمراء الاسد در کجا واقع است و پیامبر ﷺ چرا به آنجا رفت؟
- ۵ - دو حکمت از حکمت‌های الهی در غزوه احد را بیان کنید.



کارخانه گی

آموختنی‌های غزوه احد را خلاصه کرده در کتابچه‌های خود بنویسید.

نقش زنان مسلمان در غزوه اُحد

در جنگ اُحد زنان مسلمان در کنار مردان مجاهد، فعالانه سهم گرفتند، که در این درس مختصراً بدان اشاره می‌شود:

حضور فعال زنان مسلمان در غزوه اُحد

غزوه اُحد، نخستین جنگی بود که زنان مسلمان با بعهدہ گرفتن وظیفه آبرسانی به جنگجویان مجاهد و پرستاری زخمیها در آن اشتراک ورزیدند. برعلاوه کار آبرسانی و پرستاری، در این جنگ از جمله صحابیات زنان قهرمانی بودند که وارد میدان کارزار شدند و با شمشیر و کمان دلیرانه در مقابل مشرکین جنگیدند. از جمله زنان اشتراک کننده در غزوه اُحد، می‌توان از ام المؤمنین عائشه، ام عماره، حمّنه بنت جَحش، ام سُلَیط، ام سُلَیم و یک زن انصاری رضی الله عنهنّ یاد کرد؛ که پیامبر ﷺ و خلفای راشدین آنها را به دیده قدر می‌نگریستند.

- روزی امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه به زنان مدینه جامه تقسیم می‌کرد، یک جامه باقی ماند، بعضی از حاضرین گفتند: ای امیر المؤمنین! این را برای همسرت، مقصد شان ام کلثوم بنت علی رضی الله عنه بود - عطا کن؛ عمر رضی الله عنه گفت: ام سُلَیط مستحق تر است؛ زیرا وی از جمله زنان انصار، و از زمره کسانی بود که با رسول الله ﷺ بیعت نموده بودند، و در روز اُحد برای ما مشک‌های پر از آب می‌آورد.

- انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند: وقتی مردم در روز اُحد شکست خورد، رسول الله ﷺ را رها کردند، من عائشه بنت ابوبکر و ام سُلَیم (مادر خود) را دیدم که دامن برزده بودند مشک‌ها را به پشت خود انتقال می‌دادند و آب را در دهن مردمان می‌ریختند و بر می‌گشتند دوباره آنها را پر از آب می‌نمودند و می‌آمدند و آب در دهن مردمان می‌ریختند.

- حمّنه بنت جَحش رضی الله عنها تشنگان را سیراب و مجروحان را مداوا می‌کرد؛ همچنان ام ایمن رضی الله عنها به مجروحین آب می‌داد.

- صفیه بنت عبد المطلب عمه رسول الله ﷺ - هنگامی که مسلمانان از مشرکان شکست

خوردند، و بسیاری آنها از معرکه فرار کردند - نیزه در دست گرفته به میدان آمد و برای تقویۀ روحیه مسلمانان تلاش ورزیدند.

ام ایمن با یک گروه از فراریان جنگ رو به رو شد و به روی آنها خاک پاشیده چنین سرزنش می کرد: این دوک را بگیر وبا آن چرخه بریس!

-ام عماره (نُسیبه بنت کعب) روایت می کند: اول روز از مدینه خارج شدم تا ببینم مردم چه می کنند، با خود مشکی پر از آب داشتم. به پیامبر ﷺ رسیدم که در میان یاران خود بود و مسلمانان در وضعیت جنگی خوبی قرار داشتند و غلبه با مسلمانان بود. وقتی که مسلمانان شکست خوردند، به خاطر دفاع از پیامبر ﷺ برگشتم و به جنگ پرداختم و از پیامبر ﷺ با شمشیر دفاع می نمودم و با کمان تیر می انداختم تا اینکه خودم زخم برداشتم.

در این جنگ ام عماره رضی الله عنها بدون سپر می جنگید، پیامبر ﷺ به مردی که فرار می کرد و با خود سپر داشت، امر کرد سپرش را برای ام عماره بپندازد؛ ام عماره سپر را گرفت، و آن را در جهت حمایت و دفاع از رسول الله ﷺ به کار برد.

عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت می کند: "از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: هیچ گاهی (در احد) به راست و چپ خود متوجه نشدم، مگر اینکه می دیدم ام عماره در نزدیکی ام، به دفاع از من می جنگد."

در این جنگ ام عماره دوازده زخم برداشت، ولی زخمی که از ابن قمنه در گردن خورد، بزرگترین آنها بود که تا یکسال آن را تداوی می کرد.

درس‌هایی از صبر و شکیبایی زنان در غزوه احد

- پس از پایان جنگ احد، صفیه رضی الله عنها به میدان معرکه آمد تا از نزدیک برادرش، حمزه را ببیند؛ پیامبر ﷺ به زُبیر بن عوام (پسر صفیه) فرمود: او را ببین، و بازگردان تا برادرش را به این حالت نبیند. زُبیر رضی الله عنه گفت: مادر! پیامبر ﷺ تو را امر کرده که برگردی؛ صفیه گفت: چرا؟ به من اطلاع رسیده که برادرم مثله شده است؛ این در راه خداست، این چه بهتر و مایه رضامندی ماست، قطعاً ثواب آن را از خداوند تعالی می خواهم و صبر می کنم ان شاء الله.

وقتی زُبیر برگشت و به رسول الله ﷺ اطلاع داد، فرمود: بگذارش! صفیه آمد و به حمزه

نگریست و نماز جنازه ادا کرد و آیه استرجاع (انا لله وانا اليه راجعون) را خواند و برایش طلب آمرزش نمود.

- هنگامی که رسول الله ﷺ به مدینه برگشت، حمنه بنت جحش رضی الله عنها با ایشان رو به رو شد، مردم به وی خبر مرگ برادرش، عبد الله بن جحش را دادند. حمنه آیه استرجاع خواند و برایش طلب آمرزش کرد، بعد از آن خبر مرگ مامایش، حمزه بن عبد المطلب را دادند که باز هم آیه استرجاع خواند و برایش طلب مغفرت کرد؛ سپس خبر مرگ شوهرش، مصعب بن عمیر رضی الله عنه داده شد که این بار چیغ زد، فغان و شیون سرکشید؛ پیامبر ﷺ فرمود: "شوهر نزد همسرش از جایگاه خاصی برخوردار است".

- از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است: رسول الله ﷺ بر زنی از قبیله بنی دینار گذر کرد که شوهر، برادر و پدرش در جنگ احد کشته شده بودند، هنگامی که به این زن خبر مرگ آنها داده شد، گفت: به پیامبر خدا ﷺ چه رسیده است؟ گفتند: خیریت است مادر فلان! پیامبر ﷺ به فضل خداوند همان طوری که دوست داری، در عافیت است؛ گفت: به من او را نشان دهید تا به او بنگرم؛ به پیامبر ﷺ اشاره کردند تا اینکه آن زن او را بدید و گفت: هر مصیبتی بعد از تو (رسول الله ﷺ) کوچک و نا چیز است.

- همسر عمرو بن جموح رضی الله عنهما با یک شتر باردار از میدان جنگ برگشت، عائشه رضی الله عنها و همراهانش پیش روی او رفتند؛ عائشه گوید: ما به این زن نزدیک شدیم و گفتیم: چه خبر است؟ گفت: خداوند از پیامبر ﷺ دفاع کرد و از مؤمنان شهید گرفت و کافران را خشمناک برگرداند که دستاوردی نداشتند، خداوند متعال قتال را از مؤمنان باز داشت، بیگمان خداوند متعال قوی و غالب است.

سپس به شتر خود امر فرود آمدن داد، که فرود آمد؛ به او گفتیم: این (بار) چیست؟ گفت: برادرم و شوهرم هستند!

آموختنی‌های درس

- اگرچه بار جنگ را عاداتا مردان بدوش می‌کشید، و زنان در ترتیب امور منزل و تربیه فرزندان و پیشبرد امور زندگی سهم می‌گرفتند، ولی صحابیات فراتر از وظیفه عادی خویش با مردان به میدان جنگ آمده و همچون مردان نقش ادا کردند.

● - زنان صدر اسلام با فهم درست از نقش زن در اسلام، دوشادوش مردان برای پیشبرد امور دعوت اسلامی و دفاع از آن فعالانه سهم گرفتند؛ زن امروز هم می تواند چنان عمل کند.

● - امهات المؤمنین و صحابیات پیامبر ﷺ الگو و نمونه های اند برای زنان و دختران مسلمان که باید با اقتدا به ایشان در نشر اسلام و کار دعوت سهم فعال داشته باشند.

● - زن مسلمان باید به زیور علم و اخلاق آراسته شده و مانند صحابیات پیامبر ﷺ همگام و همراه با مردان در خدمت اسلام و امت اسلامی باشد.

● - کامیابی و شکست بدست الله متعال است اما مسلمانان مکلف به آماده گی و بکار گرفتن اسباب و وسایل مادی و معنوی در مقابله با دشمن می باشند.

● - وحدت صف مسلمانان و اجتناب از اختلاف و افتراق یکی از عناصر اساسی برای پیروزی در مقابله با دشمن می باشد.

● - معصیت و نافرمانی از قیادت زمینه شکست در برابر دشمن را فراهم می سازد.

● - روی آوردن به طرف مال و متاع دنیا سبب شکست مسلمانان می شود.

● - مسلمانان باید در میدان نبرد از خود ثابت قدمی و صبر نشان دهند.



ارزیابی

- ۱ - زنان مسلمان در جنگ اُحد چه نقشی ایفاء می کردند؟
- ۲ - یک نمونه از نبرد مسلحانه زنان در جنگ اُحد و یک نمونه از صبر زنان را بیان دارید.

۳ - برخی از صحابیات را که در جنگ اُحد اشتراک داشتند، نام ببرید؟



کارخانه گی

آیا زن مسلمان امروز می تواند نقشی مانند نقش زنان صدر اسلام بازی کند؟ راجع به این موضوع یک مقاله بنویسید.

مهمترین رویدادها در فاصله غزوهٔ اُحد و خندق (۱)

ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت خزیمه

عبدالله بن جحش، پسر عمهٔ آنحضرت ﷺ در جنگ اُحد به شهادت رسید و از خود بیوه‌ای بجا گذاشت، به نام زینب بنت خزیمه، که پیامبر ﷺ او را به نکاح خود درآورد. زینب در زمان جاهلیت به نام "أُمُّ الْمَسَاكِين" شهرت داشت؛ زیرا فقراء و مساکین را طعام می‌داد. وی بعد از هشت ماه، در زمان حیات آنحضرت ﷺ وفات کرد - رضی الله عنها.

ازدواج پیامبر ﷺ با ام سلمه

هند بنت ابی اُمیه (أُمُّ سَلَمَه) قبلاً همسر پسر کاکایش، ابوعبد الله (ابوسلمه) بن عبد الاسد بود. این زن و شوهر از جملهٔ مسلمانانی بودند که دو بار هجرت کردند، بار اول به حبشه و سپس به مدینه منوره. هنگامی که ابوسلمه به اثر جراحات وارده در جنگ اُحد به شهادت رسید، ام سلمه نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ابوسلمه وفات کرد؛ رسول الله ﷺ فرمود: "بگو خداوندا او را بیامرز و به عوض وی شخص صالح‌تر نصیب بفرما!" ام سلمه گوید: همان بود خداوند برایم کسی بهتر از ابوسلمه عوض داد و آن محمد ﷺ بود.

عمر بن ابوسلمه گوید: "وقتی عدت شرعی، أُمُّ سَلَمَه سپری شد، ابوبکر رضی الله عنه او را خواستگاری نمود که أُمُّ سَلَمَه نپذیرفت، بعداً عمر رضی الله عنه خواستگار شد که او را نیز قبول

نکرد، سپس رسول الله ﷺ کسی را نزد ام سلمه فرستاد و از او خواستگاری فرمود ام سلمه به طیب خاطر پذیرفت.

حکمت در ازدواج پیامبر ﷺ با ام سلمه

منظور پیامبر ﷺ از ازدواج با ام سلمه صفات ستوده و نیک ام سلمه رضی الله تعالی عنها بود. اگر به عمق نظر این بانوی اسلام در صلح حدیبیه دقت شود، واضح می گردد که وی از خردمندترین زنان قریش بود، مشوره حکیمانه او در صلح حدیبیه، از بروز یک مشکل در تاریخ اسلام جلوگیری کرد؛ علاوه بر آن ام سلمه از شریف ترین خاندانهای قریش بود که پیامبر ﷺ خواست با پیوند خویشاوندی، حمایت آنها را جلب نموده و آنان را به اسلام ترغیب نماید.

ام سلمه از میان امهات المؤمنین (همسران پیامبر ﷺ) آخرین زنی بود که در سال ۶۱ هجری وفات کرد، و با وفات ایشان آخرین چراغ از چراغهای خاندان نبوت خاموش شد.

ولادت حسن بن علی رضی الله عنهما

در ماه شعبان سال چهارم هجری، حسن بن علی - رضی الله عنهما - به دنیا آمد، و هنوز یک سال کامل از ولادت حسن رحمته الله علیه نگذشته بود که حسین رحمته الله علیه تولد شد. پیامبر ﷺ اسمای حسن و حسین را بر نواده های خویش گذاشت و سپس در گوش وی آذان گفت.

مکلف ساختن زید بن ثابت رضی الله عنه به فراگیری زبان عبری

در همین سال رسول الله صلی الله علیه و آله به زید بن ثابت رضی الله عنه امر کرد که خط عبری (یهودان) را بیاموزد، تا اگر آنها نامه یی می نویسند، به رسول الله صلی الله علیه و آله قراءت کند. زید بن ثابت رضی الله عنه در پانزده روز خواندن و نوشتن خط عبری را فراگرفت.

آموختنی های درس

- ازدواج با بیوه های شهدای احد، بیانگر قدر و منزلت آنان در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد.
- - در هیچ یک از ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله انگیزه شهوانی وجود نداشت، بلکه در عقب تمام ازدواج های آنحضرت صلی الله علیه و آله اهدافی انسانی، اخلاقی، اسلامی، اجتماعی و سیاسی قرار داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله با ایجاد پیوند خویشاوندی در صدد بدست آوردن حمایت قبائل، ترغیب آنان به اسلام و مراعات خاطر دل شکستگان بود.
- - نام گذاری فرزندان باید به نامهایی شود که به خوبی و نیکویی دلالت می کنند از انتخاب نامهای که معنای منفی دارند باید اجتناب شود.
- - فراگیری زبان بیگانه، اگرچه زبان دشمن باشد امری ضروری است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که زبان مردمی را فرا می گیرد، از شر آنها در امان می ماند.
- - نقش خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله خصوصاً امهات المؤمنین رضی الله تعالی عنهن در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله نشر دعوت اسلام و روایت برخی بزرگی از احادیث نمایانگر مقام والای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه مهم آنان در نزد مسلمانان است. دوستی و احترام آل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از علامات ایمان بشمار می رود.



۱- زینب بنت خزیمه و اُمّ سلمه رضی الله عنهما چه کسانی بودند، و هدف پیامبر ﷺ از ازدواج با آنها چه بود؟

۲- حسن و حسین - رضی الله عنهما - در کدام سالها به دنیا آمدند؟

۳- رسول الله ﷺ کدام صحابی را به آموختن زبان عبری امر فرمود؟

۴- آخرین کسی که از جمله امهات المؤمنین وفات کرد، کی بود؟ و در کدام سال وفات کرد؟



کارخانه گی

راجع به اهمیت دلداری از بازماندگان شهداء یک مقاله در کتابچه‌های خود بنویسید.

مهمترین رویدادها در فاصله غزوهٔ اُحد و خندق (۲)

الف - سریّهٔ رجیع

در ماه صفر سال چهارم هجری، گروهی از قبیلهٔ عَصَل و قاره به حضور پیامبر ﷺ رسیدند و از ایشان تقاضا کردند که یک تعداد یاران خود را با ایشان بفرستد، تا برای آنان قرآن بخوانند و احکام دین را بیاموزانند. پیامبر ﷺ شش و یا ده تن از صحابه را با ایشان فرستاد، وقتی که آنان به منطقهٔ رجیع (چشمه ای میان رابع و جده) رسیدند. در اینجا این خیانتکاران از قبیلهٔ هُذَیل بر ضد مسلمانان یاری خواستند، و مسلمانان را در محاصره در آوردند و بعد از اینکه مسلمانان از تسلیم شدن ابا ورزیدند، هفت تن آنها را شهید نمودند و سه نفر باقی مانده (حُبیب و زید بن دثنه رضی الله عنهما و یک تن دیگر) را اسیر گرفتند. حُبیب و زید را به مکه بردند و در آنجا فروختند؛ زیرا این دو، در جنگ بدر شماری از بزرگان قریش را کشته بودند. حُبیب رحمه الله مدتی زندانی بود و هنگامی که کفار ارادهٔ قتل او را کردند، با مردانگی کم نظیری به استقبال مرگ شتافت و یک سرموی از عقیده خویش و دوستی پیامبر ﷺ کوتاه نیامد.

اما زید بن دثنه رحمه الله را صفوان بن امیه خرید و او را به انتقام پدرش به قتل رسانید. در کتب سیر، کرامات و امور خارق العاده ای از این مردان پاکباز آمده است - رضی الله تعالی عنهم.

فعالیت (۱)



شاگردان در مورد آثار غزوهٔ اُحد و پیامدهای آن باهم مباحثه نمایند.

ب - سریّهٔ بئر معونه

در همین ماهی که فاجعهٔ رجیع روی داد، فاجعهٔ دیگری نیز به وقوع پیوست که به مراتب

از حادثه رجیع دلخراش تر بود، و در تاریخ اسلام به نام بئر معونه یاد می شود؛ و فشرده داستان آن چنین است: "ابوبراء عامر بن مالک" در مدینه به حضور پیامبر ﷺ رسید. آنحضرت او را به اسلام دعوت کرد، ولی او نه اسلام آورد و نه از آن دوری گزید. وی به رسول الله ﷺ گفت: یا رسول الله! اگر یارانت را به سوی مردم نجد بفرستی که آنان را به دینت فراخوانند، امید دارم ایمان بیاورند. پیامبر ﷺ نسبت به امنیت و حیات ایشان ابراز نگرانی کرد، ولی ابوبراء اطمینان داد. پیامبر ﷺ چهل و یا هفتاد تن از نیکان مسلمانان و قاریان قرآن را با وی همراه ساخت تا اینکه به بئر معونه (منطقه ای میان بنی عامر و حره بنی سلیم) فرود آمدند. سه قبیله بنی سلیم به نامهای رعل و ذکوان و عَصِیّه اصحاب پیامبر ﷺ را در محاصره کشیدند، و مسلمانان تا آخرین رمق حیات مردانه جنگیدند و بقیه بجز یک نفر به شهادت رسیدند.

خبر شهادت این هفتاد تن مصیبتی بزرگ بود؛ رسول الله ﷺ از شنیدن این فاجعه و مصیبت رجیع، سخت اندوهگین شد، و سی روز در نماز صبح در قنوت بر قبائل رعل و ذکوان و لِحِیان و عَصِیّه نفرین می فرستاد.

ج - غزوه نجد

در سال چهارم هجری، غزوه نجد به وقوع پیوست. این غزوه بعد از غزوه بنی نضیر - که در آینده در مورد آن خواهید خواند - روی داد و پیروزی مسلمانان بر یهود بنی نضیر، و منافقین مدینه را ناگزیر ساخت تا از نیرنگبازی آشکار دست بردارند. پیامبر ﷺ با استفاده از این فرصت تصمیم گرفت برای سرکوبی اعراب بادیه نشینی که بعد از جنگ احد با داعیان مسلمان خیانت کرده و آنها را به قتل رسانیده بودند، اقدام نماید؛ اما قبل از آن، به آنحضرت اطلاع رسید که عربهای بادیه نشین بنی مُحارب و بنی ثعلب مربوط قبیله "عَطَفان" تصمیم حمله بر مدینه را دارند؛ بنابراین پیامبر ﷺ بی درنگ سپاهی را آماده ساخت و به بیابانهای نجد فرستاد. اعراب به خوف افتادند، و از مقابله با مسلمانان شانه خالی کرده به قله های کوهها پناه بردند.

د- غزوه بدر دوم

در شعبان سال چهارم هجری، رسول الله ﷺ با هزار و پنجاه تن از اصحاب خود و ده اسب از مدینه به قصد بدر برای مقابله با مشرکین مکه حرکت کرد. ابوسفیان نیز با دو هزار تن از مشرکین قریش و پنجاه اسب از مکه خارج شد و در یک منزلی آن در منطقه "مر الظهران" فرود آمد.

ابوسفیان که با دل نا خواسته از مکه بیرون آمده بود، از جنگ با پیامبر ﷺ خوف و نگرانی داشت؛ او خشکسالی را بهانه قرار داده بدون هیچ مخالفت از جانب سپاه، به مکه بازگشت. مسلمانان در بدر هشت روز در انتظار دشمن بسر بردند و پس از آن پیروزمندانه به مدینه برگشتند.

هـ - غزوه دومة الجندل

رسول خدا ﷺ بدنبال بازگشت از غزوه بدر دوم، شش ماه در مدینه اقامت گزید. در این ایام گزارش رسید که قبائل اطراف دومة الجندل (منطقه ای در نزدیکی شام) راه کاروانها را می گیرند و اموال عابرین را چپاول می نمایند، و علاوه بر آن آمادگی حمله بر مدینه را دارند. پیامبر ﷺ با هزار تن از یاران خود در ۲۵ ربیع الثانی سال پنجم هجری، از مدینه بیرون آمدند، شبها مخفیانه راه می پیمودند و روزها پنهان می شدند، تا دشمن را غافلگیر نمودند. قبائل دومة الجندل به هر سو فرار کردند و مواشی آنها به غنیمت مسلمانان در آمد؛ پیامبر ﷺ بعد از چند روز اقامت در دومة الجندل، به مدینه برگشت.

پیامبر ﷺ با این اقدامات سریع و قاطع، و با این برنامه حکیمانه خود در گسترش امنیت و صلح در منطقه و تسلط بر اوضاع و تغییر شرائط به نفع مسلمانان توفیق یافت. همچنان در نتیجه مساعی ایشان منافقین خاموش و سست شدند، یک قبیله یهود (بنی نضیر) ناگزیر به ترک مدینه گردید، و سایر یهودان به حقوق همسایگی و رعایت عهد و پیمان پایبند ماندند، عربهای بدوی و قریش از مسلمانان مرعوب گردیده و دست از شرارت بر علیه آنها برداشتند و مسلمانان فرصت یافتند برای نشر و تبلیغ اسلام تلاش نمایند.

آموختنی‌های درس



- - غزوات و لشکر کشی‌های پیامبر ﷺ به مناطق و قبائل مختلف جنبه دفاعی داشت.
- - پیامبر ﷺ تلاش می‌کرد همیشه ابتکار عمل در جنگها را داشته باشد، و قبل از حمله دشمن، آنها را غافلگیر نماید.
- - فرستادن صحابه به مناطق دور دست خارج از مدینه برای تبلیغ اسلام و نشر دعوت دلیل اهمیت و جایگاه مهم دعوت و تبلیغ در دین اسلام می‌باشد.
- - دعوت در راه خدا مستلزم دادن قربانی‌ها و قبول تکالیف و زحمات است.



ارزیابی

- ۱ - سبب اصلی فرستادن سریه رجیع چه بود، و ماجرا چگونه خاتمه یافت؟
- ۲ - در بئر معونه چه واقع شد، پیامبر ﷺ بر کدام قبائل در نماز صبح یک ماه قنوت می‌خواند و آنان را نفرین می‌کرد؟
- ۳ - سبب غزوه بدر ثانی چه بود؟ مختصراً بیان دارید.



کارخانه‌گی

راجع به نقض و خیانت کفار در حق داعیان اسلام یک مقاله بنویسید.

تلاش یهود بنی نضیر برای قتل پیامبر ﷺ

شکست مسلمانان در جنگ احد، یهودان مدینه را - که بعد از قتل کعب بن اشرف دچار ترس شدید شده بودند - امیدوار ساخت؛ و بار دیگر به شیوه‌های دسیسه سازی و فریبکاری خود بازگشت نموده و به جمع آوری اسلحه و تجهیزات حربی در قلعه‌های خود آغاز کردند و سپس تصمیم ترور آنحضرت ﷺ را از طریق غدر و خیانت اتخاذ نمودند.

اسباب و انگیزه‌های جنگ

غزوه بنی نضیر بعد از غزوه احد واقع شد، اسباب و عوامل زیاد داشت، که عمده ترین آنها امور ذیل می‌باشد:

۱- پیمان شکنی

بنی نضیر تعهد کرده بودند که در منطقه خود، دشمنان مسلمانان را پناه ندهند، آنها نه تنها این عهد را نقض کردند، بلکه ابوسفیان را برای حمله بر مدینه تشویق نموده و وی را از نقاط ضعیف مدینه آگاه ساختند و به رهنمایی آنان ابوسفیان با دو صد سوار بر مدینه حمله کرد.

۲- سعی برای ترور پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ با یک تعداد از صحابه وارد منطقه بنی نضیر شد تا از آنها برای ادای دیت دو نفر از قبیله بنی عامر که به اثر اشتباه عمرو بن امیه ضمری کشته شده بودند، کمک بخواهد. قبلاً میان پیامبر ﷺ و آنها پیمانی پیرامون تأدیه دیات عقد شده بود. بنی نضیر از پیامبر ﷺ با بسیار خوشرویی و پیشانی باز استقبال کردند، سپس در میان خود خلوت کرده و در مورد چگونگی قتل پیامبر ﷺ به مشوره پرداختند. بالاخره توافق کردند از بالای دیواری که رسول الله ﷺ در نزدیکی آن نشسته بود، بالای ایشان سنگ آسیاب را پرتاب نمایند. از جانب پروردگار ﷻ وحی آمد و رسول خود را از تصمیم شوم یهود بنی

نضیر آگاه ساخت؛ پیامبر ﷺ از جا برخاست و به سرعت به مدینه برگشت. اینجا بود که تصمیم جنگ با بنی نضیر را اتخاذ کرده و برای آنها هشدار داد که در خلال ده روز از مدینه خارج شوند. پیامبر ﷺ برای اطلاع این تصمیم به بنی نضیر، محمد بن مسلمة رضی الله عنه را فرستاد و فرمود: "برو برای یهود بنی نضیر بگو که رسول الله ﷺ مرا نزد شما فرستاده است و می گوید: از سرزمین من خارج شوید؛ زیرا بعد از این که تصمیم خیانت با من را گرفتید، عهد و پیمان را نقض کردید. برای شما ده روز مهلت می دهم، اگر بعد از ده روز کسی از شما دیده شود، گردن او را می زنم."

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! پیامبر ﷺ با وجود پیمان با یهود، چرا تصمیم حمله بر علیه آنان را اتخاذ کرد؟ درین مورد با هم مباحثه نمایید.

در این جریان عبد الله بن ابی بن سلول منافق، کسی را نزد بنی نضیر فرستاد و پیام داد که: ثابت قدم باشید و مقاومت کنید، اگر با شما جنگ شود، ما در کنار شما جنگ خواهیم کرد و اگر شما اخراج شوید، ما هم خارج می شویم؛ از مدینه خارج نشوید که من دو هزار قوم و دیگر اعراب را با خود دارم؛ پس در مدینه باقی بمانید، این دو هزار نفر با شما داخل قلعه هایتان خواهند شد و قبل از رسیدن مسلمانان، در کنار شما خواهند مرد. دلهای بنی نضیر از این پیام قوت گرفت و "حیی بن اخطب" رئیس آنها به پیامبر ﷺ پیام داد که ما منطقه خود را رها نمی کنیم و هر چه دلت می خواهد، انجام بده. پیامبر ﷺ و صحابه تکبیر گفتند و سپس فرمودند: با یهود می جنگم.

ده روز مهلت داده شده سپری شد و بنی نضیر از مدینه خارج نشدند. سپاه اسلام به جانب آنها حرکت کرد و منطقه آنان را مدت پانزده روز تحت محاصره قرار داد. پیامبر ﷺ امر فرمود که نخلستانهای آنها آتش زده شود؛ زیرا آنها به مالها و مزارع خود بسیار دلبستگی داشتند و بعد از سوختاندن نخلستانها، حماس و انگیزه آنها برای جنگیدن ضعیف گردید و چغ و فریاد سر دادند. بر دلهای آنان ترس و نا امیدی غلبه کرد و به این یقین رسیدند که بجز ترک مدینه چاره ای ندارند؛ بنی نضیر به پیامبر ﷺ نماینده

فرستاده و تقاضای اعطای مهلت اضافی کردند تا بتوانند از مدینه خارج شوند؛ پیامبر ﷺ به پیشنهاد آنها موافقت کرده فرمود: هر کدام شما فقط می‌تواند یک بار شتر از اسباب خانه با خود ببرد، به استثنای زره و سلاح؛ بنی‌نضیر به این حکم رضایت دادند. بنی‌نضیر - در نتیجه ناامیدی و حسد - بامها و دیوارهای منازل خود را ویران کردند تا مسلمانان از آن استفاده ننمایند و همچنان مقادیر هنگفتی از طلا و نقره را با خود برداشته و با ششصد شتر به سوی خیبر حرکت کردند که بعداً یک تعداد راهی شام گردیدند و برخی دیگر در خیبر باقی ماندند.

تمام اجراءات اخراج بنی‌نضیر به امر رسول خدا ﷺ و تحت نظر محمد بن مسلمة رضی الله عنه صورت گرفت. قرآن کریم تفصیل این رویداد را، چون احکام فیئ (مالی که از کفار بدون جنگ به دست سپاه اسلام می‌افتد)، موارد مصرف فیئ، موقف منافقین در قبال بنی‌نضیر، بیان معنویات یهود، ترس و ناامیدی آنها، تخریب خانه‌هایشان بدست خود آنها، نابودی مملکات، بیان فضیلت مهاجرین و انصار و... در سوره حشر بیان داشته است.

اموالی که از بنی‌نضیر بجا ماند و همانند آن، در شریعت اسلام فیئ گفته می‌شود که تصرف در آن صرفاً حق پیامبر ﷺ و یا زمامدار مسلمین می‌باشد رسول الله ﷺ اموال گرفته شده از یهودان بنی‌نضیر را برای رفع حاجت مالی مسلمانان به خصوص مهاجرین مصرف نمود تا بار انصار از این ناحیه سبک شود.

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! مال غنیمت و فیئ از هم چه فرق دارند؟ بیان دارید.

آموختنی‌های درس

- - غدر و نقض عهد از خصلت‌های قدیمی یهود است.
- - در غزوه بنی‌نضیر آغازگر جنگ یهودان بودند، و حمله پیامبر ﷺ یک واکنش در برابر خیانت بود.
- - اگر ثابت شود که از بین بردن اموال و مزارع دشمن در جریان جنگ از قتل بیشتر و

طولانی شدن جنگ جلوگیری می نماید، جایز است تا به چنان کاری متوسل شد. ولی باید در نظر داشت که در غیر این حالت پیامبر ﷺ مجاهدین را از تلف کردن مزارع و درختان دشمن در جریان جنگ منع نموده است.

●- فیئ و غنیمت از هم فرق دارند، در غنیمت مجاهدین سهم معین دارند، اما مصرف فیئ از صلاحیت پیشوای مسلمانان است.



ارزیابی

- ۱- اسباب و انگیزه غزوه بنی نضیر چه بود؟
- ۲- پیامبر ﷺ چرا به دیار بنی نضیر رفته بود؟
- ۳- بعد از اینکه غدر و خیانت بنی نضیر ثابت گردید، پیامبر ﷺ چه تصمیم اتخاذ کرد؟
- ۴- بنی نضیر بعد از خروج از مدینه به کدام سو رفتند و با خود چه بردند؟



کارخانه گی

در قرآن کریم راجع به غزوه بنی نضیر چه مسائلی بیان شده است؟ موضوع را با مراجعه به تفسیر سوره مبارکه حشر مختصراً بنویسید.

غزوه ذات رقاع

اکثریت علمای سیرت به این نظر اند که غزوه ذات الرقاع در سال چهارم هجری، یک و نیم ماه بعد از اخراج بنی نضیر صورت گرفته است.

سبب غزوه

پیامبر ﷺ هفتاد نفر از یاران خود را برای دعوت اسلام به قبائل بادیه نشین فرستاد، اما قبیله‌های نجد عهد خود را شکستانده و بر آن داعیان حمله بردند و همه را به شهادت رسانیدند. از سوی دیگر به پیامبر ﷺ اطلاع داده شد که قبائل بنی محارب و بنی ثعلبه مربوط قبیله غطفان آماده گوی جنگ با رسول الله ﷺ را دارند، بنابراین پیامبر ﷺ با چهارصد و یا هفتصد جنگجو به جانب آنها شتافت. با رسیدن رسول الله ﷺ به سرزمین قبائل مذکور، همه ترسیده پا به فرار نهادند، زنان، کودکان، اموال و مواشی خود را رها کرده و خود به قله‌های کوهها پناه بردند.

مشروعیت نماز خوف

در اثنای جنگ با قبائل مذکور، وقت نماز فرارسید، مسلمانان خوف داشتند اگر مشغول نماز شوند، مبادا دشمن ناگهانی بر آنها حمله نماید، بنابراین رسول خدا ﷺ با صحابه نماز خوف اداء کردند، به گونه ایکه یک دسته از مسلمانان با پیامبر ﷺ در نماز صف بستند و دسته دیگر در مقابل دشمن در سنگر قرار گرفتند. پیامبر ﷺ با دسته اول یک رکعت نماز خواند، آنها رفتند و دسته دوم آمد و پیامبر ﷺ یک رکعت دیگر را با آنها خوانده و نماز خود را تمام کرد و سلام داد، سپس هر کدام آن دو دسته یک یک رکعت نماز باقی مانده

خود را خوانده سلام دادند؛ به این ترتیب پیامبر ﷺ و هر دسته فقط دو دو رکعت نماز خواندند. یا اینکه رسول الله ﷺ با هر کدام آنها دو دو رکعت نماز خواند؛ که نماز پیامبر چهار رکعت و از دیگران دو دو رکعت شد و دو دو رکعت را به تنهایی اداء نمودند. مشروعیت نماز خوف، دلالت به اهمیت فوق العاده نماز در اسلام دارد که حتی در جریان رویارویی با دشمن و در قلب میدان معرکه نباید مورد سهل انگاری قرار گیرد.

فعالیت (۱)

شاگردان عزیز! حمله پیامبر ﷺ بر قبائل غطفان تهاجمی بود و یا دفاعی؟ نظر خود را با استدلال بیان دارید.

این جنگ به خاطری غزوه ذات رفاع نامیده شد؛ که سپاه اسلام برای اجتناب از گرمی، در پاهای خود پارچه و تکه بسته بودند، و یا اینکه در آن منطقه به همین نام درختی وجود داشت.

شجاعت فوق العاده پیامبر ﷺ

زمانی که رسول الله ﷺ از غزوه ذات رفاع به جانب مدینه بر می گشت، با سپاه خود در یک وادی پر از بته‌های خار فرود آمد. صحابه برای استراحت در سایه‌های درختان پراکنده شدند و پیامبر ﷺ هم زیر سایه درختی نشست و شمشیر خود را در شاخه آن آویزان نمود.

جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت می کند: مدتی خوابیدیم که ناگاه رسول خدا ﷺ ما را خواست؛ نزد وی آمدیم و در حضور ایشان یک مرد اعرابی (صحرا نشین) نشسته بود.

رسول الله ﷺ فرمود: من خواب بودم که این مرد شمشیرم را گرفته بود، بیدار شدم، متوجه شدم که شمشیر برهنه در دست وی قرار دارد؛ گفتم: کیست که ترا از دست من نجات دهد؟ گفتم: الله!! در روایتی آمده که وقتی پیامبر ﷺ فرمود که خدا مرا حفاظت می کند شمشیر از دست آن مشرک به زمین افتاد و پیامبر ﷺ شمشیر را گرفت و به او گفت: چه کسی ترا حفاظت می کند؟ گفت هیچ کس. پیامبر ﷺ او را بخشید و مجازات نکرد.

در این واقعه دلائل نبوت آنحضرت ﷺ، دلاوری فوق العاده، نیروی یقین و شکیبایی ایشان در مقابل رنجها و بردباری آنجناب ﷺ در برابر جاهلان آشکار است.

همچنان این واقعه نشان آن است که پروردگار جهانیان ﷻ از ذات مبارک آنحضرت ﷺ حمایت می کند؛ زیرا که خداوند حفاظت آن حضرت را تضمین کرده است و آیه ذیل مصداق آن است:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ {المائدة: ۶۷} یعنی: ای فرستاده خدا! هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، آنرا به تمام و کمال و بدون هیچگونه خوف و هراسی، به مردم برسان، اگر چنین نکنی، رسالت خدا را نرسانده ای، و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) کافران و اذیت و آزار مردمان محفوظ می دارد، و خداوند گروه کافران را هدایت نمی نماید

فعالیت (۲)

شاگردان عزیز! از واقعه اعرابی و پیامبر ﷺ چه فهمیدید؟ برداشت خود را بیان کنید.

آموختنی‌های درس

- - غزوه ذات رقاع، یک حمله دفاعی بود و برای سرکوبی قبائلی براه انداخته شد که با مسلمانان غدر و خیانت کرده بودند.
- - نماز یک فریضة بسیار مهم در شریعت اسلام است که در حالات دشوار جنگی، مریضی و سفر پر مشقت هم از عهده انسان ساقط نمی‌گردد.
- - پیامبر ﷺ شجاع ترین مردمان بود، و همچنان مهربان ترین و باگذشت ترین آنها که حتی با دشمنی که به قصد قتل وی شمشیر به دست گرفته، مهربانی کرد و انتقام نگرفت.
- - محمد مصطفی ﷺ همیشه در سایه عنایت خداوند ﷻ قرار داشت، و او تعالی حیات ایشان را تضمین نموده بود.



ارزیابی

- ۱ - علما در باره تاریخ غزوه ذات رقاع چه گفته اند؟
- ۲ - سبب غزوه ذات رقاع چه بود، و چرا آن را ذات رقاع نامیده اند؟
- ۳ - نماز خوف چرا مشروع گردید، و چگونه ادا می‌شود؟
- ۴ - آیا اهداف غزوه ذات رقاع بدست آمد؟



کارخانه‌گی

برداشت خود را از داستان اعرابی و پیامبر ﷺ طی یک مقاله بنویسید که از شش سطر کم نباشد.

غزوة بنی مصطلق

به آنحضرت ﷺ اطلاع رسید که حارث بن ابی ضرار رئیس قبیله بنی مصطلق، همراه با قومش و تعداد بیشماری از اعرابی که به او پیوسته بودند برای جنگ با رسول الله ﷺ آماده شده اند، پیامبر ﷺ برای تحقیق صحت این خبر بریده بن حصیب اسلمی را نزد رئیس قبیله بنی مصطلق فرستادند تا از تصمیم آنان آگاه شوند، بریده بر گشته خبر را تأیید نموده و آنحضرت ﷺ را در جریان امور قرار داد.

خروج پیامبر ﷺ همراه اصحاب از مدینه

چون پیامبر ﷺ از تصمیم قبیله بنی مصطلق اطلاع یافتند اصحاب شان را به سرعت فراخوانده غرض مقابله با دشمن از مدینه خارج شدند.

حارث بن ابی ضرار جاسوسی را فرستاد تا خبر لشکر مسلمانان را به وی بیاورد، ولی مسلمانان جاسوس دشمن را دستگیر نموده به قتل رسانیدند.

وقتی خبر کشتن جاسوس مشرکان به حارث و همراهانش رسید، عرب‌هایی که همراه وی بودند، پراکنده شدند، مسلمانان در مریع (اسم چشمه ای است در وادی قدید) رسیده و آماده جنگ و حمله شدند، مسلمانان صف بسته بودند و ساعتی میان مسلمانان و مشرکان تیر اندازی شد، سپس رسول الله ﷺ دستور دادند تا مسلمانان همچون یک تن، به یک بارگی بر مشرکان حمله برند، همان بود که مسلمانان در این حمله به پیروزی دست یافتند و دشمن شکست خورد.

فعالیت (۱)

شاگردان در باره اسباب غزوة بنی مصطلق باهم مباحثه نمایند.

فتنه آفرینی منافقین در غزوه بنی مصطلق

منافقین به سرکردگی عبدالله بن ابی پیش از غزوه بنی مصطلق کینه شدیدی نسبت به اسلام و مسلمانان در سینه می‌پروراندند.

وقتی پیامبر ﷺ با اصحاب شان عزم غزوه بنی مصطلق کردند منافقان نیز همراه مسلمین حرکت نمودند، و به مصداق آیه (۴۷) سوره توبه، منافقان جز ایجاد شر و فساد هدف دیگری نداشتند، درین غزوه نیز تبلیغات زشتی را بر ضد آنحضرت ﷺ به راه انداختند و در دو زمینه این شر و فساد را بر افروختند:

۱- بر افروختن آتش اختلاف در میان مسلمانان

پیامبر ﷺ وقتی از غزوه بنی مصطلق فارغ شدند در نزدیکی چشمه مریع اقامت نمودند و دو تن یکی از جمله مهاجرین و دیگری از مردم انصار بر سر آب از همدیگر سبقت گرفتند و با هم درگیر شدند و هر دو، قوم خود را صدا کردند، هرچند پیامبر ﷺ پس از شنیدن این سخن فرمودند: (آیا همدیگر را به جاهلیت فرا می خوانید در حالی که من در میان شما هستم؟ ترکش کنید؛ زیرا این دعوت، دعوتی نفرت انگیز است).

عبد الله بن ابی بن سلول در میان قومش بود و موضوع را دامن زده و گفت: (به خدا سوگند هر گاهی به مدینه باز گشتیم، عزیزترین افراد، خوارترین آن را از آن بیرون خواهند کرد) زید بن ارقم که در آن مجلس بود، سخنان گستاخانه ابن ابی را به اطلاع پیامبر ﷺ رسانید.

پیامبر ﷺ برای جلوگیری از وقوع فتنه دستور دادند تا لشکر فوراً از آنجا به صوب مدینه حرکت نماید. پیامبر ﷺ برای اینکه در صف مسلمانان اختلاف و حرج و مرج ایجاد نشود با سیاست حکیمانه از مجازات ابن ابی خودداری فرمود ولی پسر ابن ابی یعنی عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول پدرش را بخاطر حرف نادرستی که گفته بود از داخل شدن به مدینه ممانعت کرد پیامبر ﷺ به وی اجازه داخل شدن به مدینه را دادند.

آنچه زید بن ارقم به پیامبر ﷺ خبر داده بود توسط نزول وحی تایید شد: ﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (المنافقون - ۸)

۲- حادثه افک

پیامبر ﷺ در این غزوه عائشه رضی الله عنها را با خود همراه داشتند، چون از غزوه برگشتند در صحرائی غرض رفع خستگی رحل اقامت افکندند، عائشه رضی الله عنها برای قضای حاجت بیرون رفت و در هنگام برگشت متوجه شد گردن بندی که از خواهرش به عاریت

گرفته بود، گم شده است. از این رو دو باره به موضعی که آنرا گم کرده بود، برگشت. کاروان مسلمانان حرکت کرد، و آنانی که هودج (کجاوه) را حمل می کردند به تصور اینکه عائشه رضی الله عنها در آن است، آنرا بر شتر نشاندند. عائشه رضی الله عنها پس از یافتن گردن بند به منزلگاه لشکر آمد ولی کسی را نیافت و در جای خویش نشست و تصور نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله حتماً بر می گردند، او به خواب رفت، در این حال صفوان بن معطل رضی الله عنه که از عقب لشکر می آمد عائشه رضی الله عنها را دید و شناخت، با گفتن (انا لله و انا الیه راجعون) صفوان، عائشه رضی الله عنها بیدار شد، صفوان شترش را نزدیک عائشه رضی الله عنها خوابانید و او بر شتر سوار شد و دیگر سخنی نگفت، به همین خاطر منافقین به اُم المؤمنین عائشه رضی الله تعالی عنها تهمت نا روا بستند.

این خبر میان مردم شایع شد، در مدینه عبدالله بن ابی بن سلول و دوستانش در گسترش و شایع ساختن این خبر تلاش کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله خاموش بود و نزول وحی مدتی قطع گردید، آنحضرت صلی الله علیه و آله با اصحاب خویش مشوره کردند که آیا از عائشه جدا شوند یا خیر؟ هر کدام از یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله نظری در رابطه ابراز داشت، اما عائشه رضی الله عنها نسبت بیماری ای که داشت از موضوع افک بی اطلاع بود، وقتی او از موضوع واقف گردید، برای پیامبر صلی الله علیه و آله از موضوع یاد آور شد، آنحضرت صلی الله علیه و آله برایش فرمودند: ای عائشه رضی الله عنها در مورد توبه من اخباری چنین و چنان رسیده است، پس اگر بی گناه باشی خداوند تعالی به زودی برائت را نازل خواهد فرمود، و اگر مرتکب گناهی شده باشی در پیشگاه خدا توبه کن و از او آمرزش بخواه، زیرا هرگاه بنده به گناهش اقرار کند و سپس در پیشگاه خدا توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد. پس از لحظاتی وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله خندیدند و گفتند: ای عائشه! خداوند ترا (از آنچه دیگران تو را به آن متهم می کردند) برائت داد.

به این ترتیب پس از یکماه برائت عائشه رضی الله عنها نازل گشت و منافقین رسوا شدند.

فعالیت (۲)

شاگردان به کمک استاد محترم مضمون در مورد خطرهای نفاق در جامعه باهم مباحثه نمایند.

آموزش‌های درس



- - توجه به خطر منافقین در ایجاد فتنه و اختلاف در میان مسلمانان.
- - حفظ وحدت و یکپارچگی داخلی مسلمانان و بکارگیری شیوه‌های حکیمانه از طرف زعامت مسلمانان در مقابله با چالش‌ها و مشکلات.
- - کامیابی سیاست تسامح و گذشت در وقت مناسب برای فرونشاندن فتنه‌های داخلی.
- - توجه به خطر فتنه عصیتهای جاهلی بر اساس قوم و نژاد و زبان و غیره و مبارزه با آن چنانچه پیامبر ﷺ فرمودند: «دعوها انها منتنة» یعنی دعوت جاهلیت را بگذارید که چیز بد بو و ناپسند است.
- - از نظر اسلام مسلمانان همه با هم برادر و برابر اند و در جامعه اسلامی جایی برای تعصبات قومی، نژادی، سمتی، زبانی و غیره وجود ندارد.
- - دوستی با آل بیت پیامبر ﷺ و توقیر و احترام امهات المؤمنین از وجایب ایمانی مسلمانان بشمار می رود.
- - واقعه افک و ثبوت طهارت ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها به جایگاه و مقام ارجمند این مادر مسلمانان دلالت می کند.



ارزیابی

- ۱- تدابیری را که پیامبر ﷺ غرض آمادگی به غزوه بنی المصطلق اتخاذ کرد تذکر دهید.
- ۲- واقعه افک چگونه به وقوع پیوست؟ و عائشه رضی الله عنها چگونه برائت یافت؟
- ۳- موقف پیامبر ﷺ در برابر عصیت قومی چگونه بود؟



کارخانه گی

در مورد نقش خطرناک منافقین در مدینه با استفاده از کتابهای سیرت و تفسیر مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

غزوهٔ احزاب (۱)

اسباب و مقدمات غزوه

پس از نفوذ اسلام در جزیرهٔ العرب، یهودیان در نتیجهٔ غدر و خیانت شان به اسلام و مسلمانان، خوار و ذلیل شدند و در آتش انتقام و کینه که در نهاد آنان شعله ور بود می سوختند، همان بود که در اندیشه توطئه و دسیسه بر ضد مسلمین شدند.

تحرکات یهود بر ضد مسلمانان:

بیست تن از رهبران یهود به مکه نزد قریش آمده و آنان را به جنگ بر ضد پیامبر ﷺ تشویق کردند و وعده دادند که یهود از هر گونه کمک و همکاری درین باره دریغ نخواهند کرد، قریش پیشنهاد یاد شده را پذیرفته و تصور می نمودند که با این اقدام می توانند آبروی از دست رفته خویش را به علت تخلف از میعادگاه بدر حسب وعده ابوسفیان در بدر که دامنگیر شان شده بود، اعاده نمایند.

این هیأت همچنین نزد قبیله غطفان رفته پیشنهادی را که برای قریش کرده بودند به آنان نیز عرضه داشتند، آنان نیز پیشنهاد یاد شده را پذیرفتند، بدین ترتیب یهودان توانستند کفار را بر ضد پیامبر ﷺ متحد نمایند.

فعالیت (۱)

شاگردان در مورد غدر و خیانت یهود با مسلمانان با هم مباحثه نمایند.

حرکت مشرکین به سوی مدینه

قبایل قریش، کنانه و هم پیمانان شان از طرف جنوب تحت قیادت ابوسفیان با چهار هزار نفر، بنی سلیم، غطفان و بنی فزاره از سمت مشرق تحت قیادت عیینه بن حصن، بنی اشجع به فرماندهی مسعر بن رخیله و همچنین بنی اسد و دیگران طبق قرار قبلی عازم مدینه شدند، و پس از چند روز لشکر بزرگی که تعداد آن به ده هزار تن می رسید پیرامون مدینه تجمع نمود.

مشوره پیامبر ﷺ با بزرگان مدینه برای جلوگیری حمله مشرکان

در شوال سال پنجم هجری، وقتی پیامبر ﷺ از جریان حرکت مشرکین به طرف مدینه اطلاع یافت، مجلس مشورتی ای را ترتیب داد، پس از بحث و گفتگو طرحی را سلمان فارسی رضی الله عنه پیشنهاد کرد که همه به آن اتفاق نمودند. سلمان رضی الله عنه گفت: ما در سرزمین فارس هرگاه با خطر محاصره از سوی دشمن قرار می گرفتیم، در اطراف مان خندقی حفر می نمودیم، همان بود که پیامبر ﷺ این پیشنهاد را عملی ساخت، مسلمانان با تلاش به حفر خندق پرداختند، در حالی که رسول الله ﷺ ایشان را تشویق نموده و با آنان همکاری می نمودند.

در اثنای غزوه احزاب بود که پیامبر ﷺ حدیث مشهور:

« سلمان منا اهل البيت » یعنی سلمان اهل بیت من است را گفتند. این قول پیامبر ﷺ که دلالت بر قدر و منزلت و حیثیت سلمان رضی الله عنه در قلب مبارک ایشان می کند بر تمام مرزهای قومی و نژادی خط بطلان کشیده و عقیده و ایمان را قویترین رشته بین مسلمانان می شمارد.

در صحیح البخاری از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت شده که گفت: ما با رسول الله ﷺ در خندق بودیم و ایشان خندق حفر می نمودند و ما خاک را به شانه های مان نقل می دادیم رسول الله ﷺ می فرمودند:

أَلْهَمَ لَا عِيشَ إِلَّا عِيشَ الْآخِرَةِ فَاغْفِرِ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ

خدایا زندگی واقعی جز زندگی آخرت نیست، خدایا انصار و مهاجرین را بیامرز.



فعالیت (۲)

شاگردان در مورد اهمیت شوری با هم مباحثه نمایند.

ظهور معجزات پیامبر ﷺ در غزوه احزاب

درین غزوه معجزاتی در جریان حفر خندق از آنحضرت صلی الله علیه و آله به مشاهده رسیده است، از جمله:

جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - پیامبر ﷺ را بسیار گرسنه یافت، ازین رو گوسفندی را ذبح کرد و همسرش پیمانه جوی را آرد نمود و جابر به آهستگی از آنحضرت ﷺ خواست که همراه تنی چند از اصحابش به خانه او تشریف آورند، آنحضرت ﷺ با تمام اصحابی که در خندق کار می کردند و تعداد شان به هزار تن می رسید به خانه جابر تشریف بردند و همه از آن طعام خوردند و سیر شدند و دیگ همچنان باقیماند که می جوشید و از خمیر همچنان نان پخته می شد.

در روایتی براء رضی الله عنه گفت: چون روز خندق فرا رسید، در برخی از بخش های خندق با سنگی روبه روشدیم که کلنگ ها در آن کار نمی کرد و از این مسأله خدمت آنحضرت ﷺ شکوه نمودیم، آنحضرت ﷺ آمده کلنگ را گرفته فرمود: بسم الله و سپس ضربتی به آن وارد نمود و فرمود: الله اکبر! کلیدهای (فتح) شام به من داده شد و سوگند به خدا که من همین اکنون به قصرهای سرخ آن می نگرم.

باز ضربتی دیگر بر آن وارد آورد و پاره دیگری از آن را قطع نمود و فرمود: الله اکبر! فارس به من داده شد و به خدا سوگند که اینک قصر سفید مدائن را مشاهده می کنم.

باز ضربه سوم را فرود آورد و فرمود: الله اکبر! کلیدهای یمن به من داده شد و به خدا سوگند که من از جایم دروازه های صنعاء را می بینم.

بالآخره کار حفر خندق طبق برنامه مطلوب به پایان رسید.

آموختنی های درس

● - شوری در کارها یکی از احکام شرعی بوده و مشوره در امور مهم راهگشای مشکلات است.

● - اخبار از فتوحات اسلامی در سرزمین های شام، فارس و یمن از معجزات آنحضرت ﷺ شمرده می شود.

● - صبر و استقامت در جهاد و دعوت کلید فتح و پیروزی است.



- ۱- یهود بخاطر انتقام گرفتن از مسلمانان به چه اقدامی مبادرت ورزیدند؟
- ۲- کدام قبایل و چه تعداد مشرکان برای جنگ با مسلمانان در اطراف مدینه تجمع نمودند؟
- ۳- کدام معجزات در این غزوه از پیامبر ﷺ به ظهور رسیده است؟
- ۴- خندق به مشوره کی و برای چه حفر گردید؟



کارخانه گی

معجزاتی را که از پیامبر ﷺ در غزوه احزاب به ظهور رسیده است در کتابچه های خود بنگارید.

غزوه احزاب (۲)

جریان معرکه و پی آمدهای آن

چون کار حفر خندق مطابق برنامه به پایان رسید، پیامبر ﷺ فرمان دادند که کودکان را در قلعه‌ها نگهداری کنند و خود با سه هزار تن از مدینه برآمده پشت شان را به سوی جبل سلع گردانیدند و خود را در آنجا متحصن کردند، خندقی را که حفر کرده بودند میان ایشان و کفار حائل بود.

قریش با چهار هزار تن و غطفان و هم پیمانان شان با شش هزار تن در اطراف مدینه قرارگاه برپا نمودند.

از دیدن لشکر عظیم مشرکان، عزم مسلمانان راسخ تر و ایمان شان قوی تر شد، اما افراد ضعیف الایمان و منافقان با دیدن لشکر مشرکان سخت نگران شدند.

عبور چند تن از مشرکان از خندق

مشرکین چون خواستند بر مسلمین یورش برند و به زور وارد مدینه شوند در برابر شان خندق فراخ و عمیقی را دیدند که مانع رسیدن شان به مسلمین می شد، مشرکین با خشم فراوان در اطراف خندق می گشتند تا جای تنگ و کم عرضی را بیابند که از آن وارد مدینه شوند، گروهی از مشرکان از جمله عمرو بن عبدود و عکرمه بن ابی جهل محل باریک و کم عرضی را در خندق پیدا نموده و از آنجا عبور کردند، علی رضی الله عنه با عده ای از مسلمین جلو آن رخنه را گرفتند.

عمرو کسی را به مبارزه خواست، علی رضی الله عنه به مقابلش برآمد، علی رضی الله عنه او را به قتل رساند و بقیه فرار نموده از راهی که آمده بودند برگشتند و از کشتن عمرو چنان ترسیده

بودند که عکرمه هنگام فرار نیزه اش را به جای گذاشت.

محاصره مسلمین تقریباً یک ماه به طول انجامید و در این میان هر دو جانب یکدیگر را تیر باران می کردند. بخاطر شدت جنگ بعضی از نمازهای مسلمانان فوت شد و آن را قضائی آوردند، در این تیر اندازی ها شش تن از مسلمانان شهید شده و ده تن مشرکان از بین رفتند.

اولین شفاخانه جنگی در تاریخ اسلام

در جریان غزوه احزاب مسلمانان به امر پیامبر ﷺ اولین شفاخانه جنگی را بنیاد گذاشتند. وقتی که جنگ آغاز شد پیامبر ﷺ امر نمودند تا خیمه در مسجد نبوی در مدینه منوره نصب شود و چنانچه ابن هشام نقل می نماید یکی از صحابیات بنام رفیده الاسلامیه در خیمه مذکور به مداوی زخمی های جنگ می پرداخت.



شاگردان عزیز! نمونه های از شجاعت و دلاوری مسلمانان در غزوه خندق را بیان دارید.

توطئه یهود و مدد الهی به مسلمانان

یهود بنی قریظه بر علیه مسلمین با مشرکین همدست شدند، با رسیدن گزارش خیانت بنی قریظه آنحضرت ﷺ خود را در جامه ای پیچیده و به پهلوی خویش استراحت نموده و مدتی درنگ کردند، سپس برخاستند و فرمودند: الله اکبر! الله اکبر! ای مسلمانان! با فتح و مدد خداوند شاد باشید.

در این وضع آشفته و پریشان مسلمانان، نعیم بن مسعود اشجعی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله من مسلمان شده ام و قوم از مسلمانی من اطلاعی ندارند، پس هرگونه که می خواهی فرمان ده! آنحضرت ﷺ فرمودند: وحدت شان را بر هم زن و آنان را

از جنگیدن با ما بر حذر دار، نعیم با زیرکی ای که داشت در میان بنی قریظه، قریش و غطفان فضای بی اعتمادی را ایجاد کرد وحدت میان مشرکان به هم خورد و اراده‌های شان متزلزل شد.

رسول الله ﷺ بر مشرکان دعا نموده فرمود: خدایا! ای فرو فرستنده کتاب، زود حساب گیرنده، این احزاب را شکست داده و تزلزل را در بنیان شان فرود آر. خداوند دعای پیامبر ﷺ را اجابت کرد، در صفوف مشرکین و کفار اختلاف ایجاد شد و آنان نسبت به همدیگر بی اعتماد گردیدند، باد شدیدی را بر ایشان چیره شد که خیمه‌های شان را بر کند و دیگ‌های شان را وارونه کرده و آرامش شان را سلب نمود. آنحضرت ﷺ حذیفه رضی الله عنه را فرستادند تا خبر مشرکین را برای شان بیاورد، حذیفه آنان را در حالی مشاهده کرد که در حال کوچیدن بودند، حذیفه به خدمت آنحضرت ﷺ آمده و ایشان را در جریان قرار داد، خداوند دشمنان را خوار و ذلیل ساخت و به هیچ هدفی دست نیافتند، خداوند ﷻ کار جنگ را یکسره و وعده اش را راست نمود، و لشکریان احزاب را با شکست و روسیاهی روبرو ساخت.

فعالیت (۲)



شاگردان نمونه‌هائی از مدد و کمک الهی با مسلمانان در غزوة احزاب را تذکر دهند.

آموختنی‌های درس



- - در مقابله با کفار کثرت تعداد عامل موفقیت و کامیابی نیست، بلکه اخلاص در عمل و ایمان قوی عامل کامیابی است.
- - نفاق و پراگندگی باعث ناکامی و اتحاد و وحدت سبب پیروزی می‌گردد.
- - مسلمانان مکلف اند تا در مقابله با دشمن تمام وسایل مادی ممکن را بکار گرفته و

سپس به خداوند جَلَّ جَلَالُهُ توکل نمایند زیرا اتخاذ اسباب مادی با توکل منافات ندارد.

● - ظهور معجزات حسی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غزوه احزاب دلایل قاطعی بر صدق نبوت آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد.



ارزیابی

- ۱- چه تعداد مشرکان در جنگ احزاب اشتراک کرده بودند؟
- ۲- پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حق احزاب چگونه دعای بد کردند؟
- ۳- چه کسی باعث تفرقه میان احزاب شد و چگونه عمل کرد.
- ۴- آیا بکار بردن اسباب مادی در جنگ با توکل منافات دارد؟



کارخانه گی

اسباب و عوامل ناکامی مشرکان را مختصراً در کتابچه‌های خود بنویسید.

یهود بنی قریظه و نقض عهد

در همان روزی که پیامبر ﷺ به مدینه برگشتند، جبرئیل علیه السلام هنگام ظهر نزد پیامبر ﷺ آمده و ایشان را در رفتن به سوی بنی قریظه تشویق کرده و مژده مدد الهی را به آنحضرت ﷺ داد.

پیامبر ﷺ در بنی قریظه

پیامبر ﷺ به منادی دستور داد تا در میان مردم اعلان نماید و هر کسی که می‌شنود فرمان برد که: نماز عصر را جز در بنی قریظه نگذارد، ایشان ابن ام مکتوم را جانشین خود ساختند و لواء را به علی رضی الله عنه دادند، او پیش از دیگران به سوی بنی قریظه رفت، آنحضرت ﷺ نیز با گروهی از مهاجرین و انصار مدینه را به قصد بنی قریظه ترک گفتند، تعداد مسلمانان به سه هزار تن می‌رسید و با خود سی رأس اسب داشتند، آنان در اطراف قلعه‌های بنی قریظه فرود آمده و یهودیان را محاصره نمودند.

پیشنهاد کعب بن اسد به بنی قریظه

چون محاصره ادامه یافت، رئیس بنی قریظه کعب بن اسد سه پیشنهاد را به قومش عرضه داشت:

- اینکه مسلمان شوند و دین محمد ﷺ را بپذیرند و جان و مال شان در امان ماند.
- یا اینکه زنان و فرزندان خود را بکشند سپس با شمشیرهای برهنه برآمده و با پیامبر و اصحابش بجنگند.
- و یا اینکه در روز شنبه که مسلمانان خود را از جنگ و حمله آنان ایمن می‌دانند بر پیامبر و مسلمانان حمله برند.

مشوره و اشتباه ابولبابه رضی الله عنه

بنی قریظه به کعب بن اسد پاسخ مثبت نداد، و چاره‌ای نداشتند جز آنکه بر حکم پیامبر ﷺ گردن نهند، آنان پس از مشوره میان خود از پیامبر ﷺ تقاضا کردند تا ابولبابه را که هم پیمان بنی قریظه بود و با خانواده اش در آن منطقه زندگی می‌کرد غرض مشوره با آنان بفرستد، چون او را دیدند مردان به احترامش ایستادند و زنان و کودکان

شان گریه سر دادند که دلش به حال آنان سوخت، و گفتند: آیا پیشنهاد می کنی که بر حکم پیامبر ﷺ گردن نهیم؟ ابولبابه گفت: بلی، و به حلقومش اشاره کرد - یعنی هرگاه به حکم او گردن نهید کشته می شوید - او به زودی دانست که به خدا و رسولش خیانت کرده است، ازین رو خدمت پیامبر ﷺ بر نگشت بلکه به سوی مسجد نبوی رفته خود را در یکی از ستون های آن بسته و سوگند یاد کرد که جز پیامبر کسی او را رها نکند، چون این خبر به رسول الله ﷺ رسید، فرمود: (هرگاه نزد من می آمد حتماً برایش آرمزش می طلبیدم ولی اکنون که خود آن کار را نموده من او را از موضعش رها نمی کنم تا آنکه خداوند توبه اش را بپذیرد.

با وجود مشوره ابولبابه، در اثر فشار مسلمین بر آنان که یک جنگ روانی بود، یهودی ها بر حکم رسول الله ﷺ گردن نهادند، پیامبر ﷺ فرمان داد تا مردان شان زندانی شده و زنان و فرزندان شان در گوشه ای دور از مردان نگهداری شوند.

حکمت سعد بن معاذ رضی الله عنه

مردمان قبیله اوس چون هم پیمان با یهودی ها بودند نزد پیامبر ﷺ آمده و تقاضای نیکی با آنان را نمودند، پیامبر ﷺ فرمود: آیا راضی می شوید که یک نفر از خود تان درین مورد حکم کند؟ گفتند: بلی، پیامبر فرمود: این حکمت کار سعد بن معاذ است، آنان گفتند: راضی شدیم، آنحضرت ﷺ کسی را نزد سعد بن معاذ - که به دلیل جراحتی در غزوه احزاب به وی رسیده بود در مدینه بود - فرستادند، او را سوار بر مرکبی خدمت پیامبر ﷺ آوردند، وقتی نزد پیامبر ﷺ رسید، پیامبر ﷺ به اصحاب خویش فرمودند: برای استقبال از سرور تان به پا خیزید، و به وی فرمود: ای سعد! این قوم بر حکم تو راضی شده اند، سعد گفت: آیا حکم من در مورد شان لازم الاجراء است؟ فرمودند: بلی، گفت: هرگاه چنین است، من در مورد شان حکم می کنم که مردان شان کشته شوند و زنان و کودکان شان به اسارت در آیند و اموال شان تقسیم شود.

پیامبر ﷺ فرمود: همانا در مورد ایشان حکمی نمودی که خداوند از فراز هفت آسمان نموده است.

حکم سعد کاملاً منصفانه بود، زیرا بنی قریظه علاوه بر غدر و خیانتی که مرتکب شده بودند (۱۵۰۰) شمشیر، (۲۰۰۰) نیزه، (۳۰۰) زره جنگی و (۵۰۰) سپر را برای جنگ با مسلمین آماده ساخته بودند که پس از فتح به غنیمت مسلمانان درآمد.

شاگردان در مورد خیانت یهود و پیمان شکنی خطرناک آنان در مخالفت با پیامبر ﷺ و مسلمانان باهم مباحثه نمایند.

تطبیق حکم سعد بن معاذ رضی الله عنه

پیامبر ﷺ دستور دادند که گودال‌هائی در بازار مدینه حفر شود و آنان را دسته دسته ببرند و گردن زنند، بدین ترتیب شش صد یا هفت صد نفر آنان کشته شد، از زنان یهود فقط یک زن کشته شد، زیرا سنگ بزرگی را بر سر خلاد بن سوید رضی الله عنه انداخته و او را به شهادت رسانیده بود.

عده ای از مردم بنی قریظه مسلمان شده بودند و خون‌ها، اموال، و خانواده‌های شان محفوظ ماند.

چون کار بنی قریظه یکسره شد، سعد بن معاذ رضی الله عنه به اثر زخمی که در غزوه احزاب برداشته بود خون زیادی از زخمش فواره کرد و به اثر آن وفات نمود، و در رابطه به وفات وی پیامبر ﷺ فرمودند: (عرش پروردگار با مرگ سعد لرزید). [صحیح بخاری و صحیح مسلم]

حضرت سعد بن معاذ یکی از صحابه جلیل القدر پیامبر ﷺ بود. به اساس روایت امام نسائی از ابن عمر رضی الله عنه هفتاد هزار ملائکه در تشیع جنازه سعد بن معاذ اشتراک نمودند.

جانفشانی‌های این صحابی بزرگ در خدمت به اسلام در تاریخ هرگز فراموش نمی شود.

پیامبر ﷺ اموال غنیمت گرفته شده از بنی قریظه را پس از بیرون نمودن خمس (یک پنجم) میان اشتراک کنندگان درین غزوه تقسیم کردند.

سر نوشت ابولبابه رضی الله عنه

ابو لبابه شش شب به ستون بسته باقیماند که در اوقات نماز همسرش او را باز می کرد و پس از نماز به ستون برگشته خود را می بست، پس از سپری شدن شش شب در هنگام سحر قبول توبه اش به پیامبر ﷺ فرود آمد، مردم برخاستند تا او را رها کنند ولی او نپذیرفت که

کس دیگری جز رسول الله ﷺ او را رها سازد، و چون آنحضرت ﷺ برای ادای نماز از کنارش گذشتند او را رها نمودند.

در موقف ایمانی ابولبابه رضی الله عنه این درس مهم برای مسلمانان وجود دارد که از مسلمان گناه سر می زند مگر مسلمان راستین پس از وقوع در گناه نادم گردیده و فوراً توبه می کند.

قابل یادآوری است که خداوند جل جلاله در غزوه احزاب و بنی قریظه آیاتی از سوره احزاب را نازل فرمود که در آن جزئیات واقعه، حالت مؤمنان و منافقان و سپس ذلت و خواری احزاب و نتایج خیانت اهل کتاب بیان شده است.

آموختنی های درس

- بیان غدر و خیانت یهود بنی قریظه و پیمان شکنی آنان در وقت حساسیکه کفار از جهات مختلف بر مدینه هجوم آورده بودند.
- متناسب بودن جزای تعیین شده از طرف سعد بن معاذ با خیانت بزرگ یهود بنی قریظه، زیرا اگر برنامه آنان در همکاری با مشرکین و قبایل عرب کامیاب می شد دولت نو پای مدینه سقوط می کرد.
- موقف ایمانی ابولبابه رضی الله عنه پس از پی بردن به اشتباه که باید مشعل راه هر مسلمان باشد.



ارزیابی

- ۱- کعب بن اسد رئیس قبیله بنی قریظه در برابر محاصره آنان، برای قومش چه پیشنهاداتی را ارایه داشت؟
- ۲- ابولبابه رضی الله عنه برای بنی قریظه چه مشوره داد و سرنوشت وی چگونه بود؟
- ۳- بنی قریظه در برابر مسلمین چه تعداد اسلحه را برای جنگ آماده کرده بودند؟



کارخانه گی

شاگردان عزیز! جریان حکمت سعد بن معاذ را در کتابچه های خود بنویسید.

مهمترین رویدادها در فاصله غزوه خندق و صلح حدیبیه

اعزام سرایا

پیامبر ﷺ به منظور گسترش و تحکیم پایه‌های دولت اسلامی در اطراف مدینه منوره، و همچنان غرض تأدیب قبایلی که در برابر مسلمانان غدر و خیانت کرده بودند سریه‌هایی را فرستادند که بصورت مختصر در اینجا ذکر می‌شود:

۱- سریه محمد بن مسلمه رضی الله عنه

این سریه را پیامبر ﷺ پس از غزوه خندق به قرطاء (اسم موضعی در سرزمین نجد) فرستادند.

سریه مذکور در دهم محرم سال ششم به سوی شاخه از قبیله بنی بکر بن کلاب فرستاده شد که در نتیجه مسلمانان با غنایم زیادی به مدینه بازگشتند، در میان اسیران ثمامه بن اثال که قصد کشتن پیامبر ﷺ را داشت نیز بود، او را به ستونی از ستون‌های مسجد بستند، پیامبر ﷺ به سوی او آمده گفت: ای ثمامه چه همراه داری؟ گفت: ای محمد ﷺ در نزد من خیر است، اگر بکشی جاندار را می‌کشی و اگر احسان کنی بر کسی احسان می‌کنی که سپاسگزار است، آنحضرت ﷺ از کنارش گذشته پاسخی به او ندادند.

بار دوم وقتی پیامبر ﷺ از کنارش می‌گذشتند سخن خود را تکرار کرد، پیامبر ﷺ او را رها کردند، ثمامه به نخلستانی که نزدیک مسجد بود رفته و غسل نمود و سپس آمده اسلام آورد.

شاگردان در مورد برخورد پیامبر ﷺ با ثمال فکر نموده و در مورد اثر عفو و گذشت در کار دعوت اسلامی باهم مباحثه کنند.

۲- سریه محمد بن مسلمه رضی الله عنه به ذی القصه

پیامبر ﷺ در ربیع الاول سال ششم هجری محمد بن مسلمه را باده تن به سوی ذی القصه سرزمین بنی ثعلبه فرستادند، یکصد تن از مردم آن قوم کمین گرفتند، و چون محمد بن مسلمه و یارانش خوابیدند مشرکان همگی را به شهادت رسانیدند جز محمد بن مسلمه که با وجود مجروح بودن از نزد شان گریخت.

۳- سریه ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه

در ربیع الآخر سال ششم هجری پیامبر ﷺ این سریه را به دنبال شهادت همراهان محمد بن مسلمه به ذی القصه فرستادند، سریه مذکور هنگام صبح به بنی ثعلبه رسیده و آنان را مجبور به فرار به سوی کوه ها کردند.

۴- سریه زید بن حارثه رضی الله عنه

در جمادی الاول سال ششم هجری زید بن حارثه با یکصد و هفتاد تن سوار اموال تجارتی قافله قریش را به غنیمت گرفتند، ابوالعاص داماد پیامبر ﷺ که مسئول این قافله بود فرار نموده خود را به همسرش زینب رضی الله عنها رسانید و پناه برد. ابوالعاص به مکه برگشت، و مسلمان شده هجرت کرد، رسول الله ﷺ زینب را پس از سه سال به شوهرش برگردانید.

۵- سریه خبط

رسول الله ﷺ سه صد سوار کار را تحت فرماندهی ابو عبیده رضی الله عنه فرستادند و در انتظار آمدن کاروان قریش بودند، مسلمین در این سفر به گرسنگی سختی دچار شدند، طی چند روز شش شتر را کشته و از آن تغذیه کردند، پس از آن خداوند حیوان بحری ای را از بحر بیرون آورد که عنبر نامیده می شد، مسلمانان مدت زیادی از آن تغذیه کردند.

۶- غزوه بنی لحيان

بنو لحيان همان کسانی هستند خیانت ورزیده و ده تن از اصحاب پیامبر ﷺ را شهید ساختند، پیامبر ﷺ برای تأدیب آنها در جمادی الاول سال ششم هجری همراه دو صد تن از یاران شان به آن صوب حرکت کردند.

چون بنی لحيان از این حرکت اطلاع یافتند به کوه ها گریختند و رسول الله ﷺ به هیچ یک از آنان دست نیافته، سپس به مدینه بازگشتند.

فعالیت (۲)



شاگردان در مورد فرق بین سریه و غزوه گفتگو کنند و تأثیر این سرایا را در تحکیم دولت اسلامی مدینه ارزیابی نمایند.

آموختنی های درس



- - ارسال سریه ها به منظور گسترش و توسعه نفوذ اسلام و جلوگیری از خیانت ها بود.
- - ارسال سرایا تدریب و تمرین اصحاب پیامبر ﷺ به فرماندهی و بیانگر برخورد اسلامی با قبایل است.
- - پیامبر ﷺ با اسیران همواره رفتار نیکو داشتند که همان اخلاق نیکو سبب تأثیر پذیری ایشان و اسلام آوردن شان می شد.



- ۱- واقعه سریه محمد بن مسلمه به ذی القصه را توضیح دهید.
- ۲- مسلمانان با غنایم اموال تجارتی قریش چگونه برخوردی کردند، و چرا؟
- ۳- در سریه خبط چه حادثه مهمی به وقوع پیوست؟



کارخانه گی

شاگردان عزیز! نتیجه کلی ارسال سرایا را در کتابچه‌های خود بنویسید.

صلح حدیبیه (۱)

انگیزه‌ها و اسباب حرکت پیامبر ﷺ

تحولات جاری جزیره العرب به مصلحت مسلمین ادامه داشت و علایم فتح و پیروزی مسلمین نمودار بود و مقدمات تثبیت حق ادای عبادت برای مسلمین در مسجد الحرام مهیا می گردید.

پیامبر ﷺ در خواب دید که همراه اصحاب شان به مسجد الحرام وارد شده کعبه را گرفته و طواف و عمره نمودند، گروهی از صحابه موهای شان را تراشیده و عده ای هم موهای شان را کوتاه کردند.

پیامبر ﷺ با گفتن این روایا به اصحاب شان اطلاع دادند که به نیت عمره بیرون می شوند، و همه آماده سفر شدند.

حرکت مسلمانان به سوی مکه

آنحضرت ﷺ روز دوشنبه اول ماه ذی القعدة سال ششم هجری در حالیکه ام سلمه رضی الله عنها همسر آنحضرت ﷺ نیز همراه شان بود با یکهزار و چهار صد و به روایتی یکهزار و پنجصد تن از اصحاب کرام عازم مکه شدند.

پیامبر ﷺ از ذوالحلیفه به نیت عمره احرام بستند و قربانی خود را نشانی کرده، قلاده در گردن آن نهادند.

آنحضرت ﷺ وقتی اطلاع یافت که کعب بن لؤی حبشی ها و هم پیمانان شان را بر ضد پیامبر و اصحابش تحریک نموده است، با اصحاب شان مشوره کردند، ابوبکر رضی الله عنه گفت: ما به نیت عمره آمده ایم نه برای جنگ، ولی کسی که در میان ما و خانه کعبه سد و مانع شود، با او می جنگیم. سپس آنحضرت ﷺ به ادامه مسیر دستور دادند.

تلاش قریش برای باز داشتن مسلمین از خانه کعبه

چون قریش از حرکت مسلمین اطلاع یافت، مجلس مشورتی ترتیب داده تصمیم گرفتند تا به هر صورت ممکن از ورود مسلمین به خانه کعبه مانع شوند.

دو صد سوار کار جنگی قریش تحت فرماندهی خالد بن ولید در کراع الغمیم (اسم موضعی است) در راه ورود به مکه سنگر گرفتند، هر دو جانب طوری به هم نزدیک شدند که یک دیگر را می دیدند.

خالد مسلمانان را در نماز ظهر مشاهده کرد، دید رکوع و سجده می کنند، گفت: اگر درین حالت حمله می کردیم تعدادی را می کشتیم، آنان هنگام نماز عصر قصد حمله را داشتند که خداوند حکم صلاة خوف (نماز در حالت ترس) را نازل فرمود و خالد نتوانست کاری از پیش ببرد.

خود داری از درگیری خونین

پیامبر ﷺ برای اینکه با مشرکین رو به رو نشود مسیر خود را تغییر داده در حدیبیه که در پائین مکه قرار دارد فرود آمدند، خالد با مشاهده این وضع به سرعت خود را به قریش رساند تا آنان را از وضع موجود بر حذر دارد.

چون رسول الله ﷺ در حدیبیه نزدیک چشمه ای فرود آمدند بدیل بن ورقاء خزاعی با چند تن دیگر از مردم خزاعه که راز داران پیامبر ﷺ در سرزمین تهامه بودند نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت: من کعب بن لؤئی را در حالی ترک نمودم که با خانواده و مالهای شان نزدیک آبهای حدیبیه فرود آمده اند و می خواهند با تو بجنگند و از خانه کعبه بازت دارند.

رسول الله ﷺ فرمودند: (ما برای جنگ با کسی نیامده ایم، آمده ایم تا عمره بجای آوریم...)

بدیل گفت: به زودی سخن شما را به ایشان می رسانم، و نزد قریش رفته به آنان گفت: من از نزد این مرد پیش شما آمده ام و شنیدم سخنی می گوید که اگر بخواهید آنرا به شما می گویم.

قریش پس از شنیدن سخنان بدیل مکرز بن حفص را نزد پیامبر ﷺ فرستادند، پیامبر ﷺ حرف هائی را که به بدیل و همراهانش گفته بودند به او نیز گفتند، و او نزد قریش برگشته آنان را در جریان گفتار شان قرار داد.

سپس قریش حلیس بن علقمه و عروه بن مسعود ثقفی را یکی پس از دیگری نزد پیامبر ﷺ فرستادند، هریک همان جوابی را می شنید که پیامبر ﷺ برای بدیل گفته بود، و نتیجه

نمایندگی شان همانا تصدیق طرح و پیشنهاد پیامبر ﷺ بود. اما جوانان بیخرد قریش وقتی تمایل بزرگان شان را به صلح دیدند در صدد آن برآمدند تا کاری کنند که صلح نشده و آتش جنگ بر افروخته شود. هفتاد یا هشتاد تن ایشان کوشیدند به قرارگاه مسلمین نفوذ کنند، ولی محمد بن مسلمة رضی الله عنه فرمانده نگهبانان آنان را زندانی نمود و آنحضرت ﷺ به دلیل علاقمندی به صلح همه را آزاد نموده و مورد عفو قرار داد.

سفير مسلمانان نزد قریش

درین حالت آنحضرت ﷺ تصمیم گرفت سفیری نزد قریش بفرستد تا هدف شان از این سفر برای قریش روشن شود، از عمر رضی الله عنه خواستند تا این امر مهم را انجام دهد، ولی او بنا به دلایلی معذرت خواست، سپس عثمان رضی الله عنه را مأمور این وظیفه کردند، و به وی فرمودند: (به اطلاع شان برسان که ما برای جنگ نیامده ایم بلکه برای عمره آمده ایم و آنان را به اسلام فرا خوان).

عثمان رضی الله عنه عازم مکه شد تا پیام رسول الله ﷺ را به سران قریش برساند، ابان بن سعید به عثمان رضی الله عنه خوش آمدید گفت و سپس او را پناه داد و بر اسب خود سوار کرد تا آنکه به مکه رسید، عثمان رضی الله عنه وظیفه اش را انجام داد، قریش برایش گفتند: بر خانه کعبه طواف کند ولی او این پیشنهاد را نپذیرفت و از اینکه قبل از پیامبر ﷺ طواف کند، ازین کار خود داری نمود.

قریش عثمان رضی الله عنه را با خود نگهداشتند، شاید می خواستند مشوره نموده تصمیم بگیرند، چون برگشت عثمان رضی الله عنه به درازا کشید و آوازه قتل عثمان رضی الله عنه در میان مسلمین پخش شد، پیامبر ﷺ فرمود: (از اینجا نمی رویم تا آنکه کار مان را با قریش یکسره کنیم) سپس از اصحاب خویش خواستند تا با ایشان بیعت کنند، همه مسلمانانی که با پیامبر ﷺ بودند به جز یکتی از منافقین متباقی همه بیعت کردند، و این بیعت همان بیعت الرضوانی است که خداوند در مورد آن فرمود: **﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾** [فتح ۱۸] (همانا خداوند از مؤمنان راضی گردید، آندم که در زیر درخت با تو بیعت کردند پس دانست آنچه را که در دلهای شان بود، پس نازل کرد آرامش را برایشان و پاداش داد آنان

را فتحی نزدیک را).

در آیات دیگری از سوره فتح و همچنان در بعضی از احادیث پیامبر ﷺ از اصحاب رسول الله ﷺ که در بیعت رضوان حاضر بودند به نیکی یاد شده است و در حدیثی که امام مسلم از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت نموده اهل بیعت رضوان « انتم الیوم خیر اهل الارض » یعنی شما امروز بهترین مردم روی زمین هستید، یاد شده است.

فعالیت (۲)

شاگردان در مورد اثر رغبت شدید پیامبر ﷺ به صلح و نه جنگیدن با مشرکین مکه فکر نموده، نتیجه را باهم صنفان خویش در میان میگذارند.

آموختنی‌های درس

- در قضایای مهم و سرنوشت ساز باید با بردباری و تحمل برخورد کرد.
- تفاهم برای حل منازعات نتایج مثبت به بار می آورد.
- ثبات بر حق یکی از صفات اساسی مسلمان است.
- در راه حق باید به قربانی حاضر بود.
- بیان فضیلت صحابه کرام که در بیعت رضوان شامل بودند.

ارزیابی

- ۱- چه باعث شد تا پیامبر ﷺ عزم حرکت به سوی مکه را نمایند؟
- ۲- جوانان قریش در کراع الغمیم چه تصمیم گرفتند و نتیجه آن چگونه بود؟
- ۳- سفیر مسلمانان نزد قریش کی بود و نتیجه آن سفارت چه شد؟



کارخانه گی

شاگردان در مورد اسباب «بیعة الرضوان» مقاله بنویسند که از شش سطر کم نباشد.

صلح حدیبیه (۲)

انقضاد پیمان صلح

قریش با درک اینکه موقف دشواری را در پیش رو دارد تصمیم گرفت تا پیمان صلحی را با مسلمین منعقد نماید و در آن تذکر یابد که پیامبر ﷺ و اصحابش امسال خواهی نخواهی بر گردند تا عرب نگوید که پیامبر ﷺ به زور وارد شده است. همان بود که سهیل بن عمرو خدمت آنحضرت ﷺ آمد و تقاضای عقد مصالحه را کرد، و دوطرف پس از گفتگوهای زیاد به عقد پیمان زیر موافقه نمودند:

بندهای پیمان صلح

۱. رسول الله ﷺ این سال به مدینه برگشته به مکه داخل نمی‌شوند و در سال آینده مسلمین با سلاح سواره وارد مکه شده سه شبانه روز در آن اقامت می‌نمایند، بدون اینکه با هیچ تعرضی رو به رو شوند.
۲. تا ده سال در میان دو طرف، جنگی صورت نمی‌گیرد، و در این مدت مردم به امنیت زندگی می‌کنند.
۳. هر کسی بخواهد در عهد و پیمان محمد ﷺ داخل شود می‌تواند داخل شود و اگر کسی بخواهد با قریش هم پیمان گردد می‌تواند این کار را بکند، هر قبیله‌ای که به یکی

از دو طرف بیبوندند جزء آن طرف به شمار می‌رود و هر یک ازین قبایل که با تعرض رو به رو گردد این امر تجاوز بر طرف هم پیمان آن قبیله شمرده می‌شود.

۴. اگر کسی از قریش که بدون اجازه ولی خویش فرار کند و به محمد صلی الله علیه و آله بیبوندد، محمد صلی الله علیه و آله باید او را به آنان مسترد نماید، و هرگاه کسی از آنانی که با محمد اند به نزد قریش بیاید به محمد باز گردانده نمی‌شود.

آنحضرت صلی الله علیه و آله علی رضی الله عنه را خواستند تا پیمان صلح را بنویسد و پیامبر صلی الله علیه و آله متن قرار داد را بر او املا کردند.

نتیجهٔ پیمان صلح حدیبیه

با وجود تشویش برخی از صحابه پیمان صلح حدیبیه همانطوریکه در قرآن کریم از آن به «فتح مبین» یاد شده است راه فتح مکه را باز کرد و مشرکین قریش را در ضعف و تنگنای بیشتر قرار داد. برده باری دور اندیشی و ثبات و استقامت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابهٔ کرام منجر به گسترش اسلام در مکه و ماحول آن شد و زمینه را برای پیروزی بزرگ مسلمانان و شکست ابدی قریش مساعد ساخت.



شاگردان ارزیابی کنند که این پیمان برای مسلمانان شکست محسوب می‌گردید یا پیروزی؟

رخدادهای مهم پس از عقد صلح

۱- قبیله خزاعه که از دوران عبدالمطلب هم پیمان بنی هاشم بود، با رسول الله ﷺ برای تأکید همان پیمان قدیم تجدید عهد کردند.

۲- در لحظاتی که پیمان صلح نوشته می شد ابو جندل بن سهیل در حالیکه زنجیرهای پایش را کش می کرد خود را در میان مسلمین انداخت، سهیل گفت: این اولین کسی است که می خواهم او را مسترد نمایم، هر چند پیامبر کوشید تا او را باز نگرداند ولی سهیل بر تنفیذ پیمان صلح اصرار ورزید، پیامبر ﷺ موافقه نموده و برای ابو جندل گفت: صبر کن و ثوابت را از خدا بطلب، زیرا خداوند برای تو و مستضعفین دیگر گشایشی و راه نجاتی پدید می آورد.

آموزش‌های درس

۱- با وجودی که مسلمانان نیروی نظامی کافی در اختیار داشتند در برابر قریش از خود تحمل و بردباری نشان دادند.

۲- عقد پیمان اعترافی بود به موجودیت مسلمانان و نشانه شکست مشرکان.

۳- در قبول اسلام اکراه و جبری در کار نیست و داخل شدن در اسلام یک امر اختیاری می باشد.



۱- بندهای پیمان صلح حدیبیه را مختصراً بنویسید.

۲- رخدادهای مهمی را که پس از عقد صلح به وقوع پیوست بنگارید.

۳- چرا مسلمانان پیمان صلح حدیبیه را پذیرفتند؟



کارخانه گی

شاگردان در مورد پیمان صلح حدیبیه و نتایج سرنوشت ساز آن مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

صلح حدیبیه (۳)

آماده گی برگشت از حدیبیه به مدینه منوره

چون پیمان صلح منعقد گردید رسول الله ﷺ خواستند تا اعمالی را انجام دهند که بر اساس آن از حالت احرام خارج شده و برای عودت به مدینه منوره آماده گی بگیرند. وقتی که رسول الله ﷺ از نوشتن پیمان صلح فارغ شدند، برای بیرون شدن از احرام به اصحاب شان گفتند: (برخیزید و قربانی های تان را ذبح کنید) ایشان سه بار این سخن را تکرار نمودند ولی کسی از جایش بر نخاست، و چون کسی برای تعمیل امر بر نخاست آنحضرت ﷺ بر خاسته نزد ام سلمه رضی الله عنها آمده و آنچه را که از مردم درین مورد مشاهده کرده بودند برایش یاد آوری کردند.

ام سلمه گفت: ای رسول خدا! اگر این کار را دوست دارید بیرون شوید و بدون اینکه با کسی سخن بگویید، قربانی های خود را ذبح کنید و سپس سلمانی خود را خواسته سر خویش را بتراشید.

آنحضرت ﷺ بر خاسته برآمدند و با کسی صحبت نکردند تا آنکه قربانی خویش را ذبح و سر خود را تراشیدند، چون مردم این کار را دیدند برخاسته قربانی های خویش را ذبح نموده سرهای همدیگر را تراشیدند و از احرام بیرون شدند.

شاگردان در مورد آثار تأثیر عقد پیمان صلح بر روحیه مسلمانان باهم مباحثه نمایند.

خودداری از باز پس دادن زنان مهاجر

چون برگردانیدن زنان مهاجر در عهد نامه نیامده بود و از جانب دیگر آیه دهم سوره ممتحنه نازل گردید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۚ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ...﴾ این آیه دستور می دهد که آنان را پس از امتحان و گرفتن بیعت به شوهران شان که کافر اند برگردانید، و این زنان برای کافران حلال نیستند.

بنابر حکم این آیت کریم مسلمانان از برگردانیدن زنان مسلمان که به مسلمانان می پیوستند اجتناب نمودند.

واقعۀ ابوالبصیر

بعد از اینکه رسول الله ﷺ به مدینه باز گشت، مردی به نام ابوبصیر از قبیله ثقیف که هم پیمان قریش بود در مکه شکنجه می شد از مکه فرار کرد و خود را به مدینه رساند، قریش دو تن را برای باز گردانیدن او به نزد رسول الله فرستاد، پیامبر ﷺ او را به آن دو تن تسلیم کرد، آنان با او حرکت کردند تا آنکه به ذوالحلیفه رسیدند، ابوبصیر به یکی از آنان گفت: شمشیرت بسیار عالی است، آن دگر شمشیر خود را از غلاف کشیده گفت: بلی، بسیار

عالی است، ابو بصیر گفت: آن را به من ده تا بینم، وقتی آن مرد شمشیرش را به ابوبصیر داد، ابوبصیر او را کشت و مرد دومی فرار کرد. ابو بصیر به مدینه باز گشت و داخل مسجد شده و جریان واقعه را به رسول الله ﷺ گفت. وقتی ابوبصیر دانست ممکن است بر اساس پیمان صلح حدیبیه او به قریش باز گردانیده شود، حرکت کرده و در ساحل دریا اقامت گزید، پس از آن ابو جندل بن سهیل گریخته به او پیوست، پس از آن هر که مسلمان می شد و از نزد قریش فرار می کرد به ایشان می پیوست تا آنکه گروه بزرگی شدند، و هرگاه از حرکت کاروان قریش اطلاع می یافتند بر آن یورش برده افراد آنرا می کشتند و اموال شان را به غنیمت می گرفتند، ناگزیر قریش نامه ای به پیامبر ﷺ نوشته و تقاضا نمودند هر کسی که از ایشان به مسلمین بپیوندد در امن و امان است. همان بود که رسول الله ﷺ کسانی را به سراغ آن گروه فرستاده و آنانرا به مدینه فراخواند.

در اوائل سال هفتم هجری عمرو بن عاص، خالد بن ولید و عثمان بن طلحه مسلمان شده نزد آنحضرت ﷺ آمدند، رسول الله ﷺ در مورد شان فرمود: (همانا مکه پاره های جگرش را به سوی ما انداخته است).

آموزنی های درس

- - صلح حدیبیه مقدمه فتح مکه بود.
- - اسلام بر ایستادگی بر پیمان و تعهد تأکید می کند و هیچگاه پیامبر اسلام نقض عهد نکرده است.
- - مشروعیت صلح و متارکه با دشمن.

- - نکاح زن مسلمان با مرد کافر جواز ندارد.
- - مشروعیت اشتراک زنان در رأی و مشوره.
- - جواز عقد پیمان صلح و آتش بس با کفار در صورتیکه مصلحت راجحی برای اسلام و مسلمین در آن نهفته باشد.
- - وجوب اطاعت و فرمانبرداری بی چون و چرا از رسول الله ﷺ در هر حال.



- ۱- ابو بصیر کی بود و چرا به مشرکین مسترد شد؟
- ۲- پیامبر ﷺ غرض بیرون شدن از احرام از کی مشوره گرفت؟
- ۳- پیمان صلح حدیبیه چگونه زمینه را برای فتح مکه مساعد ساخت؟



شاگردان عزیز! خلاصه حکایت ابوبصیر را در کتابچه‌های خود بنویسید.

پیامبر ﷺ سران دول را به اسلام فرا می خواند

در اواخر سال ششم، پس از مراجعت از حدیبیه رسول الله ﷺ برای سران دول آن عصر نامه‌هایی نوشته و آنان را به اسلام دعوت کردند، چون سران دول نامه بدون مهر را نمی پذیرفتند همان بود که پیامبر ﷺ انگشتی از نقره برای خود ساختند که نقش آن (محمد رسول الله) بود.

درین درس متن بعضی ازین نامه‌ها و پاره ای از نتایج آن بیان می شود:

۱- نامه برای نجاشی پادشاه حبشه

پیامبر ﷺ برای اصحمه بن ابجر نجاشی نامه به شرح زیر فرستاد:

" این نامه است از سوی محمد پیامبر به نجاشی اصحمه بزرگ حبشه. سلام بر کسی که از راه هدایت پیروی کند و به خدا و رسولش ایمان آورد، و گواهی می‌دهم که معبود برحق جز الله نیست که یگانه است و شریک و انبازی ندارد، نه همسری گرفته و نه فرزندی دارد و اینکه محمد بنده و فرستاده خداست، من تو را به دعوت اسلام فرا می‌خوانم، همانا من فرستاده اویم، پس مسلمان شو تا سلامت بمانی قال الله تبارک و تعالی:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ آل عمران: ۶۴.

ای اهل کتاب! بیائید به سوی کلمه ای که میان ما و شما برابر است، اینکه نپرستیم جز الله را و به وی چیزی را شریک قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدای یگانه به خدایی نگیرد؛ پس هرگاه روی گرداندند پس بگوئید گواه باشید که ما مسلمانیم."

چون عمرو بن امیه ضمری، نامه پیامبر ﷺ را به نجاشی داد، نجاشی آن را گرفته بر چشمش نهاد و از تختش بر زمین فرود آمد و در حضور جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه مسلمان شد.

نجاشی در پاسخ نامه ای به پیامبر ﷺ نوشت و در آن از برخورد نیک خود با مهاجرین و بیعت خود یاد آور شد.

فعالیت (۱)

شاگردان به کمک استاد مضمون در باره برخورد نیک نجاشی با مهاجرین مسلمان معلومات ارائه کنند.

۲- نامه پیامبر ﷺ به مقوقس پادشاه مصر

پیامبر ﷺ برای جریج بن متی ملقب به مقوقس پادشاه مصر و اسکندریه نامه ای به شرح زیر نوشت:

"بسم الله الرحمن الرحيم، از محمد بنده و فرستاده خدا به مقوقس بزرگ قبطیان! سلام بر کسی باد که راه هدایت را پیروی کند.

من تو را به پذیرش دعوت اسلامی فرا می خوانم، مسلمان شو سلامت می مانی، مسلمان شو خداوند مزد ترا دو چندان می دهد و اگر روی گرداندی گناه مردم قبط بر دوش توست."

نامه پیامبر ﷺ را حاطب بن ابی بلتعنه به مقوقس رسانید، مقوقس پس از خواندن نامه برای رسول الله ﷺ نامه ای نوشت، او در نامه اش از احترام به فرستاده پیامبر ﷺ و فرستادن دو کنیز و قاطری به خدمت پیامبر ﷺ یاد کرد ولی خودش مسلمان نشد.

آن دو کنیز یکی ماریه است که پیامبر ﷺ وی را برای خویش نگهداشتند و دیگری سیرین نام داشت که پیامبر ﷺ او را به حسان بن ثابت انصاری دادند.

۳- نامه پیامبر ﷺ به خسرو پادشاه ایران

پیامبر ﷺ با همان مضمون بالا نامه ای برای خسرو ایران نوشت و آنرا به دست عبدالله بن حذافه سهمی فرستادند، چون نامه نزد کسری خوانده شد آنرا پاره کرد و متکبرانه گفت:

بنده کوچکی از رعایای من نامش را پیش از نامم می‌نویسد، چون این خبر به پیامبر ﷺ رسید، فرمود: خداوند پادشاهیش را پاره پاره کند خداوند دعای پیامبر ﷺ را قبول کرد و تخت پادشاهی کسری بدست مسلمانان سرنگون شد.

۴- ارسال نامه برای قیصر پادشاه روم

پیامبر ﷺ با همان مضمون نامه‌های متذکره نامه ای برای هرقل پادشاه روم نوشته و برای بردن نامه دحیه بن خلیفه کلبی را انتخاب کردند. هرقل ابوسفیان بن حرب و تنی چند را که غرض تجارت به شام رفته بودند نزد خود فرا خواند و در مورد پیامبر ﷺ از وی پرسشهایی کرد، پس از آن گفت: اگر آنچه تو می‌گویی حق است به زودی جای این دو پای (قدمگاه) مرا مالک خواهد شد.

هرقل برای سفیر پیامبر ﷺ هدایای فراوانی بخشیده و او به مدینه برگشت.

۵- نامهٔ پیامبر ﷺ به حاکم بحرین

پیامبر ﷺ نامهٔ برای منذر بن ساوی حاکم بحرین نگاشته و او را به اسلام دعوت کرد، این نامه را علاء بن حضرمی حاکم بحرین برای مردم بحرین خواند. برخی از مردم علاقمند به اسلام شده و مسلمان شدند.

همچنان پیامبر ﷺ نامهٔ برای هریک هودنه بن علی فرمانروای یمامه، حارث بن ابی شمر غسانی فرمانروای دمشق و جیفر پادشاه عمان فرستادند که برخی از این اشخاص ایمان آورده و برخی دیگر کافر ماندند، بدین ترتیب همه شاهان و سران دول با نام و دین آنحضرت ﷺ آشنا شدند.

آموزش‌های درس

- حقانیت اسلام و بر خورد نیک مسلمانان سبب گرویدن مردم به دین اسلام شد.
- ارسال نامه‌ها به سران دول و معرفی دین اسلام به آنها در نشر دین اسلام نقش مهمی

ایفا کرد.

- متکبرانی که نامهٔ پیامبر ﷺ را نپذیرفتند به عواقب ناگواری مواجه شدند.
- نامه‌های پیامبر ﷺ به پادشاهان به جهانی بودن دین اسلام دلالت می‌کند.



ادزیابی

- ۱- پس از قرائت نامهٔ پیامبر ﷺ نجاشی چگونه برخورد کرد؟
- ۲- مقوقس پادشاه مصر در برابر نامهٔ پیامبر ﷺ چه عکس العمل نشان داد؟
- ۳- فرق میان برخورد کسری و قیصر در برابر نامهٔ پیامبر ﷺ را توضیح بدهید.



کارخانه‌گی

شاگردان عزیز متن نامهٔ پیامبر ﷺ به نجاشی را در کتابچه‌های خود بنویسید.

غزوه خیبر

خیبر روستائی بود با قلعه‌های مستحکم و اراضی زراعتی. این منطقه در حدود یک صد میل از مدینه فاصله دارد.

چون رسول الله ﷺ پس از عقد پیمان صلح از ناحیه قریش مطمئن شد، خواستند از جانب یهود و قبایل نجد آسوده خاطر شوند تا برای رسانیدن دعوت الهی و تبلیغ دین اسلام فراغت حاصل کنند.

خیبر پایگاه توطئه و دسیسه یهود و مرکز آشوب و فتنه به حساب می‌رفت اینک زمینه تصفیۀ حساب با این مجرمین فرا رسیده بود بناءً پیامبر ﷺ عزم تأدیب توطئه گران یعنی یهود خیبر را کرد.

حرکت به سوی خیبر

چون منافقین در غزوه حدیبیه از امر رسول الله ﷺ تخلف ورزیده بودند پیامبر ﷺ وقتی خواستند به سوی خیبر حرکت کنند، رسول الله ﷺ اعلان نمودند که همراه شان تنها کسی بیرون آید که تمایل به جهاد دارد بدین ترتیب از ورود منافقین به لشکر مسلمانان جلوگیری شد.

هر چند عبدالله بن ابی بن سلول رئیس منافقین از حرکت پیامبر ﷺ به یهود خیبر اطلاع داد تا از خیبر دفاع کنند، یهود پس از مشوره و اطلاع یافتن از حرکت پیامبر ﷺ به سوی خیبر از قبیله غطفان که هم پیمان شان بود نیز کمک خواستند، آنحضرت ﷺ در مسیر راه در جبل عصر (اسم موضعی است) فرود آمدند، قبیله غطفان که خود را برای کمک به یهود آماده نموده بودند وقتی از عقب صدای مسلمانان را شنیدند تصور کردند که مسلمانان بر خانواده‌ها و مواشی شان یورش برده اند، از این رو راه رسول الله ﷺ را به سوی خیبر باز گذاشته به خانه‌های خویش برگشتند.

شاگردان به کمک استاد مضمون در مورد اسباب منع منافقین از رفتن به غزوۀ خیبر باهم مباحثه نمایند.

لشکر مسلمین در کنار دیوارهای خیبر

مسلمانان شب را نزدیک خیبر گذرانیدند، در حالی که یهودی‌ها از آن اطلاع نداشتند، چون صبح شد مسلمانان نماز را در تاریکی اداء نموده به سوی قلعه‌های خیبر رفتند، صبحگاهی وقتی مردم خیبر به سوی کشت و زراعت شان رفتند لشکر را دیده و گفتند محمد آمده، سپس به سوی خانه‌های شان گریختند.

رسول الله ﷺ فرمودند: (الله اکبر خربت خیبر، الله اکبر خربت خیبر، انا اذا نزلنا بساحة قوم فساء صباح المنذرين) [الله اکبر! ویران شد خیبر، الله اکبر! ویران شد خیبر، همانا زمانی که ما به میدان قومی فرود آییم، بد است صبحگاهان بیم داده شدگان].

آنحضرت ﷺ محلی را به عنوان جا انتخاب کردند، ولی حباب بن منذر آمده گفت: یا رسول الله آیا خداوند شما را به اینجا آورده و یا رأی و نظر جنگی است؟ پیامبر ﷺ فرمود: نه، این رأی و نظر جنگی است. سپس حباب گفت: این محل مناسبی نیست؛ زیرا نزدیک قلعه است، تیرهای دشمن به ما می‌رسد و تیر ما به آنان نمی‌رسد، و ما از شیخون آنان نیز ایمن نیستیم، همچنان این محل در میان درختان خرما قرار دارد، اگر دستور دهید محل دیگری برای قرار گاه انتخاب شود.

آنحضرت ﷺ گفت: نظر درستی گفתי، سپس قرار گاه خود را در محلی دیگر ساختند.

آمادگی برای جنگ

شب فرا رسید، پیامبر ﷺ گفت: فردا لواء را به کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست میدارد و خدا و رسولش نیز او را دوست میدارند.

چون صبح شد هر یک امیدوار بود که لواء به وی داده شود، ولی آنحضرت ﷺ گفت:

علی بن ابی طالب کجاست؟ گفتند: چشمانش درد می‌کند، کسی را فرستادند، علی رضی الله عنه آمد، رسول الله صلی الله علیه و آله لعاب دهان شان را بر چشمان علی رضی الله عنه مالیدند و برایش دعا کردند، او صحت یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله لواء را به او دادند و گفتند: یهودان خیر را به اسلام دعوت کن و آنان را از حقوق الهی که بر دوش شان است آگاه ساز و به خدا سوگند هرگاه خداوند یک مرد را به وسیله تو هدایت کند برایت بهتر از آن است که شترهای سرخ (شتر سرخ در نزد عربها کنایه است از بهترین چیز) داشته باشی.

خیبر به دو بخش تقسیم می‌شد، در بخش اول پنج قلعه مستحکم به نام‌های قلعه ناعم، قلعه زبیر، قلعه صعّب بن معاذ، قلعه ابی و قلعه نزار بود.

بخش دومی قلعه‌های نطا، شق و ابی الحقیق بود، این همه قلعه‌ها طی چند روز محاصره شده و به دست مسلمین فتح شد، هرگاه قلعه‌ای فتح می‌شد دشمنان به قلعه دیگری فرار می‌کردند، در اخیر یهودان چاره ندیدند جز آنکه به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد صلح نمایند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم با آنان مصالحه کردند که مال، زمین، طلا و نقره، گاو گوسفند و آلات جنگی خود را به مسلمانان تسلیم نموده با حفظ جان جنگجویان و خانواده‌های شان خیبر را ترک می‌گویند، بدین ترتیب تمام قلعه‌های خیبر به مسلمین تسلیم شد.

از وقایع مهم غزوه خیبر آمدن جعفر بن ابی طالب و ابو موسی اشعری رضی الله تعالی عنهما از حبشه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با صفیه بنت حبیبی بن اخطب و تحریم نکاح متعه می‌باشد.

آموختنی‌های درس

- - اخلاص در عمل، موفقیت به بار می‌آورد.
- - اهمیت اصل مشوره در اسلام.
- - دعوت دشمن به اسلام قبل از جنگ شیوه همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله بود.
- - در غزوه خیبر برخی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر گردید.
- - برای کارهای مهم افراد لایق و توانا باید انتخاب شوند.
- - به دشمن باید در هیچ حالی فرصت داده نشود تا قوت گرفته و برای دولت اسلامی مزاحمت ایجاد کند.

- - فرمانده مسلمان باید از مشوره‌های خوب در هر حال استفاده نموده از استبداد رأی خود داری ورزد.



- ۱- چرا پیامبر ﷺ قرارگاه جنگی را از محلی به محل دیگر تغییر دادند؟
- ۲- نتیجه غزوہ خیبر چه بود؟



شاگردان عزیز! فشرده وقایع غزوہ خیبر را در کتابچه‌های خود بنویسید.

در ذی القعدة سال هفتم هجری پیامبر ﷺ از اصحاب خویش خواستند تا عمره نموده و عمره گذشته خود را قضاء آورند، و هیچکدام از آنانی که در حدیبیه حضور داشتند از آن تخلف نورزند.

احتیاط از ترس خیانت قریش

پیامبر ﷺ از بیم آنکه مبادا از سوی قریش خیانت و فریبی صورت گیرد، مجهز با اسلحه حرکت کردند، و در پیشاپیش قافله دو صد مرد جنگی سوار کار تحت قیادت محمد بن مسلمه را فرستادند، در یأجج (اسم جایی است) قریش مکرز بن حفص را با تعداد دیگری فرستادند تا از تصمیم لشکر مسلح مسلمین آگاهی یابند، پیامبر ﷺ به آنان اطلاع داد که طبق شرط قبلی همینگونه بدون سلاح داخل مکه خواهند شد.

پیامبر ﷺ وسایل جنگی از قبیل شمشیر، تیر و کمان و نیزه‌ها در همان منطقه را گذاشتند و محمد بن مسلمه را با دو صد تن دیگر غرض حفاظت اسلحه همانجا موظف فرمود و خود با سایر اصحاب، شمشیرها در نیام وارد مکه شدند.

دخول به مکه و طواف و سعی

آنحضرت ﷺ هنگام ورود به مکه بر شتر خود که قصوانام داشت سوار بودند و مسلمانان نیز در حالی که سلاح شان را در نیام داشتند، ایشان را احاطه نموده و تلبیه می گفتند.

پیامبر ﷺ از گردنه ای که به حجون می برآید وارد مکه شدند، حجر اسود را با عصای خویش لمس نموده سپس طواف کردند و مسلمانان نیز طواف را انجام دادند.

آنحضرت ﷺ و مسلمین در سه طواف اول به سرعت قدم بر می داشتند، چون مشرکین آنان را دیدند، گفتند: اینان همان هائی هستند که شما گمان می کردید تب مدینه آنان را درمانده کرده، در حالی که چست و نیرومند ترند.

چون آنحضرت ﷺ از طواف فراغت یافتند در میان صفا و مروه سعی نموده و فرمودند: این قربانگاه است و تمام راه‌ها و کوچه‌های مکه قربانگاه است، همان بود که در کنار مروه قربانی خود را ذبح نموده، سپس سر خود را تراشیدند، و مسلمانان نیز چنین کردند.

پیامبر ﷺ با صحابه نمازهای پنجگانه را با جماعت اداء می کردند، و بلال بن رباح رضی الله عنه با آواز بلند خود از بالای کعبه ندای اذان می داد که چون صاعقه بر مشرکین بود.

پس از آن عده ای را به یأجج (اسم جایی است) فرستادند تا از اسلحه ایشان در آنجا حفاظت کنند و آنانی که قبلا به محافظت سلاح مشغول بودند برای ادای مناسک عمره حضور یابند، آنان آمده و مناسک عمره قضا را انجام دادند.

برگشت به سوی مدینه

رسول الله ﷺ سه روز در مکه اقامت نمودند و صبح روز چهارم مشرکین نزد علی رضی الله عنه آمده گفتند: به دوستت بگو که مدت معین سپری شده و باید از مکه خارج شود. پیامبر ﷺ از مکه بیرون شده و در منطقه سرف اقامت گزیدند. پس از عمره قضا پیامبر ﷺ با میمونه بنت حارث رضی الله تعالی عنها ازدواج نمودند. ام المؤمنین میمونه آخرین ازواج مطهرات است.

نتایج عمره قضا

این عمره بر عرب بخصوص بر قریش تأثیر زیادی گذاشت، شماری از قریش در دارالندوه و عده دیگری بر بلندی‌های مشرف به مکه ایستاده داخل شدن پیامبر و اصحابش را تماشا می‌کردند. خالد بن ولید در جمعی از قریش ایستاد و گفت: هر عاقلی می‌داند که محمد ساحر، جادوگر و شاعر نیست، سخن او از جانب پروردگار است، پس هر عاقلی باید از وی پیروی نماید.

پس از خالد بن ولید، عمرو بن عاص و عثمان بن طلحه متولی کعبه نیز ایمان آوردند، کم‌کم تأثیر اسلام در هر خانه قریش به صورت مخفی و علنی نمودار می‌شد و زمینه برای نشر اسلام در مکه پیش از پیش مساعد می‌گردید.

آموختنی‌های درس



- ۱- طبق پیمان صلح حدیبیه پیامبر ﷺ و مسلمانان به عهد خویش وفا نموده و مکه را در وقت معین ترک کردند. این درسی است برای مسلمانان تا به عهد خویش پابند باشند.
- ۲- مسلمانانی که با ناتوانی از مکه هجرت کرده بودند با نیرومندی وارد مکه شدند این کار روحیه سران شرک را بیشتر تضعیف کرد.
- ۳- رعایت جانب احتیاط در تعامل با دشمن در هر حال مهم است.



ادزیابی

- ۱- مسلمانان غرض احتیاط از خیانت قریش چه تدبیری اتخاذ کردند؟
- ۲- عمره قضا چه اثری در تقویت روحیه مسلمانان و تضعیف روحیه مشرکان مکه داشت؟
- ۳- این عمره را چرا عمره قضا نامیده‌اند؟



کارخانه‌گی

شاگردان در مورد پیامدهای عمره قضا مقاله بنویسند که از شش سطر کم نباشد.

سریه موته و ذات السلاسل

۱- سریه موته

این نبرد بزرگترین جنگی بود که بین مسلمانان و کفار در حیات پیامبر ﷺ واقع شد و جنگ مذکور سر آغاز فتح سرزمین‌های مسیحیان بود. جنگ موته در سال هشتم هجری در منطقه (موته) دهکده ای در انتهای بلقay شام که فاصله آن با بیت المقدس از سه منزل بیش نبود، صورت گرفت.

انگیزه این جنگ

پیامبر ﷺ حارث بن عمیر ازدی را همراه نامه ای نزد حاکم بصره فرستادند، ولی شرحیل بن عمرو غسانی که از سوی امپراطور روم حاکم بلقاء شام بود، راهش را گرفته و او را به قتل رسانید.

با شنیدن این خبر رسول الله ﷺ خیلی متأثر گردیده و برای جنگ با آنان لشکری به تعداد سه هزار تن را مجهز ساخت.

امیران لشکر و سفارش پیامبر ﷺ

رسول الله ﷺ زید بن حارثه رضی الله عنه را بحیث فرمانده این لشکر تعیین کرد و فرمود: اگر زید به شهادت رسید جعفر فرمانده لشکر است، و اگر او نیز شهید شد عبدالله بن رواحه رضی الله عنه فرماندهی لشکر را به دوش گیرد.

پیامبر ﷺ به مجاهدین دستور داد که به محل شهادت حارث بن عمیر رفته قبل از اقدام به نبرد مردم را به اسلام دعوت کنند، همچنان پیامبر ﷺ به آنان فرمود: با نام خدا و در راه خدا بجنگید، خیانت نکنید و چور و چپاول ننمائید، کودک و زن پیران سالخورده را نکشید و متعرض کسی که در عبادتگاهی دور از مردم قرار گرفته نشوید، و درخت و نخل را قطع نکنید و ساختمانی را ویران ننمائید.

شاگردان در مورد توصیه‌های پیامبر ﷺ به لشکر اسلام باهم مباحثه نمایند.

حرکت لشکر مسلمین و مقابل شدن با حالت ناگهانی

لشکر مسلمین حرکت کرده و به معان در شمال حجاز و سرحد شام رسید مسلمانان در اینجا اطلاع یافتند که هرقل امپراتور روم با یک صد هزار نفر رومی در بلقاء فرود آمده و نزدیک به یک صد هزار تن از عرب‌های قبایل لخم، جذام، بلقین و بهراء نیز با آنان یکجا شده اند.

مسلمانان در منطقه معان در مورد رویارویی و مقابله با دشمنی به این بزرگی با هم به مشوره پرداختند، برخی گفتند: به پیامبر ﷺ نامه ای بنویسیم و ایشان را اطلاع دهیم سپس هر چه فرمودند همان کنیم، عبدالله بن رواحه با این نظر مخالفت کرد و گفت: آیا شما از شهادت می‌ترسید که در طلب آن برآمده اید؟! ما با نیرو نمی‌رزمیم بلکه به وسیله دینی که خدا ما را با آن عزت داده جنگ می‌کنیم، بروید یکی از این دو نیکی با شماست، یا فتح یا شهادت، در نهایت همه مسلمانان با او هم نظر شدند.

مقابل شدن با دشمن و آغاز جنگ

لشکر مسلمین در دهکده بلقاء شام در منطقه مشرف با دشمن رو به رو شد. پرچم جنگ را زید بن حارثه رضی الله عنه برداشت و با قهرمانی و شجاعت بی نظیری جنگید تا آنکه نیزه‌های کفار او را از پا در آورد و شهید شد، پس از او جعفر رضی الله عنه پرچم را گرفت و جنگید تا آنکه دست راستش قطع شد، پرچم را با دست چپ خود گرفت آن هم قطع شد، سپس پرچم را در میان دو بازوی خود در آغوش گرفت و آن را برافراشته داشت تا آنکه به شهادت رسید.

پس از جعفر رضی الله عنه پرچم اسلام را عبدالله بن رواحه به دست گرفت او نیز از خود قهرمانی‌هایی نشان داد تا آنکه شهید شد.

پس از شهادت عبدالله بن رواحه مردی از بنی عجلان به نام ثابت بن ارقم پیش رفته و پرچم را برداشت و گفت: ای مسلمانان برای خود امیری را برگزینید، مردم خالد رضی الله عنه را

به صفت فرمانده لشکر پذیرفتند، بخاری به سند خود از خالد رضی الله عنه روایت می کند که در روز موته نه شمشیر در دستم شکست.

خالد رضی الله عنه با ابتکاری که داشت در جاهای لشکر تغییراتی آورد که کفار گمان کردند لشکر کمکی به مسلمانان رسیده است، مسلمانان آهسته آهسته خود را عقب کشیدند و کفار نیز از ترس اینکه مبادا فریبی در کار باشد از تعقیب دست کشیده و مسلمانان سالم به مدینه باز گشتند.

تأثیر این نبرد

مسلمانان هرچند نتوانستند به پیروزی کامل دست یابند ولی این نبرد اثر بزرگی در اعتبار جنگی مسلمانان به جا گذاشت، که قبایل سرسختی که بر ضد مسلمین قیام می کردند پس از این جنگ به دین اسلام گرائیدند، و قبایل بنو سلیم، اشجع، غطفان و ذبیان مسلمان شدند، این جنگ مقدمه رویارویی مسلمانان با رومیان و فتح شهرهای روم و فتح سرزمین های دور توسط مسلمانان بود.

۲- سریه ذات السلاسل

برای جلوگیری از ائتلاف عرب های ساکن شام با رومی ها، پیامبر صلی الله علیه و آله در جمادی الآخر سال هشتم هجری عمرو بن عاص رضی الله عنه را که مادر کلانش زنی از آن قبایل بود به آن سمت فرستادند تا حمایت آنان را جلب کند.

عمرو بن عاص رضی الله عنه شبانه حرکت می کرد و روزها کمین می گرفت، او اطلاع یافت که مردم قبیله قضاعه اجتماع بزرگی دارند، مکیش جهنی رضی الله عنه را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و از ایشان کمک خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله دو صد تن از بزرگان مهاجرین و انصار را که ابوبکر صدیق، ابوعبیده بن جراح و عمر رضی الله عنهم نیز در میان آنان بود به کمک عمرو بن عاص رضی الله عنه فرستادند، لشکر مسلمین سرزمین قضاعه را تحت فرمان خود در آورد، و پیروزمندانه برگشت.

این سریه را از آن جهت ذات السلاسل می نامند که مسلمانان به چشمه ای در سرزمین جذام فرود آمدند که به نام سلسل یاد می شد ازین رو این سریه ذات السلاسل نامیده شد.

آموزش‌های درس



- اهمیت حیات و خون یک مسلمان آنقدر با ارزش است که برای خونخواهی سفیر اسلام پیامبر ﷺ لشکری را اعزام می‌نمایند.
- دین اسلام با فداکاری‌های اصحاب پیامبر ﷺ به ما رسیده است، از اینرو احترام به مقام والای صحابه یک ارزش و وجیه شرعی بر مسلمانان می‌باشد.
- سبب اصلی پیروزی مسلمانان بر دشمن کثرت لشکر و اسلحه و افراد نیست بلکه قوت ایمانی و اسلامی مهمترین عامل موفقیت در جهاد و مبارزه می‌باشد.
- باید از تکتیک‌های جنگی جهت سرکوبی دشمن و نجات خویش استفاده کرد.
- رعایت احتیاط و حذر در جنگ و نبرد یکی از مسؤولیتهای قیادت می‌باشد.

ارزیابی



- ۱- انگیزه ارسال سریه مویه چه بود؟
- ۲- توصیه‌های پیامبر ﷺ به سران لشکر چه بود؟
- ۳- در سریه ذات السلاسل به فرماندهی چه کسی کدام مناطق فتح شد؟ و هم بنویسید که این سریه را چرا ذات السلاسل نامیده اند؟



کارخانه‌گی

شاگردان تفصیلات جنگ مویه را در کتابچه‌های خود بنویسند.

فتح مکه (۱)

اسباب و آمادگی برای حرکت به سوی مکه

فتح مکه بزرگترین فتوحی است که خداوند به وسیله آن پیامبر ﷺ و مسلمین را عزت بخشید، و پس از آن مردم دسته دسته به دین اسلام گرویدند.

سبب این غزوه

در یکی از بندهای پیمان صلح حدیبیه تذکر داده شده بود که هر که بخواهد میتواند هم پیمان محمد ﷺ شود، و هر که بخواهد می تواند هم پیمان قریش گردد، و هر قبیله ای که به یکی از این دو طرف پیمان بپیوندد، جزئی از همان طرف و گروه به حساب می آید، و تجاوز بر هر قبیله ای که به طرفی گرائیده تجاوز بر همه گروه خواهد بود. با استفاده از این بند پیمان صلح حدیبیه قبیله خزاعه با مسلمانان و قبیله بنو بکر در پیمان قریش داخل شدند.

در سال هشتم هجری بنو بکر بر خزاعه شیعخون زدند و شماری را زخمی کردند و عده ای قریشی ها هم به بنی بکر اسلحه داده بودند، که این واقعه رهبران قریش را نگران ساخت.

آمادگی برای فتح مکه

پس از اینکه پیمان صلح حدیبیه از طرف قریش نقض شد پیامبر ﷺ به صحابه دستور دادند تا آماده شوند و اطلاع دادند که خود هم عازم مکه اند، آنحضرت ﷺ می خواست به صورت ناگهانی داخل مکه شوند، ازین جهت نمی خواست مردم از عزم سفر شان آگاهی یابند.

حاطب بن ابی بلتعه از جمله مسلمانانی که در غزوه بدر نیز اشتراک کرده بود می خواست پنهانی قریش را از عزم رسول الله ﷺ آگاه سازد ولی پیامبر ﷺ از قصد او اطلاع یافته از آن جلوگیری کرد، بدین ترتیب اطلاعی در مورد آمادگی مسلمین به قریش نرسید.



شاگردان در باره ضرورت اخذ احتیاطات و پنهان نگهداشتن اسرار مهم با هم گفتگو کنند.

حرکت لشکر اسلامی به سوی مکه

رسول الله ﷺ در دهم ماه رمضان سال هشتم هجری با ده هزار تن از اصحاب شان مدینه را به قصد مکه ترک گفتند.

آنحضرت ﷺ در مسیر راه مکه، با کاکای شان عباس رضی الله عنه و خانواده وی که قصد هجرت به مدینه را داشتند مقابل شدند.

لشکر مسلمانان در مر الظهران (اسم جایی است) فرود آمد و رسول الله ﷺ دستور دادند تا آتش افروزند، درین شب عباس رضی الله عنه سوار بر اشتر سفید رسول الله ﷺ از لشکر گاه بیرون شد تا به قریش احوالی بفرستد تا پیش از ورود پیامبر به مکه برآمده از او امان بخواهند، عباس رضی الله عنه در راه با ابوسفیان مقابل می شود و او را با خود نزد رسول الله ﷺ آورد و او شهادت حق را بر زبان آورد و مسلمان شد.

عباس رضی الله عنه برای پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ابوسفیان مردی است خواهان فخر و شرف، پس برای او مزیتی قایل شوید! رسول الله ﷺ فرمود: آنکه به خانه ابوسفیان داخل شود در امان قرار دارد، و آنکه دروازه خانه اش را به رویش ببندد در امان قرار دارد و آنکه به مسجدالحرام داخل شود در امان قرار دارد.

آموختنی های درس

- فتح مکه برای مسلمانان واقعه سرنوشت سازی بود.
- حفظ و نگهداری اسرار راز موفقیت شمرده می شود.
- اگر کسی از داخل صف مسلمانان به دشمن خبر لشکر اسلام را می رساند، به خدا و رسولش خیانت کرده است.
- پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی به فتح مکه اقدام کرد که دشمن خود پیمان را شکسته بود.



ارزیابی

- ۱- عامل شکست پیمان صلح حدیبیه چه بود؟
- ۲- فتح مکه چه اهمیت و پیامدهای برای اسلام داشت؟



کارخانه گی

شاگردان در مورد فتح مکه و نتایج آن مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

فتح مکه (۲)

دخول فاتحانۀ پیامبر به مکه

صبح روز سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال هشتم هجری پیامبر ﷺ از مر الظهران به سوی مکه حرکت کردند، و به عباس رضی الله عنه دستور دادند تا ابوسفیان را در محلی نگهدارد تا لشکر مسلمین از پیش رویش بگذرد و او این را مشاهده کند.

هر گروهی که از مقابل ابوسفیان می گذشت او می پرسید: کیست؟ تا آنکه رسول الله ﷺ در میان گروهی از انصار و مهاجرین که سراپا غرق آهن بودند گذشت، ابوسفیان پرسید این گروه چه کسانی اند؟ عباس رضی الله عنه گفت: این رسول الله ﷺ در میان مهاجرین و انصار است، ابوسفیان گفت: هیچ کسی در برابر اینان تاب مقاومت ندارد.

عباس رضی الله عنه به ابوسفیان گفت: به سوی قومت بشتاب، ابوسفیان به سرعت وارد مکه شده فریاد کشید، ای قریش این محمد است، با لشکری نزد شما آمده که یارای مقابله با آن نیست، پس آنکه به خانه ابوسفیان داخل شود در امن و امان قرار دارد.

همان بود که مردم پراکنده شده به خانه های شان و به مسجد الحرام رفتند، و شماری از افراد گمنام با عکرمه بن ابی جهل و صفوان بن امیه و سهیل بن عمرو در خدمه جمع شدند تا با مسلمین بجنگند.

لشکر مسلمانان در ذی طوی در سه راه مسیر خود را تعیین نمودند، خالد بن ولید رضی الله عنه همراه با تعدادی در جانب چپ بود و پیامبر ﷺ به آنان دستور دادند تا از قسمت پایان مکه وارد شوند. زبیر بن عوام رضی الله عنه در جانب راست لشکر بود و پیامبر ﷺ به او دستور دادند تا از قسمت بالائی مکه وارد شوند، و ابو عبیده رضی الله عنه همراه افراد پیاده و بی سلاح

بود، پیامبر ﷺ از او خواستند وسط وادی را طی کند تا آنکه در مکه هر سه بخش لشکر به رسول الله ﷺ پیوندند.

ورود مسلمانان به مکه

هر سه بخش لشکر مسلمانان از راه‌هایی که قبلاً تعیین شده بود حرکت کردند و وارد مکه شدند، جنگی رخ نداد، تنها آن عده بی‌خردانی که در خندمه جمع شده بودند دوازده تن آنان در درگیری با افراد خالد رضی الله عنه کشته شدند و متباقی فرار کردند. خالد رضی الله عنه در نزدیک صفا نزد پیامبر ﷺ رسید، زبیر رضی الله عنه نیز در حجون (اسم موضعی است) خیمه زد و همانجا بود تا آنکه رسول الله ﷺ به آنجا رسیدند.

پیامبر ﷺ مسجد الحرام را از بت‌ها پاک می‌کند

پیامبر ﷺ همراه مهاجرین و انصار وارد مسجد الحرام شدند، در آنجا (۳۶۰) بت گذاشته شده بود، آنحضرت ﷺ که در دست شان کمانی داشتند، بت‌ها را به آن زده می‌گفتند: ﴿وَقُلْ جَلَّةَ الْحَقِّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [اسراء / ۸۱]. ترجمه: (و به ایشان بگو حق فرا رسیده است و باطل از میان رفته و نابود گشته است، همانا باطل همیشه نابود شدنی است).

بت‌ها روی هم افتادند، رسول ﷺ طواف شان را تکمیل کرده و کلید کعبه را از عثمان بن طلحه متولی کعبه گرفته و داخل خانه کعبه شدند، پس از آن در کعبه نماز خوانده و در برابر قریش خطبه ایراد کرده فرمود: ای گروه قریش! خداوند نخوت و غرور جاهلیت را نابود ساخت، مردم از آدم‌اند و آدم از خاک، سپس این آیه مبارکه را تلاوت کردند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [حجرات/۱۳]. ترجمه: (ای مردم! همانا ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریدیم و شما را قبیله قبیله نمودیم تا همدیگر را بشناسید، بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا پرهیزگار ترین شماست).

سپس بلال رضی الله عنه بر فراز کعبه اذان گفت، رسول الله صلی الله علیه و آله نماز شکرانه فتح مکه را اداء کردند، و خون مردانی از مشرکین را هدر اعلان نمودند، در روز دوم پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه دیگری ایراد کردند.

فعالیت (۲)

شاگردان در مورد جلوه‌های عدالت و مساوات بشری در خطبه فتح مکه باهم مباحثه نمایند.

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از گرفتن بیعت مردم مکه، مدت نه روز در مکه اقامت کردند و احکام اسلام را به مردم آموختند.

سایر قبایل عرب در انتظار این غزوة سرنوشت ساز بودند تا ببینند نتیجه این جنگ و مبارزه میان مسلمین و بت پرستان چه خواهد شد؟ آنان پس از فتح دریافتند که با این فتح موقف سیاسی و دینی مسلمین در سراسر جزیره العرب چیره گردیده است، و برای همه مردم عرب راهی نماند جز آنکه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بیایند و اسلام را بپذیرند و خود دعوتگر اسلام شدند.

آموزش‌های درس



- از میان بردن و نفی هر گونه تبعیض در میان مسلمانان .
- تأثیر نیروی نظامی مسلمانان در تضعیف روحیهٔ مشرکان.
- تقویت موقف سیاسی و دینی مسلمین در جزیرهٔ العرب.
- شکستن بتان و از بین بردن مظاهر شرکی در مکه برای ابد.
- اعلان عفو عمومی پس از پیروزی.



- ۱- فتح مکه در کدام سال صورت گرفت، و پیامبر ﷺ چرا دستور دادند ابوسفیان حرکت لشکر مسلمین را مشاهده کند؟
- ۲- وقتی پیامبر ﷺ بت‌های داخل مسجد الحرام را از میان می‌بردند چه می‌گفتند؟
- ۳- لشکر اسلام به فرماندهی چه کسانی و از کدام راه‌ها داخل مکه شدند؟



کارخانه‌گی

شاگردان مهم‌ترین واقعات فتح مکه را با مراعات ترتیب تاریخی در کتابچه‌های خویش بنویسند.

غزوه حنین و طائف

۱- غزوه حنین

هر چند فتح مکه عرب‌ها را سراسیمه نموده و آنان را وادار به پذیرفتن اسلام ساخت مگر برخی از قبایل مغرور و نیرومند عرب چون قبایل ثقیف و هوازن و قبایل کوچک دیگری از سلسله قیس بن عیلان متحد شده و تصمیم گرفتند تا به میدان مصاف با مسلمین بر آیند.

مشرکین به فرماندهی مالک بن عوف با خانواده‌های خود در منطقه اوطاس فرود آمده و برای جنگ با مسلمانان آماده گی گرفتند.

پیامبر ﷺ روز شنبه ششم ماه شوال سال هشتم هجری با دوازده هزار تن از مسلمانان (ده هزار تن از مدینه آمده بودند و دو هزار تن از تازه مسلمانان مکه) به سوی حنین به راه افتادند.

افراد اطلاعاتی مسلمین نزد پیامبر ﷺ آمده گفتند: به کوه فلان و فلان برآمدیم و دیدیم همگی هوازن همراه با زنان، شترها و گوسفندان آمده اند، آنحضرت ﷺ تبسم نموده فرمودند: این‌ها هم ان شاء الله فردا به غنیمت مسلمین در می آیند.

حمله ناگهانی دشمن بر مسلمانان

پیامبر ﷺ و لشکر او شب چهارشنبه دهم ماه شوال به حنین رسیدند، ولی سر کردهٔ مشرکین مالک بن عوف پیشتر از مسلمانان به آنجا رسیده و لشکر خود را داخل وادی نموده و در راه‌های ورودی وادی کمین گرفته بودند. صبحگاه وقتی نیروهای مسلمان به دسته‌ها تقسیم شده و با لواءها و دسته‌های منظم داخل وادی شدند، ناگهان نخست تیر اندازان و سپس افراد دیگر دشمن بر آنان حمله کردند، مسلمانان عقب نشینی نمودند، حالت سختی بود، کسی متوجه کسی دیگر نمی‌شد.

رسول الله ﷺ درین حالت می فرمود: ای مردم به سوی من بشتابید، من رسول الله هستم، من محمد بن عبدالله هستم.

درین حالت به جز اندکی از مهاجرین و خانواده پیامبر ﷺ کسی همراه ایشان نمانده بود پیامبر مرکب خویش را به سوی دشمن رانده و می فرمود:

أنا النبی لا کذب - أنا ابن عبدالمطلب

من پیامبرم این سخن دروغ نیست، من فرزند عبدالمطلب می باشم.

ابوسفیان بن حارث و عباس رضی الله عنهما از لگام و رکاب قاطر ایشان گرفته آن را از سرعت باز می داشتند.

رسول الله ﷺ از مرکب فرود آمده از خداوند عزوجل نصرت طلبیده فرمودند: (خداوندا! نصرت را فرود آر!).

پیامبر ﷺ به عباس خدیجه دستور دادند تا در میان لشکر با صدای بلند ندا کند و لشکر را فرا خواند، مهاجرین و انصار به دعوت پیامبر ﷺ لبیک گفتند، در میدان کارزار جنگ سخت و شدیدی در گرفت، پیامبر ﷺ مشتی خاک را از زمین گرفته به روی مشرکین پاشیده فرمودند: (شاهت الوجوه) یعنی زشت باد این روی ها! چشمان دشمن از خاک پر شد و پس از آن رو به هزیمت و شکست نهادند.

شکست دشمن و تعقیب آن

ساعتی پس از انداختن این مشت خاک دشمن شکست سختی را متحمل شد، تنها از قبیله ثقیف هفتاد تن کشته شدند، مال و سلاح دشمن به دست مسلمین افتاد.

این همان واقعه است که خداوند در مورد آن می فرماید: ﴿وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ [توبه/ ۲۵-۲۶] ترجمه: (از جمله در جنگ حنین [که میان شما و هوازن رخ داد] بدانگاه که فرونی خود تان شما را به شگفت انداخت ولی آن لشکریان فراوان

اصلاً به کار شما نیامدند و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد و از آن پس پشت کردید و پای به فرار نهادید سپس خداوند آرامش خود را نصیب پیغمبرش و مؤمنان گرداند و لشکرها را از [فرشتگان] را فرو فرستاد که شما آنان را نمی‌دیدید و کافران را مجازات کرد و این است کیفر کافران).

چون دشمن شکست خورد گروهی از آنان به سوی طائف و برخی به سوی نخله و اوطاس گریختند، رسول الله ﷺ غرض تعقیب دشمن گروهی از صحابه را به سرکردگی ابو عامر اشعری به اوطاس، و سوارانی را به سوی نخله فرستادند، و آنحضرت ﷺ پس از جمع آوری غنائم جهت تعقیب مشرکین به طرف طائف رفتند.



شاگردان در مورد اثر پیروزی ایمان و اخلاص و طهارت نفس در جهاد و مقابله با دشمن باهم مباحثه نمایند.

۲- غزوه طائف

این غزوه ادامه غزوه حنین است، زیرا فرمانده دشمن با شماری از افراد خود بدان صوب فرار نموده بودند. پیامبر ﷺ، دشمن شکست خورده را تعقیب نمودند. خالد بن ولید با هزار تن قبل از پیامبر ﷺ به طائف وارد شد و سپس آنحضرت ﷺ به طائف رسیده و دشمن را در قلعه ای محاصره کردند.

این محاصره چند روزی به طول انجامید، درین مدت هر دو جانب به سوی همدیگر تیر اندازی می‌کردند که به اثر آن عده ای از مسلمین زخمی و دوازده تن ایشان شهید شدند. به اثر پرتاب منجنیق بر دشمن سوراخی در دیوار قلعه پدید آمد، مسلمانان خواستند تا از آن سوراخ قلعه را آتش زنند ولی مورد تیر اندازی دشمن قرار گرفتند.

منادی رسول الله ﷺ اعلان نمود: هر برده ای که از قلعه پائین شده و جانب ما بیاید آزاد است، با این ندا بیست و سه مرد به سوی مسلمین آمد، چون محاصره طولانی شد و فتح

قلعه نیز دشوار گشت، پیامبر ﷺ پس از مشوره تصمیم گرفت تا محاصره را شکسته طائف را ترک نموده و برای هدایت مردم ثقیف دعا نمودند. پس از آن رسول الله ﷺ به قصد ادای عمره وارد مکه شده و پس از انجام آن به مدینه باز گشتند و در مکه عتاب بن اسید را به صفت والی تعیین نمودند. پس از ورود به مدینه رسول ﷺ بعضی سربیه‌ها را جهت سرکوبی برخی از قبائل متمرّد فرستاده و همچنان دعوت‌گران برای دعوت مردم و مامورین جمع آوری زکات را برای تنظیم زکات به اطراف فرستادند.

آموختنی‌های درس

- ایمان بزرگ‌ترین نیروی برای مسلمانان در مقابله با دشمن می‌باشد.
- صبر و پایداری در برابر سختی‌ها شرط پیروزی در جهاد و مبارزه است.
- پیامبر ﷺ به عوض انتقام همیشه از گذشت کار گرفته و برای هدایت دشمنان دعا می‌کردند.

ارزیابی

- ۱- چه تعداد مسلمانان برای غزوه حنین از مکه خارج شدند؟
- ۲- عوامل شکست دشمن چه بود؟
- ۳- نخستین والی مسلمین در مکه کی بود؟



کارخانه‌گی

شاگردان جریان غزوه حنین را به گونه‌ی مختصر در کتابچه‌های خود بنویسند.

غزوه تبوک

آمادگی رومیان برای حمله بر مسلمانان

گزارش‌های پیاپی به مدینه می‌رسید مبنی بر اینکه رومیان و غسانی‌ها پس از قتل حارث بن عمرو لشکر بزرگی را تهیه نموده اند تا به جنگ سرنوشت ساز و خونین با مسلمین بپردازند، منافقین نیز در این میان با ساختن مسجد ضرار فرصت خوبی یافتند و با گزارش‌هایی از آمادگی رومیان امیدوار گشتند که شاید به آرزوی شوم خود که همانا نابودی مسلمین بود برسند.

گزارش‌ها حاکی ازین بود که قیصر چهل هزار تن جنگجو از رومیان و مسیحی‌های عرب آماده ساخته و پیشقراولان شان به بلقاء رسیده اند.

آنچه به شدت خطر می‌افزود گرمی هوا و فصل چیدن میوه بود که مردم می‌خواستند در سایه باغ و کنار میوه درختان شان بمانند، علاوه از آن دوری مسافه راه نیز دلگیر کننده بود.

اقدام قاطع پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ با دید عمیقتر به اوضاع می‌نگریستند و می‌دانستند هرگاه در برابر رومی‌ها ضعف نشان داده شود تأثیر ناگواری بر شهرت نیک رزمی مسلمین و دعوت اسلامی به جا خواهد گذارد، و از جانب دیگر در گرما گرم جنگ و درگیری، منافقین که قبلاً با رومی‌ها در ارتباط بودند مسلمانان را از عقب خنجر خواهند زد و دست آوردهایی که مسلمین با زحمات زیادی به دست آورده بودند، از دست خواهد رفت.

پیامبر ﷺ تصمیم گرفتند با وجود مشکلات و دشواری‌ها به جنگ سرنوشت سازی دست زده و رومیان را مهلت ندهند تا به سوی سرزمین حکومت اسلامی پیشروی کنند. آنحضرت ﷺ تصمیم خود را به اصحاب شان ابلاغ نموده و افرادی را نیز به سوی مردم

مکه و قبایل عرب فرستادند تا برای جنگ آماده شوند، همچنان رسول الله ﷺ مسلمانان را در انفاق مال‌های شان در راه خدا ترغیب نمودند.

تجهیز لشکر به منظور جهاد

مسلمانان در بذل و صرف اموال و صدقات در راه خدا با هم به مسابقه پرداختند، از جمله عثمان بن عفان رضی الله عنه کاروانی را که غرض سفر به شام آماده ساخته بود با دو صد شتر مجهز و بیش از بیست کیلو نقره صدقه داد و باردیگر یک صد شتر با تمام لوازم آن را با بیش از پنج کیلو طلا صدقه کرد، رسول الله ﷺ فرمود: هر عملی که عثمان پس از این انجام دهد، برایش زیانی نمی‌رساند. مجموع صدقات حضرت عثمان رضی الله عنه درین غزوه علاوه از پول نقد به نهصد شتر و یکصد اسب می‌رسید.

ابوبکر رضی الله عنه تمام مالش را صدقه داد، عمر رضی الله عنه نیم مالش را صدقه کرد، عبدالرحمن بن عوف، عباس، طلحه، سعد بن عباد، محمد بن مسلمه و عاصم بن عدی اموال بسیاری را صدقه دادند.

بدین ترتیب لشکر مسلمانان با وجود کمبودی‌هایی که داشت آماده غذا شد، این لشکر را نسبت تنگدستی که مسلمانان با آن مواجه بودند به نام جیش العسرة نامیدند.

پیامبر ﷺ روز پنجشنبه با لشکر سی هزار نفری مدینه را به مقصد تبوک ترک گفتند، در میان راه لشکر نیاز شدیدی به آب پیدا کردند، به گونه‌ای که شکایت شان نزد رسول الله ﷺ رسید، پیامبر ﷺ دعا فرمود، ابری پدیدار و باران بارید تا آنکه مردم سیراب شده و آب مورد نیاز شان را با خود گرفتند.

پیامبر ﷺ در راه سفر تبوک و یا در تبوک - بنا بر اختلاف روایات - فرمود: (امشب باد سختی بر شما می‌وزد، از این رو هیچکدام شما ایستاده نشود و آنکه شتری دارد باید زانو بند آنرا ببندد. همان بود که در آن شب باد سختی وزید.

لشکر اسلامی به سوی تبوک

لشکر اسلامی در تبوک فرود آمده برای رویارویی با دشمن آماده بود. رسول الله ﷺ

در میان لشکر خطبه ای ایراد کردند و مسلمانان را به خیر دنیا و آخرت تشویق کرده و معنویات جنگی آنان را بلند بردند.

رومیان و هم پیمانان شان از شنیدن خبر لشکر کشی مسلمانان جرئت رویارویی را از دست داده پراکنده شدند، بدین ترتیب شهرت نظامی مسلمین به آفاق رسید و اهداف سیاسی بزرگی را به دست آوردند.

حکام ایل، جرباء و اذرح نزد پیامبر ﷺ آمده به دادن جزیه موافقت کردند، پیامبر ﷺ برای شان نامه‌هائی نوشتند.

همچنان پیامبر ﷺ خالد بن ولید رضی الله عنه را با چهار صد و بیست سوار به سوی اکیدر فرمانروای دومة الجندل فرستادند، آنان فرمانروا را اسیر نموده نزد پیامبر ﷺ آوردند و بعد از دادن ۲۰۰۰ دو هزار رأس اشتر، ۸۰۰۰ رأس بز، ۴۰۰۰ آزره، ۴۰۰۰ نیزه و دادن جزیه موافقت کردند.

بازگشت به سوی مدینه

لشکر پیروزمند مسلمان، بدون کدام درگیری و در حالی که خداوند کار جنگ را یک طرفه نموده بود به مدینه برگشت.

برآمدن آنحضرت ﷺ به سوی تبوک در ماه رجب و بازگشت شان در رمضان بود، و این غزوه پنجاه روز به طول انجامید که سی روز آن در تبوک و باقی روزها در رفت و آمد گذشت. این غزوه، آخرین غزوه‌های پیامبر ﷺ به شمار می‌رود.

آموختنی‌های درس

- از میان رفتن هیبت روم و تحکیم پایه‌های دولت اسلامی.
- پدیدار شدن نیروی دولت اسلامی به مثابه یگانه نیروی قدرتمند در منطقه که توانائی چلینج با بزرگترین نیروهای جهانی آن زمان را داشت.
- یکپارچگی جزیره العرب تحت فرمان پیامبر ﷺ.



۱. انگیزه غزوه تبوک چه بود؟
۲. رومیان در برابر مسلمین چگونه آمادگی گرفته بودند و پیامبر ﷺ چگونه قاطعانه عمل کرد؟
۳. بیشترین قسمت تجهیز لشکر اسلامی را چه کسی و چگونه به عهده گرفت؟
۴. واقعاتی را که پیامبر ﷺ قبل از وقوع آن خبر داده بودند تذکر دهید.



کارخانه گی

شاگردان در مورد آثار و نتایج غزوه تبوک مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

نگرشی بر غزوه‌های پیامبر ﷺ

هرگاه به غزوه‌ها، سربه‌ها و هیأت‌های نظامی آنحضرت ﷺ بنگریم و به نتایج و آثار آن دقیق شویم به خوبی روشن می‌گردد که پیامبر ﷺ بزرگترین و دلیرترین فرمانده دنیا به شمار رفته و امور سیاسی و نظامی دولت نو پای اسلامی را با حکمت و درایت کامل اداره نمودند.

شایستگی پیامبر ﷺ در غزوات

آنحضرت ﷺ نظر به تقاضای شرایط آن زمان با حزم و دلیری تدابیر لازم را اتخاذ می‌کردند، از این رو در هیچ نبردی در تعیین مراکز استراتژیکی، آمادگی لشکر در رویارویی، برنامه‌ منظم و رعایت ملاحظات جنگی کوچکترین نقصی در کار رونما نشد.

تربیتگاه جهاد

این غزوات تربیتگاه فرماندهانی بود که پس از وفات آنحضرت ﷺ در میدان‌های نبرد علیه فارس، روم و عراق رزمیدند، و توانستند که دو دولت مقتدر آن روزگار را که ظلم و بیداد آنها از حد گذشته بود از پای براندازند.

اهداف جنگ در اسلام

آنحضرت ﷺ اهدافی را که در جاهلیت، جنگ‌ها بیشتر به سبب آن به وقوع می‌پیوست تغییر دادند؛ زیرا جنگ در جاهلیت عبارت از چور و چپاول و ستم و تجاوز و انتقام‌گیری و پامال کردن حقوق بینوایان و کشتن افراد و تجاوز به عفت زنان بود.

این جنگ در اسلام به جهادی تغییر نام و ماهیت داد که برای بدست آوردن اهداف والا و ارجمندی صورت می‌گیرد که جامعه انسانی در هر وقت و زمان به آن می‌بالد، زیرا جنگ، به جهادی بدل شد که هدف آن رهایی انسان از چنگال نظام جور و ستم به سوی نظام عدل و انصاف، و از نظامی که در آن نیرومند، حق ناتوان را می‌خورد، به نظامی مبدل شد که در آن ناتوان نیرومند می‌گردد تا حق خود را از توانمند باز ستاند. جنگ به جهادی تغییر یافت که هدف آن رهایی مردان و زنان و کودکان از سلطهٔ ستمگران بود، به جهادی بدل شد که هدف آن پاکسازی زمین خدا از خیانت و فریب و گناه و تجاوز و گسترش امنیت و صلح و محبت و مهربانی و رعایت حقوق همدیگر است.

اسلام از هلاک کردن نسل و تباه نمودن کشاورزی و قطع درختان جز در صورت نیاز بسیار و ضرورت حتمی اکیداً نهی نموده و پیامبر ﷺ در هنگام فتح مکه فرمودند: اسیر و زخمی را هرگز نکشید و در تعقیب آنکه فرار می‌کند بر نیایید.

آنحضرت ﷺ این قانون و سنت را نافذ نمودند که سفیر کشته نمی‌شود و از کشتن ذمی‌ها (آنانی که با مسلمین عهد و پیمان بسته اند) به شدت منع کرده فرمودند: آنکه ذمی را بکشد، بوی بهشت را در نمی‌یابد، در حالیکه بوی آن از مسیر چهل سال دور

تر دریافته می شود.

از مهمترین وقایع سیرت در فاصله غزوة تبوک و حجة الوداع می توان از اسلام آوردن قبیله ثقیف، هلاک شدن سر کرده منافقان عبدالله بن ابی بن سلول و برگذاری مراسم حج در سال نهم هجری به امارت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و نزول سورة براءت و اعلان پایان معاهده با مشرکین و منع آنان از ادای حج و پایان یافتن بت پرستی در جزیره العرب نام برد.



شاگردان در مورد تغییر ارزشهای جاهلی جنگ به اهداف عالی انسانی جهاد با هم گفتگو نمایند.

آموزش‌های درس

- شایستگی و رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوات.
- جهاد تربیتگاه عقیدتی و اخلاقی برای مسلمانان است.
- هدف از جهاد در راه خدا آزادی نجات انسانها از چنگال ظلم و بی عدالتی و ستم زورمندان است



۱. نقش رهبری پیامبر ﷺ را در غزوات بیان کنید؟
- ۲- اهداف انسانی جهاد در راه خدا را بنویسید؟
- ۳- فرق میان جنگهای جاهلی و جهاد اسلامی را توضیح بدهید؟



کارخانه گي

شاگردان در مورد جهاد و اهداف والای آن مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

حجة الوداع

عزم سفر به مکه غرض ادای حج

خداوند خواست که پیامبرش ﷺ ثمرات و نتایج دعوتش را مشاهده نماید، آنحضرت ﷺ اعلان نمودند که می‌خواهند مناسک حج را ادا نمایند، ازین رو تعداد زیادی از مردم به مدینه آمدند و آرزو داشتند به رسول الله ﷺ اقتداء نموده و با ایشان به حج بروند، همان بود که روز شنبه (۲۵) یا (۲۶) ذی القعدة آنحضرت ﷺ خود را برای سفر آماده نموده موهای شان را شانه کردند و ازار و ردای خویش را پوشیده قربانی‌های شان را گردنبند زدند. آن حضرت ﷺ پس از ظهر از مدینه حرکت کردند و پیش از نماز عصر به ذوالحلیفه رسیدند، و در آنجا دو رکعت نماز اداء کرده شب را در آنجا سپری نمودند.

اعلام نیت حج

چون صبح شد آنحضرت ﷺ به اصحاب شان فرمودند: (امشب از سوی پروردگار ملکی نزد من آمده به من گفت: درین وادی مبارک نماز بگزار و پس از آن بگو: عمره ای در حجی، یعنی عمره ای را همراه حجی بگزارم، سپس دو رکعت نماز ظهر را گزاردند و پس از آن در موضع نماز خویش تلبیه حج و عمره را آغاز نموده هر دو را با هم ذکر نمودند. ایشان بر شتر شان قصوی سوار شده به گفتن تلبیه^(۱) ادامه دادند و چون به بیابان رسیدند باز هم تلبیه گفته به سفر خویش ادامه دادند تا آنکه به مکه نزدیک شده و شب را در ذی طوی (اسم محلی است) سپری نمودند.

پیامبر ﷺ در مکه مکرمه

پیامبر ﷺ پس از ادای نماز صبح در روز یکشنبه چهارم ذی الحجه سال دهم هجری

۱- تلبیه عبارت از دعای است که هجاج و معتمرین می‌فوانند و آغاز آن چنین است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَاشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ...»

غسل کردند و بعد از آنکه هشت شب را در راه گذرانده بودند وارد مکه شدند و چون داخل مسجد الحرام شدند بدور خانه کعبه طواف کرده در میان صفا و مروه سعی را به جا آورده ولی از حالت احرام بیرون نشدند، زیرا ایشان نیت حج قرآن را داشتند حج قرآن آنست که حاجی عمره و حج را به یک نیت و در یک احرام اداء نموده و پس از مناسک حج خود را حلال می نماید (یعنی از حالت احرام خارج می شود) - پیامبر ﷺ قربانی خویش را همراه خود آورده بودند.

به سوی منی و عرفات

آنحضرت ﷺ در منطقه حجون اقامت گزیدند، و روز ترویبه هشتم ذی الحجه روانه منی شده و در آنجا نمازهای ظهر، عصر، شام، خفتن و صبح را اداء کرده پس از آنکه آفتاب طلوع کرد به سوی عرفات رفتند، وقتی به عرفات رسیدند دیدند که قبه شان در منطقه نمره بر پا شده است، آنحضرت ﷺ در آنجا فرود آمدند و تا زوال آفتاب همانجا ماندند. آنگاه فرمان دادند تا شتر شان آماده شود و به وسط میدان آمده در حالی که در اطراف شان بیش از یکصد هزار تن از مردم گرد آمده بودند در میان آنها خطبه و موعظه پراچ و طولی ایراد فرمود - ربیع بن امیه بن خلف در عرفات سخنرانی پیامبر ﷺ را باز می گفت برخی از خطبه حجة الوداع را باهم می خوانیم:

سفارش های پیامبر ﷺ در خطبه حجة الوداع

ای مردم سخنم را بشنوید، زیرا من نمیدانم شاید شما را پس از این سال و در همچو موقعی هرگز ملاقات نکنم ... همانا من در میان شما چیزی را باقی گذاشتم که هرگاه بدان چنگ زنید هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و سنت من. ای مردم! همانا پس از من پیامبری نیست و امتی نیز پس از شما وجود ندارد، پس پروردگار تان را بپرستید و ماه تان را روزه گیرید و زکات مال های خود را با خوشی خاطر بدهید، و به سوی خانه خدای تان حج کنید و از زمامداران تان فرمان برید، به بهشت پروردگار تان داخل شوید. پس از آنکه پیامبر ﷺ خطبه و موعظه شان را تمام کردند خداوند این آیت را نازل کرد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [مائده

۳/]. ترجمه: [امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گام‌های تان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم].

پس از خطبه، بلال رضی الله عنه اذان و اقامه گفت و رسول الله صلی الله علیه و آله و مردم نمازهای ظهر و عصر را به امامت پیامبر صلی الله علیه و آله اداء کردند، سپس بر مرکب خویش سوار شده به موقف آمدند و به دعا ایستاده بودند تا آنکه آفتاب غروب کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مزدلفه

پیامبر صلی الله علیه و آله اسامه بن زید رضی الله عنه را عقب شان بر مرکب سوار نموده به مزدلفه تشریف آوردند و نماز شام و خفتن را با یک اذان و دو اقامه اداء کردند. پس از آن تا صبح استراحت نمودند و سپس نماز صبح را اداء کرده بر شتر خویش سوار شده ذکر گویان به مشعر الحرام تشریف آوردند.

از مزدلفه به سوی منی

وقتی که روز روشن شد پیامبر صلی الله علیه و آله از مزدلفه به سوی منی حرکت کردند. فضل بن عباس رضی الله تعالی عنهما در عقب ایشان بر مرکب سوار بود وقتی که به جمره بزرگ (جمره عقبه) رسیدند. و آن را با هفت سنگریزه زدند و در هر بار تکبیر می گفتند، سپس به کشتار گاه آمده شصت و سه شتر را بحیث قربانی با دست خویش نحر (ذبح) نموده و به علی رضی الله عنه دستور دادند تا سی و هفت شتر دیگر را نحر نماید تا یکصد شتر شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله از شوربای گوشت قربانی‌های شان آشامیدند، سپس بر مرکب سوار شده و غرض طواف افاضه عازم کعبه مشرفه شدند. پس از ادای طواف نماز ظهر را در مکه اداء و آب زمزم نوشیدند.

سخنان پیامبر در روز عید قربان

جان و مال و آبروی شما بر یکدیگر حرام است آن چنانکه در این روز و در این شهر و در این ماه حرام است. به زودی به ملاقات پروردگار تان نائل می شوید و خداوند از شما

در بارهٔ اعمالتان می پرسد، آگاه باشید که پس از من گمراه مشوید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند. آیا پیام حق را رساندم؟ گفتند: بلی آنگاه گفت: (پروردگارا گواه باش! باید کسی که در اینجا حاضر است این پیام را به کسانی که حاضر نیستند برساند که چه بسا پیام گیرندگانی هستند که از شنوندهٔ نخستین، با فهم تر و پذیرنده تر اند). پیغمبر ﷺ در ایام تشریق در منی اقامت گزید، مناسک حج خویش را اداء و مردم مناسک حج را از او یاد گرفتند.

انجام مناسک حج و عزم سفر به سوی مدینه

در روز چهارم عید - سیزدهم ذی الحجة پیامبر ﷺ از منی خارج شده و رهسپار کعبه مشرفه شده و طواف وداع را بجا آوردند، آنحضرت ﷺ پس از انجام مناسک حج عازم مدینه منوره شدند.

آموزش‌های درس

- پیامبر ﷺ مناسک حج را به مسلمانان عملاً آموختند.
- از محتوای این درس قرب رحلت آنحضرت ﷺ را می‌دانیم.
- خطبه حجة الوداع در حقیقت اعلان آزادی و عدالت و رفع تبعیض از میان انسانها و رهنمودی است جاویدان برای زیست با همی بین بشر.

ارزیابی

- ۱- نقاط مهم خطبه حجة الوداع پیامبر ﷺ را بنگارید.
- ۲- خطبه حجة الوداع چه پیامی برای بشریت دارد؟
- ۳- نقاط مهم خطبه پیامبر ﷺ مسلمانان در روز عید را بنویسید؟



کارخانه گی

شاگردان در مورد اهمیت خطبه حجة الوداع مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

درس چهل و سوم

بیماری و رحلت پیامبر ﷺ

چون دعوت اسلامی کامل شد و اسلام بر همه ادیان چیره گشت علایم وداع با حیات و زندگانی در مشاعر و احساسات پیامبر ﷺ آشکار شد و این مطلب از گفتار و کردارشان به وضوح پدیدار بود.

علایم وداع پیامبر با زندگانی

- ایشان در رمضان سال دهم هجری، بیست روز اعتکاف نشستند.
- جبرئیل علیه السلام، دو بار قرآن را بر ایشان بر خواند.
- پیامبر در حجة الوداع فرمود: شاید پس از این سال، و در این موقف هرگز با شما دیدار نکنم.
- همچنان در کنار جمره عقبه فرمودند: مناسک حج خود را از من فرا گیرید شاید پس از این سال حج نکنم.

آغاز بیماری پیامبر ﷺ

روز دوشنبه بیست و نهم ماه صفر سال یازدهم هجری پیامبر ﷺ در مراسم جنازه ای در بقیع حضور یافتند و پس از بازگشت در راه دچار سر دردی شده و شدیداً تب کردند. آنحضرت ﷺ یازده روز در حال بیماری در نماز امامت کردند و تمام روزهای بیماری شان سیزده یا چهارده روز بود.

همسران پیامبر اجازه دادند تا آنحضرت ﷺ در خانه عائشه رضی الله عنها باشد، رسول الله ﷺ حالیکه در میان فضل بن عباس و علی بن ابی طالب رضی الله عنهما می رفتند و سر مبارک خود را بسته بودند و گامهای شان بر زمین کشیده می شد، به خانه اُم المؤمنین عائشه رضی الله تعالی عنها داخل شده و آخرین هفته زندگی مبارک خود را در آن گذراندند.

پنج روز پیش از وفات

در روز چهارشنبه، درست پنج روز پیش از وفات، بیماری شان شدت یافت، بر سر

مبارک آب ریختند، قدری احساس سبکی نموده در حالیکه سرشان را بسته بودند به مسجد داخل شده و بر منبر نشستند، مردم به اطراف شان جمع شده بودند خطبه ایراد کرده فرمودند: لعنت خدا بر یهود و نصاری که قبرهای پیامبران شان را مسجد گرفتند.

فرمودند: قبر مرا چون بت مورد پرستش قرار ندهید.

همچنان رسول الله ﷺ بمردم اعلان کردند که اگر کسی حقی بروی داشته باشد و یا خواهان قصاص از وی باشد می تواند حق خود را مطالبه کند.

رسول الله ﷺ روزهای قبل از وفات شان پیوسته به اصحاب نصیحت و رهنمائی می کردند. تا چهار روز قبل از وفات شان اصحاب به امامت پیامبر ﷺ نماز می خواندند، اما وقتی رسول الله ﷺ توان امامت کردن در نماز را در خود ندیدند کسی را نزد ابوبکر رضی الله عنه فرستاده فرمودند تا برای مردم در نماز امامت کند، ابوبکر رضی الله عنه در حیات پیامبر ﷺ در هفده نماز برای اصحاب کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین امامت کردند.

یک روز پیش از وفات

پیامبر ﷺ یک روز پیش از وفات شان تمام غلامان خویش را آزاد نموده، هفت دیناری را که داشتند صدقه دادند و اسلحه شان را نیز به مسلمین بخشیدند.

آخرین روز زندگی پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ در آخرین روز حیات شان اعضای خانواده خود را یکایک دیدند به همسران خود توصیه نمودند، به فاطمه رضی الله عنها مژده دادند که او سردار زنان بهشت است، و به سرگوشی به وی گفتند او نخستین کسی از خانواده پیامبر خواهد بود که به پیامبر می پیوندند، حسن و حسین رضی الله عنهما را بوسیده و در مورد شان به نیکی سفارش کردند، و برای مردم سفارش نموده فرمودند: ، نماز را استوار دارید...

فعالیت (۲)



شاگردان در مورد محبت پیامبر ﷺ با حسن و حسین - رضی الله عنهما - باهم مباحثه نمایند.

لحظه احتضار

لحظات احتضار و به لقاء الله ﷻ، پیوستن پیامبر ﷺ فرا رسید. عائشه رضی الله عنها ایشان را بر خود تکیه داده بود عبدالرحمن بن ابی بکر رضی الله تعالی عنهما داخل شد در حالیکه در دستش مسواکی بود، بنا به تقاضای پیامبر ﷺ آنرا برای ایشان داد و پیامبر ﷺ دندانهای شان را به بسیار خوبی مسواک کردند، چون آنحضرت ﷺ از مسواک فراغت یافتند، دست یا انگشتان خود را بلند کرده و چشم به سقف دوختند و آهسته می فرمودند: (مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً). همراه کسانی که بر آنان انعام نمودی از پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان و آنان بهترین رفقایند.

خداوندا! من را بیا مرز و بر من رحم کن و مرا به رفیق برتر پیوست گردان!
بار خدایا! پیوستن به رفیق برتر را از تو می طلبم.
و این جمله اخیر را سه بار تکرار کردند، دست شان به پهلوی غلطید و به رفیق اعلی پیوستند.

وفات پیامبر ﷺ در چاشت روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول سال یازدهم هجری به وقوع پیوست، در حالیکه از عمر آنحضرت ﷺ شصت و سه سال و چهار روز می گذشت.

آموختنی های درس

- شخص مسلمان باید قبل از وفات، قرض و یا حقی را که مردم بر او داشته باشد اداء نموده و از آنان پوزش بطلبد.
- پیامبر ﷺ با کامل امانتداری و وظیفه نبوت را انجام داده و پس از تکمیل دین به لقاء الله متعال پیوستند.
- قرآن کریم و سنت نبوی دو مصدر و سرچشمه هدایت جاویدانی برای بشریت است.



- ۱- پیامبر ﷺ چند ساله بودند که وفات کردند؟
- ۲- علایم وداع پیامبر ﷺ با زندگانی را بنویسید.
- ۳- در روزهای بیماری پیامبر ﷺ چه کسی در نماز امامت مسلمین را به عهده داشت؟
- ۴- لحظات احتضار پیامبر ﷺ را بنگارید.



کارخانه‌گی

سفارش‌هایی را که پیامبر ﷺ در ایام بیماری شان به اصحاب کرام و خانواده شان فرمودند در کتابچه‌های خود بنگارید.

درس چهل و چهارم

موقف صحابه در برابر رحلت پیامبر و انتخاب ابوبکر رضی الله عنه

وفات پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از ناگوارترین واقعات در زنده گی صحابه کرام رضوان الله تعالی علیه اجمعین بشمار می رود. آل بیت و اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله از رحلت ایشان شدیداً متأثر شدند ولی در برابر این وضع ناگوار با ایمان و صبر و رضا به قضای خداوندی برخورد نمودند.

موقف ابوبکر رضی الله عنه

ابوبکر رضی الله عنه به سواری اسب از منزلش آمد، در نزدیک مسجد فرود آمده داخل مسجد شد، با اصحاب پیامبر سخنی نگفت و داخل منزل عائشه رضی الله عنها شد، بالای جسد مطهر و مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله چادر خط دار یمنی انداخته بودند، وقتی ابوبکر چادر را دور کرد روی پیامبر را بوسید و گریست و گفت: مرگی را که بر تو نوشته شده دریافتی!

ابوبکر رضی الله عنه از منزل خارج شد و مردم دور عمر رضی الله عنه گرد آمده بودند، ابوبکر گفت: ای عمر بنشین، عمر نشست، مردم او را رها کرده و به اطراف ابوبکر جمع شدند، ابوبکر گفت: آنکه از شما محمد صلی الله علیه و آله را می پرستید باید بداند که محمد مرده و آنکه الله را می پرستید باید بداند که خدای محمد زنده است و نمی میرد، خداوند جل جلاله می فرماید: **﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾** [آل عمران/۱۴۴].

ترجمه: [محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته اند، او اگر آیا بمیرد یا کشته شود شما به عقب بر می گردی (و با مرگ او اسلام را رها می سازید و به کفر بازگشت می کنید!) و هر کس به عقب بر می گردد هرگز کوچکترین زیانی به خدا نمی رساند و خدا به سپاسگزاران پاداش خواهد داد].

پس از آنکه ابوبکر رضی الله عنه آیت یاد شده را تلاوت کرد همه باور کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله وفات کرده است.

حضرت عمر فاروق رضی الله عنه که تحت تأثیر خبر وفات پیامبر صلی الله علیه و آله شدیداً ناراحت شده بود با شنیدن سخنان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه آرامش خود را باز یافت.

انتخاب ابوبکر رضی الله عنه بحیث خلیفه مسلمانان

پیش از آمادگی برای تجهیز و تکفین پیامبر در مورد خلافت و امارت مسلمانان، میان صحابه یعنی همه مهاجرین و انصار در سقیفه بنی ساعده گفتگوها و بحث هایی صورت گرفت و در نهایت به خلافت ابوبکر رضی الله عنه اتفاق نموده ایشان را بحیث خلیفه مسلمانان برگزیدند.

تجهیز و تکفین پیامبر ﷺ

رحلت پیامبر ﷺ و انتخاب ابوبکر رضی الله عنه در روز دوشنبه بود، صحابه روز سه شنبه به غسل و تکفین پیامبر ﷺ پرداختند، در مورد دفن رسول الله ﷺ ابوبکر رضی الله عنه گفت: من از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: هیچ پیامبری وفات نیافت مگر آنکه در جای وفاتش دفن گردید.

سپس بستری را که روی آن وفات کرده بودند بلند کرده و زیر آن قبر حفر شد. مردم دسته دسته ده تن داخل شده بر رسول الله ﷺ نماز جنازه می گزاردند، نخست خانواده پیامبر ﷺ نماز جنازه خواندند، پس از آن مهاجرین و سپس انصار نماز جنازه پیامبر ﷺ را خواندند.

این وضع تا اخیر روز سه شنبه ادامه داشت، شب چهارشنبه داخل شد، عائشه رضی الله عنها گفت: ما از دفن رسول الله ﷺ اطلاع نیافتیم تا آنکه در نیمه‌های شب چهارشنبه صدای بیل‌ها را شنیدیم. رسول الله ﷺ در حجره ام المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها در همان جایی که روح‌شان را به خالق تسلیم کرده بودند دفن شدند.

آموختنی‌های درس

- انتخاب جانشین پیامبر ﷺ به اتفاق مسلمانان قبل از تجهیز و تکفین آنحضرت ﷺ انجام یافت.
- صحابه پیامبر ﷺ با صبر و حوصله مندی ناشی از ایمان و تسلیم شدن به قضای الهی با خبر وفات پیامبر اسلام بر خورد نمودند.

ارزیابی

- ۱- موقف حضرت ابوبکر رضی الله عنه پس از وفات پیامبر ﷺ چگونه بود؟
- ۲- بر پیامبر ﷺ چگونه نماز جنازه اداء شد؟
- ۳- پیامبر ﷺ را در کجا به خاک سپردند؟
- ۴- پس از وفات پیامبر ﷺ چه کسی بحیث خلیفه مسلمانان انتخاب گردید؟



کارخانه‌گی

شاگردان در مورد آخرین روزهای زنده گی و وفات رسول الله ﷺ مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

درس چهل و پنجم

خانواده پیامبر ﷺ

عرب‌ها در تقالید و رسم و رواج‌های خود، برای خویشاوندی احترام بخصوصی قایل بودند، و خویشاوندی در نظر شان از وسایل نزدیکی، و دشمنی و جنگ با خویشاوندان بد نامی و ننگ تلقی می‌شد، ازین رو پیامبر ﷺ خواستند از طریق ازدواج با عده از امهات المؤمنین دیوار عداوت و دشمنی قبایل با اسلام را بشکنند و آتش دشمنی‌ها را فرو نشانند، پیامبر با چنین اهداف والایی می‌خواستند روابط خویشاوندی را در میان قبایل عرب محکمتر سازند.

پیامبر ﷺ روی عوامل و اغراض متذکره با یازده زن ازدواج کرده اند که از جمله دو زن در حیات پیامبر ﷺ وفات نموده و نه زن شان هنگام وفات آنحضرت ﷺ حیات داشتند.

زنان پیامبر ﷺ

۱- پیامبر ﷺ به عمر بیست و پنج سالگی با ازدواج با خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها که چهل سال داشت خانواده نبوی را تشکیل دادند.

ثمره این ازدواج فرزندی اعم از پسران و دختران بودند. پسران پیامبر از خدیجه رضی الله تعالی عنها در خرد سالی وفات یافتند، اما دختران شان عبارت بودند از: زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه رضی الله عنهن.

رقیه و ام کلثوم یکی پس از وفات دیگری در عقد نکاح عثمان بن عفان رضی الله عنه در آمدند،

و فاطمه رضی الله عنها با علی علیه السلام ازدواج نموده بود، ثمره ازدواج شان حسن، حسین و ام کلثوم بود.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله با سوده بنت زمعه که زن بیوه ای بود در سال دهم بعثت پس از وفات خدیجه علیها السلام ازدواج کردند.

۳- عائشه بنت ابی بکر رضی الله عنها که از دانشمند ترین زنان امت اسلام به شمار می رود. پیامبر صلی الله علیه و آله در سال یازدهم بعثت با وی ازدواج کردند، و این یگانه دوشیزه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله با وی ازدواج نموده است.

۴- حفصه بنت عمر رضی الله عنه که شوهرش وفات کرده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله در سال سوم هجرت با وی ازدواج کردند.

۵- زینب بنت خزیمه مشهور به ام المساکین، شوهرش در غزوه احد به شهادت رسیده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله در سال چهارم هجرت با وی ازدواج کرد که دو یا سه ماه پس از ازدواج با رسول الله صلی الله علیه و آله وفات یافت.

۶- ام سلمه هند بنت ابی امیه، شوهرش در جمادی الآخر سال چهارم هجری وفات کرد و رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه شوال همین سال با وی ازدواج کردند.

۷- زینب بنت جحش دختر عمه رسول الله صلی الله علیه و آله و همسر زید بن حارثه پسر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله بود، زید او را طلاق داد و بنا به امر پروردگار بخاطر از بین بردن رسم تبنی یعنی فرزند خوانده گی، رسول الله صلی الله علیه و آله با وی ازدواج کرد.

۸- جویریة بنت حارث از جمله زنان اسیر بنی المصطلق و سهم ثابت بن قیس بن شماس بود، او در بدل قیمت جویریة را آزاد کرد و آنحضرت صلی الله علیه و آله آن مبلغ را پرداخته و در سال

ششم هجری با وی ازدواج کردند.

۹- ام حبیبه رمله بنت ابی سفیان، او با شوهرش که نخست مسلمان شده بودند به حبشه هجرت کردند، شوهرش در آنجا مرتد و مسیحی شده و در آنجا وفات یافت، و ام حبیبه بر دین اسلام پایدار مانده بود، رسول الله ﷺ در سال هفتم هجری طی نامه ای او را از نجاشی خواستگاری کرد و نجاشی او را به عقد نکاح پیامبر درآورده همراه شرحبیل بن حسنه نزد پیامبر ﷺ فرستاد.

۱۰- صفیه بنت حیی بن اخطب، او از جمله زنان اسیر شده غزوه خیبر بود، او را پیامبر ﷺ آزاد کرده و در سال هفتم هجری با وی ازدواج کرد.

۱۱- میمونه بنت حارث، پیامبر ﷺ در ذی القعدة سال هفتم هجری پس از عمره قضاء با وی ازدواج کردند.

از جمله امهات المؤمنین تنها خدیجه و زینب (ام المساکین) در حیات پیامبر ﷺ وفات یافته اند و بقیه امهات المؤمنین رضی الله تعالی عنهن پس از رحلت پیامبر ﷺ در قید حیات بودند.

آموزش‌های درس

- زنده گی خانواده گی پیامبر ﷺ بهترین نمونه در ابعاد مختلف برای بشریت است.
- زنده گی پیامبر ﷺ بزگوار اسلام بحیث یک شوهر نمونه و پدر الگو بزرگترین سر مشق برای انسانها می باشد.



۱- اولین همسر پیامبر ﷺ کی بود، و چند سال با وی زندگی نموده چند فرزند از وی به دنیا آمد؟



شاگردان در مورد زنده گی خانواده گی پیامبر ﷺ مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

اوصاف و شمائل حضرت محمد ﷺ

اوصاف آنحضرت ﷺ

خداوند جلّ و علا در قرآن کریم، اخلاق حمیده محمد ﷺ را با تأکید چنین ستوده است:
(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ) بی شک که تو دارای اخلاق عظیم هستی.

- حضرت محمد ﷺ علاوه بر اخلاق پسندیده معنوی، دارای ظاهر آراسته، چهره نورانی، خوشرو ترین و خوشخو ترین مردم بود.

- چشمانی بسیار سیاه، مژگانی طویل و ابرویی کمانی و به هم پیوسته داشت، چون به وی می نگرستی با خود می گفتی چشمانش را سرمه کشیده است، در حالی که چنان نبود.
- صورتی اندک گرد داشت، سپید روی و نمکین رخسار بود، هرگاه به رخسارش می دیدی، گویی خورشید را هنگام طلوع می نگری. رنگی روشن داشت نه سفید بی رنگ بود، نه گندمگون.

- خنده آن حضرت ﷺ تبسم بود دندانهایشان از دندانهای هر کس دیگر زیباتر بود و میان دو دندان پیشین ایشان فاصله بود و هنگام سخن گفتن گویی از میان دندانهای پیشرویش نوری می درخشید.

- ریش آنجناب ﷺ انبوه، پیشانی مبارک شان فراخ، سرایشان بزرگ، بینی شان بلند و باریک و عقابی بود و گونه هایشان پر گوشت نبود.

- گردن پیامبر ﷺ استوار بود، قامتی متوسط و اندامی معتدل و متوازن داشت، چهارشانه و میان دو شانه اش پهن بود. میان دو کتف آنحضرت ﷺ مهر نبوت به سان تخم کبوتر که همرنگ بدن ایشان بود، وجود داشت و این برجستگی مانند مشتی بر کتف چپ و نزدیک گردن ایشان قرار داشت که خالهای گوشتی بر آن بود.

- شانه ها و مفاصل ایشان درشت و برجسته بود اما ساق پای مبارک شان پر گوشت نبود.

- موهایش نه بسیار پیچیده و مُجَعَّد بود و نه بسیار نرم. موهای تن مبارک شان باریک و ظریف بود.

- موی سر ایشان به نرمه گوش می رسید و آن را از وسط سر باز می کرد. جسم مبارک شان در شکم و سینه موی نداشت، اما ساعد و شانه های شان پر مو بودند. آنحضرت ﷺ در حالی وفات یافت که در سر و ریش مبارکشان بیست تار سفید نبود. موی دو شقیقه شان اندکی به سفیدی می زد.

- دستان و پاهایشان قوی بود. شکم برآمده تر از سینه نداشت، سینه اش گشاد و ساعدش کشیده و کف دستی فراخ و نهایت نرم داشت. انگشتانی بلند و کف پا فرو رفته تر از حد معمول و ساق پای بلند داشت.

- ایشان رفتار سریع داشته و هنگام راه رفتن گویی در سراسیمی راه می پیماید، و به جلو مایل می شد و با تواضع راه می رفتند.

- پیامبر ﷺ چون سکوت می کرد، وقارش جلوه گر می شد، و چون لب به سخن می گشود، خصلت های بزرگمنشانه شان آشکار می گردید. پیامبر ﷺ شیرین گفتار و کلام شان عاری از تناقض گویی و خالی از پرگویی بود.

- چون به کسی می دید، با تمام بدن خود به سوی او بر می گشت. هنگامی خشمگین می شد، چهره اش چنان گلگون می شد که گویی بر گونه هایش دانه انار فشرده اند.

شمائل پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ دارای عالترین اخلاق و خصلت های انسانی بودند که ذیلاً به برخی آنها اشاره می شود:

- حضرت محمد ﷺ از همه بخشنده تر، حوصله مند تر، راستگوتر، با وفاتر، خوش محضر تر و مهربان تر بود. هرکسی در نخستین دیدار، ایشان را با هیبت و با شکوه

می یافت، و هر کسی با او معاشرت می نمود، از صمیم قلب دوستش می داشت.

- تحمل، بردباری، عفو به هنگام قدرت، صبر و پایداری در برابر ناگواریها، صفاتی بود که خداوند حضرت محمد ﷺ را بدانها تربیت و آماده کرده بود.

- در کارها آسانگیر بود. هرگز برای خویش انتقام نگرفت مگر آنکه حریم شریعت حق پایمال می گردید که در این حالت برای خدا انتقام می گرفت.

- پیامبر ﷺ از فصاحت و بلاغت فوق العاده ای برخوردار بود.

- خداوند برای حضرت محمد ﷺ جوامع الکلم نصیب کرده بود و کلام وی از وحی سرچشمه می گرفت. بد گفتار نبود، کسی را لعنت نمی کرد و در بازار و اماکن عمومی به صدای بلند سخن نمی گفت. آنحضرت ﷺ سکوت طولانی داشت و جز در صورت ضرورت، لب به سخن نمی گشود، و جز در باره چیزی که به وی مربوط می شد، حرف نمی زد. اگر به سخن آغاز می کرد، از آغاز تا انجام با تمام دهان سخن می گفت نه با گوشه دهان.

- آنحضرت ﷺ در دلاوری و نیرومندی جایگاه ممتاز داشت؛ وی دلیرترین مردم بود که در مواقع دشوار همواره حضور می یافت، چنانکه یکه تازان و قهرمانان بارها از برابرش گریختند. هیچ دلاوری نیست که یک بار عقب ننشسته باشد، مگر پیامبر ﷺ هیچگاه عقب نشینی نکرده است. البته نمونه هایی از این دلاوریها از زبان یاران نزدیک آنحضرت ﷺ در کتب سیرت نقل شده است.

- در جود و کرم در چنان مرتبتی بود که از توان سایرین بیرون است.

- پیامبر ﷺ در حیا و آزر از دختر پرده نشین با حیا تر بود و چون چیزی را نمی پسندید، از چهره اش آشکار دانسته می شد.

- آنحضرت ﷺ با تواضع ترین مردم و دورترین آنها از تکبر بود. از اینکه به سان پادشاهان مردم در برابرش برخیزند، منع فرموده است. دعوت بردگان را می پذیرفت و

در میان اصحاب خویش همچون یکی آنها می نشست. در خوراک و پوشاک بین خود و خادمان شان فرقی قائل نبود، تا بدان حد که خادمان خویش را خدمت می نمود و هرگز به خادم خویش به قهر سخن نگفت و او را به سبب انجام یا ترک کاری سرزنش و عتاب نکرد.

- عائشه رضی الله عنها روایت می کند: آنحضرت ﷺ کفش خود را خود پینه می زد، جامه خود را می دوخت و با دست خود همچون سائر مردم در خانه خویش کار می کرد و بشری همچون انسانهای دیگر بود که جامه اش را وصله می زد و گوسفندان را می دوشید و کارهای شخصی را خود شان انجام می داد.

- رسول اکرم ﷺ بیش از همه صله رحم داشت و بیش از سائرین بر مردم شفقت و مهربانی می کرد.

- آنحضرت مساکین را دوست می داشت و با آنها همنشینی می کرد، به عیادت آنان می رفت، در تشییع جنازه شان حضور می یافت. هرگز فقری را به خاطر تهی دستی خوار نمی شمرد.

- آنحضرت ﷺ جز با یاد خدا نمی نشست و بر نمی خاست در مجالس جایی را برای نشستن خود، اختصاص نمی داد و چون به گروهی می رسید، در جایی که خالی می بود، می نشست. به تمام همنشینان خود بصورت برابر توجه می فرمود.

- غذایی که پیش می آمد، آن را رد نمی کرد و نه در طلب آن تکلف به کار می برد. گاهی از شدت گرسنگی در شکم خویش سنگ می بست؛ ماهها سپری می شد که در منزل او آتشی برای پختن غذا روشن نمی شد. زمین سفره او بود که روی آن غذای خود را می گذاشت، با سه انگشت نان می خورد. تکیه زده چیزی نمی خورد و همیشه طعام آب را به دست راست می گرفت و به نام خدا آغاز و به حمد خدا ختم می کرد.

- آنحضرت ﷺ گاهی در بستر و گاهی بالای بوريا و احياناً بر روی زمین و بعضی اوقات

بر تخت می خوابید. همیشه به پهلوی راست می خوابید و دست راست خود را زیر روی خود می گذاشت. ابتدای شب به خواب می رفت و در آخر شب بر می خاست و به عبادت مشغول می شد و گاهی همه شب را در کار مسلمانان به بیداری سپری می کرد.

- پیامبر ﷺ بر اسب، خر، شتر و قاطر سوار می شد. و گاهی کسی را در عقب خود سوار می کرد و اکثراً بر اسب و شتر سوار می شد و یک رأس قاطر داشت.

- پیامبر ﷺ چنان به صفات کمال کم نظیری آراسته بود و خداوند جلّ و جلاله چنان او را ادب آموخته بود که مستحق این وصف پروردگار قرار گرفت: (و انک لعلی خلق عظیم).

صفات که یاد کردیم، بخش ناچیزی از مظاهر کمال و صفات سترگ آنحضرت ﷺ می باشد که دست یافتن به کُنه و ژرفای آن میسر نیست.

فعالیت (۲)

شاگردان به صورت گروهی راجع به اخلاق و خصلت های آنحضرت ﷺ باهم مباحثه نمایند.

آموختنی های درس

- ۱- اخلاق و صفات حضرت محمد ﷺ در حد کمال و دلپذیر بود.
- ۲- حضرت محمد بر علاوة فضائل بلند اخلاقی دارای چهره زیبا و ظاهر آراسته بود.
- ۳- پیامبر ﷺ در زندگی خانوادگی خویش بی تکلف و بسیار صمیمی بود.
- ۴- آنحضرت به طبقات مستضعف جامعه توجه و علاقه مندی خاص داشت.
- ۵- حضرت پیامبر ﷺ تجسم عینی تمام فضایل و همه خویهای ظاهری و باطنی بودند.



- ۱ - چهره آنحضرت را وصف کنید؟
- ۲ - چند مثال از تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ ذکر کنید.
- ۳ - راجع به اخلاق خانواده گئی حضرت محمد ﷺ از زبان عائشه رضی الله عنها بگویید.
- ۴ - پیامبر ﷺ چه نوع غذا را خوش داشت؟



کارخانه گئی

شاگردان در مورد سیما و شمائل پیامبر اکرم ﷺ مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

اللهم صلي و بارك علي محمد وعلي اله و اصحابه اجمعين و اخر دعوانا ان الحمد لله
رب العالمين.